

دانشگاه پیام نور

خوشنویسی و طراحی حروف (۲)

تألیف : علی اصغر مقتدائی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

هزاران سال قبل که زبان پدید نیامده بود و بشر هنوز لغتی نمی‌شناخت تا حرف بزند، برای نمایش فکر و اندیشه خود، نشانه‌ها و خطوطی بر خاک، سنگ، لوح گلی، لوح چوبی و... ترسیم می‌کرد و پیداست که نخستین نوشته انسان بسیار ساده و بچه‌گانه بوده است. آنان به صورت خشن و نازیبایی شکل اشیاء و چیزها را می‌کشیدند و بدان طریق، مقصود خود را بیان می‌کردند. به عبارتی اجداد خط‌های کنونی، تصویرهای نخستین هستند؛ و متون چاپی امروز که در

آنها، مفاهیم به کمک خط بیان می‌شود، تکامل یافته تصویرهایی است که برای مقاصد گوناگون و آسان کردن ادراک مسایل برای مخاطب یا ساده تر منتقل کردن مفاهیم و برقراری ارتباط توسط انسان ترسیم شده است. این نوع خط را خط تصویری یا اندیشه نگاری^۱ نامیده اند.

مردم بین‌النهرین^۲ نیز مانند سایر ملل در آغاز از خط تصویری استفاده می‌کردند و لوحه‌هایی که در کیش^۳ به دست آمده این مطلب را تأیید می‌کند. لوحه‌هایی که از گل رس و لای رودخانه‌ها تهیه می‌شد برای نوشتن به کار می‌رفت، این لوحه‌ها از خمیر نرم و خالص تهیه می‌شد که برای نوشتن بسیار مناسب بود و قلم‌های فلزی برای نوشتن روی آنها به کار می‌رفت. در این رسم الخط به تدریج تغییراتی ایجاد شد، تصاویری که از انسان و حیوانات و نباتات بود به صورت ساده‌ای درآمد، دایره‌ها و خطوط منحنی هم به شکل چند ضلعی و خط‌های منکسر ترسیم می‌شد و بر اثر این تغییرات، خطی که به خط میخی معروف شده است، در بین‌النهرین به وجود آمد. این نوع خط در حدود سه هزار سال، یعنی تا آغاز ظهور عیسی مسیح (ع) رواج داشت.

خط تصویری عیلامی - امپراتوری عیلام در مشرق بابل واقع

شده بود و نقش مهمی در تاریخ تمدن ایران داشت. مرکز تمدن عیلام شوش بود که از همسایگان شرقی کشورهای بین‌النهرین محسوب می‌شود. ویل دورانت در این‌باره می‌گوید: «در اواسط نیمه دوم قرن ۱۹ م. باستان‌شناسان فرانسوی به آثار انسانی دست یافتند که تاریخ آنها به ۲۰۰۰۰ سال قبل بازمی‌گردد. و نیز شواهد و اسنادی از فرهنگ و تمدن پیشرفته‌ای یافته‌اند که قدمت آن به ۴۵۰۰ سال ق. م. می‌رسد. آن‌چنان است که در آن زمان مردم عیلام تازه از زندگی بیابان‌گردی و شکار و ماهیگیری بیرون آمده بودند؛ ولی در همان زمان سلاح و افزارهای مسی داشتند، زمین را می‌کاشتند، حیوانات

1- Pictograph.

2- بین‌النهرین کشوری است که مابین دو شط عظیم دجله «Tigris» و فرات «Euphrates» قرار گرفته است. از هزاره چهارم پیش از میلاد تاکنون جایگاه تمدن‌های کهن تاریخی سومری، بابلی، آشوری، کلدانی، ایرانی و عرب بوده است. این سرزمین را مورخین یونانی Mesopotamia نامیده‌اند (ادوارد شپرا، الواح بابل، ص ۵).

3- کیش Kish، محلی در عراق که اکنون به تل العظیم معروف است. از قدیمیترین شهرهای باستانی مردم سومر و آکاد در سواحل فرات است و در بیست مابین خرابه‌های بابل، در ده مایلی حله قرار داد.

را اعلی می‌کردند، با خط نویسی دینی و اسناد بازرگانی آشنا بودند، آینه و جواهرات را می‌شناختند، و بازرگانی آنان از مصر تا هند ادامه داشت. در کنار افزارهای سنگ چخماقی صاف شده، که ما را به عصر سنگ جدید می‌رساند، گلدان‌های خوش‌ساخت گـردی می‌بینیم که بر آنها نقوش هندسی با تصاویر زیبای حیوانات و گیاهان رسم شده، و پاره‌ای از آنها در شمار بهترین آثار هنری ساخت دست بشر به شمار می‌رود... کشور شوش ۶۰۰۰ سال بزیست، و در این مدت شاهد اوج عظمت سومر، بابل، آشور، پارس، مصر، یونان و روم بود، و به نام شوش با کمال جلال، تا قرن ۱۴ م. پا بر جا ماند.»^۴

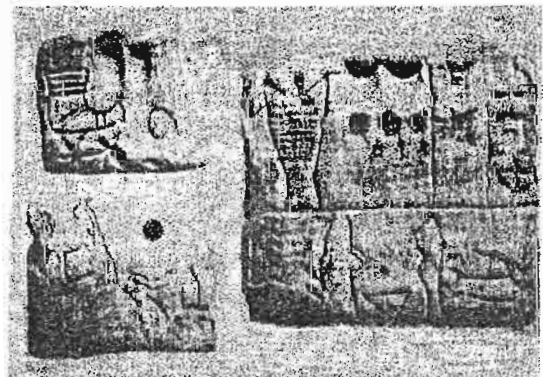
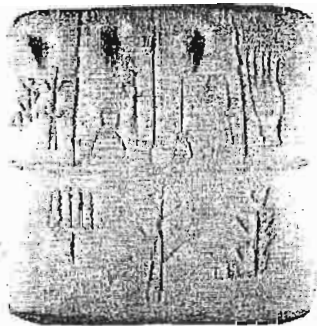
خط تصویری سومریان - یکی از تمدن‌های باستانی مربوط

به حاشیه‌های رودخانه‌های دجله و فرات متعلق به سومریان است که در حدود ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد در اراضی مسطح بین‌النهرین سکنی گزیدند. مهم‌ترین و شگفت‌انگیزترین چیزی که از سومریان برجای مانده «خط نویسی» آن مردم است. ویل دورانت در باره ادبیات و خط نویسی سومریان می‌گوید: «این هنر به اندازه‌ای در نزد آنان پیشرفته بود که به وسیله آن می‌توانستند اندیشه‌ها و افکار مفصل و پیچیده خود را در باره بازرگانی، شعر و دین بیان کنند. نبشته‌های قدیم‌تری که به دست آمده بر روی سنگ است، و تاریخ آن به ۳۶۰۰ ق. م. می‌رسد. در حدود ۳۲۰۰ ق. م. الواح گلی ظاهر می‌شود، و چنان به نظر می‌رسد که، در آن هنگام سومریان با این کشف عظیم بسیار شادمان شده‌اند. این یکی از خوشبختی‌های ماست که مردم بین‌النهرین نوشته‌های خود را با مرکب فاسد شدنی، و بر کاغذی که زود از میان می‌رود، ننوشته‌اند، بلکه توانسته‌اند با آلت تیزی با استفاده از این ماده نرم، یادداشت‌هایی از حوادث، صورت قراردادهای، قبایله املاک، صورت خرید و فروش، متن احکام قضایی، و نظایر آنها را بنویسند و از همه اینها تمدنی بسازند که اثر نیش قلم در آن از دم شمیر هیچ کم نباشد. در آن هنگام که منشی از نوشتن لوح فراغت می‌یافت، آن را در آتش می‌پخت، یا

۴- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، مشرق زمین گامواره تمدن، ص ۱۴۲.

مقابل حرارت آفتاب می‌گذاشت؛ به این ترتیب، طول عمر نوشته در حوادث روزگار بسیار بیش از کاغذ می‌شد، و تنها نوشته بر سنگ، در ماندن بر آن ترجیح داشت. پیدایش خط میخی، و تطور و تکامل آن، بزرگترین منتهی است که سومریان بر تمدن جهان دارند. ° آنچه مسلم است این است که سومری‌ها مخترع نخستین خط و کتابت بوده‌اند. آن‌ها به طرق مختلف در تکامل و پیشرفت خط گام‌های مؤثری برداشتند تا آنجا که نتیجه کوشش ایشان منجر به ایجاد خط میخی گردید.

خط تصویری را نباید با نقاشی اشتباه کرد؛ اگر چه مرز معینی میان آنها وجود ندارد. در نقاشی چیزی که قابل رؤیت باشد و یا حادثه‌ای که رخ داده است تصویر می‌شود و هدف آن زیبایی شناسی و تفکر هنری است، اما برای خط تصویری، هنر در تصویرکردن در اکثر مواقع چندان مهم نیست و تصویر، اغلب طرح سطحی است که برای بیان خبر و اطلاع‌رسانی به‌کار می‌رود. خط تصویری نیز اغلب می‌تواند از روش‌هایی که خط اشیایی استفاده کرده، بهره جوید. انسان، حیوانات و اشیاء را می‌توان با تمام جزئیات ترسیم کرد یا برعکس، به صورت شرطی تصویر کرد؛ مثلاً گله چهارپایان را می‌توان با ترسیم سر خلاصه کرد و یا مفاهیم انتزاعی را می‌توان به صورت نمادی نشان داد.



نمونه‌های بسیار کهن خط تصویری، بین‌النهرین (الواج بابل) خط تصویری، بین‌النهرین، هزاره چهارم ق.م.

۵- تاریخ تمدن، ج ۱، مشرق زمین گامواره تمدن، ص ۱۵۸.

خط هیروگلیف - واژه هیروگلیف^۶ که به حروف به کار رفته در

خط مصریان باستان اطلاق می‌شود، واژه‌ای است یونانی و به معنی «خط خدایان» است. قدیم‌ترین خط هیروگلیف شناخته شده مربوط به هزاره سوم قبل از میلاد است، اما اصل و منشأ آن را باید خیلی جلوتر از تاریخ مزبور جستجو کرد. خط هیروگلیف تا سال ۳۹۰ م. که مصر زیر سلطه رومی‌ها قرار داشت تغییرات زیادی نیافت، گرچه طی سده‌ها نشانه‌های هیروگلیفی از تقریباً ۷۰۰ شکل به ۵۰۰۰ شکل افزایش یافته بود.^۷

کاتبان مصری استادان هنر نوشتار و در نتیجه استادان تعلیم خط هیروگلیف بودند، زیرا معلمی در عمل منحصر به تعلیم خط بود. با در نظر گرفتن تعداد علامت‌هایی که می‌بایست به حافظه سپرده شوند و پیچیدگی زیاد خط هیروگلیف، معلمی وظیفه بسیار سنگینی بود. پسران در ده سالگی وارد مدرسه می‌شدند. بیشترشان فقط چند سالی در آنجا می‌ماندند، اما اغلب آنهایی که استعداد بیشتری داشتند درس خود را تا سن بلوغ ادامه می‌دادند.

کاتبان مصری، برخلاف هم‌تایان بین‌النهرینی خود، وسایل گوناگونی را برای نوشتن به کار می‌بردند. حجاران و صنعتگران، خط هیروگلیف را بر دیوار مقابر، ستون‌ها، تندیس‌ها، تابوت‌ها و مهرها به کار می‌بردند. حتی از آن به عنوان نقش مایه^۸ برای آرایش لوحه‌های زرین و چوبین استفاده می‌کردند، و بر روی پاپیروس هم که ظریف و نرم و صاف بود می‌نوشتند. کاتب برای نوشتن، طومار پاپیروس^۹ را با دست چپ می‌گشود و شروع به نگارش می‌کرد و به تدریج با دست راست آن را می‌پیچید. وی با قلمی از نی به درازای بیست سانتی‌متر، با مرکب غلیظ که از آب و دوده و تثبیت‌کننده‌ای مانند صمغ ساخته می‌شد، می‌نوشت. عنوان‌ها، سرنامه‌ها و آغاز فصل‌ها با

۶ - نام هیروگلیف (Hieroglyphe) را که یونانیان بر این خط نهادند، از دو واژه یونانی «Heros» به معنی مقدس، و «gluphein» به معنی حکاکی ترکیب یافته است (فرمنگ فارسی معین).

۷ - واژه یونانی Hieroglyphika grammata به معنی «حک شده مقدس» آمده است (تاریخ خط، ص ۷۶).

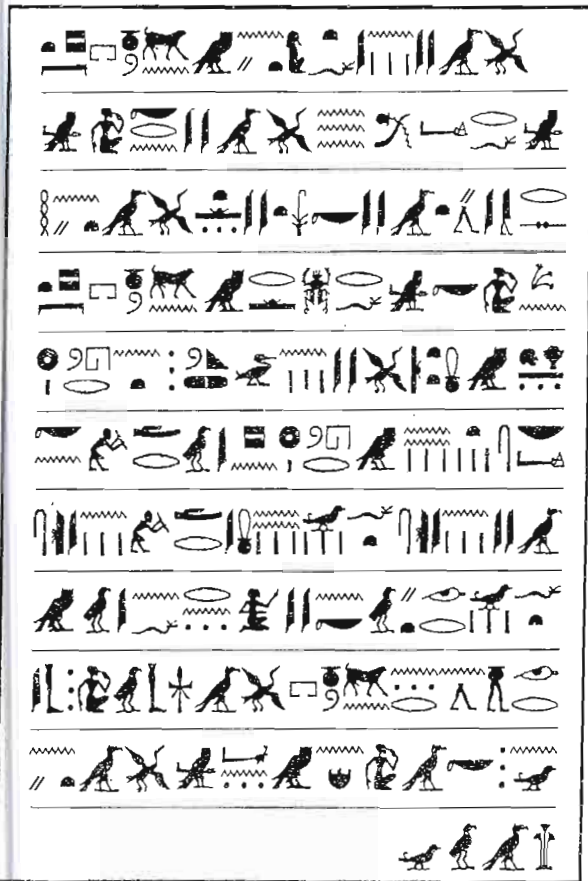
۸ - در کتاب تاریخ ممالک مشرق یونان و روم، ص ۲۱، تعداد نشانه‌های خط مصریان قدیم، ۱۷۰۰ علامت ذکر شده است.

۹ - Morif.

۱۰ - در ازترین طومار به دست آمده خط هیروگلیف بر روی پاپیروس، ح ۴۰ متر طول و ۴۷ م. عرض دارد.

مرکب قرمز نوشته می‌شد که نوعی سنگرف (سولفید جیوه یا اکسید سرب) بود.^{۱۰}

مصریان در کتیبه‌ها، دو نوع حجاری می‌کردند: یکی نقش‌های برجسته^{۱۱} و دیگری نقش‌های گود و کنده شده. مجلس یا میدان جنگ را برجسته حجاری می‌کردند، و زندگی اجتماعی خودشان را که در کتیبه‌ها به خوبی نشان داده‌اند را با نقش‌های گود کنده‌کاری می‌کردند تا از ریزش مصون بماند. کتیبه‌های معابد و مقابر را یا بر دیوارها می‌نوشتند، و یا در صفحه‌های سنگی حجاری‌کرده و نصب می‌نمودند.



طراحی

از هیروگلیف‌های مصری



10- تاریخچه مصور الفبا و خط، صص ۲۴-۱۹.

11- Bas-relief.

ستون هرمی فیلا منقش به هیروگلیف‌های مصری

خط در گرافیک

گرافیک چیست - گرافیک^{۱۲} واژه‌ای است فرانسوی که در

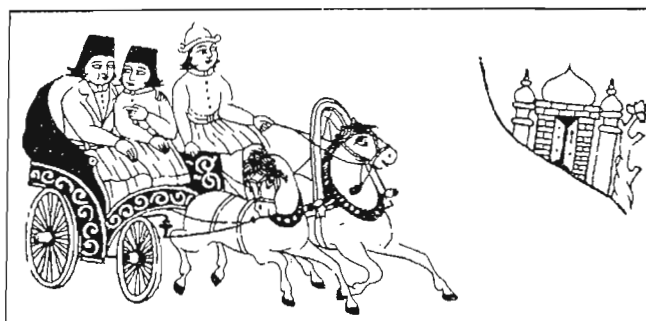
فرهنگ‌ها به معنای: نوشتن، ترسیمی، طرحی، شکلی، برجسته، مربوط به نقاشی، نمودار روشن، واضح و خطنا آمده است. در لغتنامه دهخدا، گرافیک به معنی نمودار خطی که نماینده صور و اعمال است تعریف شده است.

سابقه چاپ در ایران - با توجه به اینکه چاپ ماشینی در

قرن سیزدهم هجری قمری در ایران رواج یافت، اما سابقه چاپ در ایران به قبل از این زمان باز می‌گردد. تا آنجا که به چاپ دستی و گرافیک سنتی مربوط می‌شود، آثار زیبا و ارزشمندی تحت عنوان «عیدی» سازی در دست داریم. عیدی سازی را می‌توان نوعی هنر عامه قلمداد کرد که در خارج از حوزه نفوذ رسمی و درباری رواج پیدا کرده بود. روند فنی و تکنیک کار چنین بود که نقوش و تصاویر مختلف را بر روی چوب حکاکی می‌کردند، و قالب‌های می‌ساختند که شبیه قالب چاپ پارچه‌های قلمکاری بود؛ سپس قالب یا مهر را به جای پارچه بر کاغذ چاپ می‌زدند. این قالب‌ها، غالباً با چوب گلابی ساخته می‌شد، که قبل از کنده کاری و منبت، مدتی آن را در روغن بزرگ یا روغن زیتون می‌خوابانند تا نرم شود، و برای حکاکی نقوش آماده گردد. قالب‌های آماده شده را بر بالشتک مخصوصی که به رنگ سیاه (دوده، کتیرا و نبات) بود، می‌فشرده، و سپس قالب را روی کاغذ مناسب فشار می‌دادند تا طرح مورد نظر چاپ شود. گاهی اوقات حکاک یا قالب زن، نقوش و تصاویر را بنا به سلیقه خود در کنار هم ترکیب می‌کرد.

علاوه بر چاپ دستی، در عهد صفویان چاپخانه حروف عربی و فارسی، در اوایل قرن یازدهم هجری قمری در صومعه سرایی در اصفهان تأسیس گردید که «بصمه‌خانه» نام داشت. شاید واژه «بصمه» هم از همین جا گرفته شده باشد. در همان اوان نیز یک

چاپخانه ارمنی در جلفای اصفهان دایر شد. احتمالاً در زمان کریم خان زند نیز چاپخانه‌ای در شیراز دایر بوده است.



عیدی‌سازی، درشکه‌سواران و دورنمای مسجد (شناخت هنر گرافیک) عیدی‌سازی، صحنه مذهبی

چاپ سربی - در سال ۱۲۲۷ ه.ق.، به دستور عباس میزرا، اولین چاپخانه سربی «تایپوگرافی» در تبریز تاسیس و در آن چاپخانه «رساله فتح‌نامه» درباره جنگ‌های ایران و روس، تألیف میزرا ابوالقاسم قائم مقام به طبع رسید.

در سال ۱۲۳۹ ه.ق: چاپخانه‌ای با حروف سربی در تهران آغاز به کارکرد و کتاب «محرق القلوب» در آن به چاپ رسید. در آن زمان به چاپخانه «باسمه خانه» می‌گفتند.

در سال ۱۲۹۰ ه.ق. ناصرالدین شاه قاجار به هنگام سفر اروپا، یک دستگاه ماشین چاپ حروف عربی و لاتینی خرید و به تهران فرستاد. سپس در سال ۱۳۱۷ ه.ق. چاپخانه سربی دیگری در تبریز دایر شد.

در آغاز صنعت چاپگری در ایران، برای چاپ نقوش، قالب‌هایی مانند مهرهای چاپ قلمکار از چوپ سخت تهیه می‌کردند و آنها را در کنار حروف سربی به چاپ می‌رساندند. از میان ۳۰ کتابی که از بدو تأسیس چاپخانه سربی، تا سال ۱۲۷۰ ه.ق.، در تبریز، تهران و اصفهان به طبع رسید، فقط کتاب «مختارنامه» دارای تصویر بود.

چاپ سنگی - به دلیل مشکلاتی مانند ریز بودن حروف، چاپ سربی برای مدتی در ایران منسوخ و چاپ سنگی (لیتوگرافی)^{۱۳} جای آن را گرفت. ابتدا در تبریز، یک چاپخانه سنگی دایر شد و نسخه-ای از قرآن مجید را در سال ۱۲۵۱ هـ. ق. به طبع رساندند. ده سال بعد چاپخانه سنگی دیگری در تهران تأسیس شد و در سال ۱۲۴۴ هـ. ق. نیز چاپخانه سنگی به وجود آمد، که اولین کتاب چاپ شده در آن، «رساله حسینیّه» ترجمه ملا ابراهیم استرآبادی بود. از آن پس در شهرهای بزرگ ایران چاپخانه‌هایی از این نوع دایر گردید.

چاپ سنگی را «الویز زنفلدر»^{۱۴} در سال ۱۷۹۸ م. در آلمان اختراع کرد. وی به سنگی آهکی که خشک بود، مقداری مرکب چرب مالید، و متوجه شد که سنگ به مرکب آلوده نمی‌شود. وی مطلبی را روی سنگ نوشت و مقداری اسید استیک روی آن پاشید تا قسمت‌های نوشته نشده تحلیل برود، آن گاه قسمت نوشته شده را با مرکب چرب آلوده کرد، و بدین ترتیب موفق به اختراع چاپ سنگی شد. سرعت ماشین‌های چاپ تا مدت‌ها به ۱۰۰۰ نسخه در ساعت می‌رسید. در چاپ سنگی همچنان از خوشنویسی استفاده می‌شد و کتاب‌ها و روزنامه‌هایی که طبع می‌گردید، غالباً به خط نستعلیق و دارای تذهیب و تصویر بود. در قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری قمری، به وسیله چاپ سنگی و چاپ سربی، کتب زیادی از جمله قرآن مجید، ادعیه، رسالات مذهبی، شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی، گلستان و بوستان سعدی، دیوان حافظ، سفرنامه‌ها، کتب علمی و ترجمه داستان‌های خارجی به طبع رسید. برخی از کتاب‌های فارسی به طریق چاپ سنگی، در بمبئی هندوستان به چاپ می‌رسید.

طرز کار چاپ سنگی - ابتدا کاغذ سفید معمولی را با محلول رقیق نشاسته و گلیسرین می‌پوشانند، سپس روی آن را با مرکب مخصوص (دوده، روغن پخته شده، سقز و موم) می‌نوشتنند و یا منقوش می‌کردند. آن‌گاه کاغذ مزبور را در طشتکی از آب خیس کرده، و بر روی سنگ صیقل یافته که با محلول رقیق اسید تمیز و خشک و گرم

13- Lithography.
2- Aloys Senefelder.

شده بود، قرار می‌دادند. بر اثر فشار، اثر کاغذ منقوش بطور معکوس روی سنگ می‌افتاد. بعد سطح سنگ را با محلول رقیق صمغ عربی می‌پوشاندند، سپس مرکب چاپ رقیق شده با تربانتین روی آن می‌مالیدند. سرانجام سنگ را با محلول رقیق اسید و بعد با آب می‌شستند. پس از خشک شدن، مجدداً روی سطح سنگ را با صمغ عربی رقیق، اندود می‌کردند. در بعضی موارد، برای تقویت خطوط و نقوش، قبل از اسید مالیدن بر روی سنگ، بر آن پودر رزین پاشیده، سپس به آن حرارت می‌دادند. اکنون سنگ آماده چاپ کردن بود. روند چاپ کردن به این طریق بود که کاغذ را روی سنگ قرار داده، بدان با غلطک فشار وارد می‌آوردند، تا تصویر یا نوشته به روی کاغذ منعکس گردد. این عمل به تعداد نسخه‌های مورد نظر تکرار می‌شد.

در چاپ سنگی، همچنان از خوشنویسی استفاده می‌شد، ولی دیگر امکان به وجود آمدن ظرافت‌های خوشنویسی در روی سنگ نبود. به علاوه کارکرد و خوانایی نوشته اهمیت بیشتری داشت تا زیبایی آن. همین مشکل در مورد تذهیب نیز وجود داشت. تذهیب عملاً خلاصه‌تر شده، و به مرور، نرمش و ظرافت و پیچیدگی گذشته را از دست داده بود. به علاوه عنصر رنگ، که همواره زیبایی تذهیب در نسخه‌های خطی را به نحو بارز بر عهده داشت، از میان رفته و فقط خطوط سیاه و سفید بر جای مانده بود. تصاویر که غالباً بر اساس طبیعت پردازش استوار بود، با روش نقطه چین کار می‌شد. در این مورد، اساساً کارکرد مصورسازی تغییر کرده، و وظیفه‌ای بر عهده گرفته که امروزه عکاسی انجام می‌دهد. در موارد دیگری که مصورسازی کتب شعر و داستان و یا صحنه‌های مذهبی مطرح بود، رد پای مینیاتورهای قدیم کاملاً پیدا بود، و از این لحاظ، اصالت بیشتری را نشان می‌داد، گو اینکه این تصاویر از مهارت استادان گذشته، و نیز نقاشان پیرو شیوه اروپایی سهم اندکی برده بودند.

صفحه آرایی روزنامه‌های چاپ سنگی - با وجود تصاویر سایه روشن دار، و خطوط ریز و درشت و جدول‌بندی و نقوش شبه اسلیمی - حدوداً تقلیدی از روزنامه‌های چاپ لیتوگرافی اروپایی بوده باشد.

در چاپ سربی مسئله عدم رعایت اصول تناسب و توازن صفحه، به نحو بارزتری نمایان می‌شد. و شاید به همین دلیل و به سبب مشکلات فنی دیگر، از جمله فرسایش حریف بود که مدتی این نوع چاپ منسوخ گردید. به علاوه، حروف سربی که از لحاظ شکل بسیار ابتدایی، و از لحاظ تنوع دچار محدودیت بوده است. در چاپ سربی، جدول‌بندی و نشوش نیز به حد اعلاى سادگى تقلیل یافته بود. با این همه باز همان روحیه سنتی صفحه آرایی در کتابها و روزنامه‌های چاپی نیز آشکار می‌گردید. لیکن مسئله در این بود که صفحه آرایی آن زمان که با فنون و وسایل و امکانات قدیم آشنایی داشتند، هنوز نمی‌توانستند خود را با شرایط جدید کار انطباق دهند. لذا، می‌بایست زمانی بگذرد تا رفته رفته شکل صفحه آرایی دچار تغییراتی اساسی متناسب با فنون تازه گردد (شناخت هنر گرافیک سنتی و نوین، ۱۳۷۵: ۳۸ و ۳۷).

کتاب آرایی - تهیه کتب خطی مصور در اواخر قرن سیزدهم مجری قمری منسوخ گردید و صنعت چاپ جایگزین آن گردید. پس از گسترش چاپ، سطح کیفی کتابها از لحاظ کتاب آرایی تنزل کرد، چون نسخه‌های خطی مصور، از زیبایی و ظرافت خاصی برخوردار بودند. این نزول نه به دلیل کاسته شدن از مصوران و مذهبیان و خوشنویسان چیره‌دست بود، بلکه به سبب محدودیت امکانات فن چاپ، یا به عبارت دیگر، عدم مهارت در کاربرد این فن، خاصه در صنعت چاپ سنگی بود. اما امکان به وجود آوردن ظرافت‌های خوشنویسی در روی سنگ نبود. به علاوه کارکرد و خوانایی نوشته، بیشتر از زیبایی آن اهمیت داشت. همین مشکل در مورد تذهیب نیز وجود داشت. به علاوه در چاپ سنگی، عنصر رنگ که همواره زیبایی تذهیب را در نسخه‌های خطی به نحو بارزی برعهده داشت، از میان رفته و تنها خطوط سیاه و سفید بر صفحه‌های کاغذ بر جای مانده بود. تصاویر که غالباً براساس طبیعت پردازی استوار بود، با روش نقطه چین کار می‌شد.

با ورود صفت چاپ به ایران، خطوط سنتی (خصوصاً خط نسخ) به دلیل اینکه قابلیت تبدیل شدن به حروف چاپی را داشت، با تکنولوژی مدرن همساز شد، و به بهای از دست دادن بسیاری از

زیبایی‌هایش به قالب حروف سربی درآمد، و خط نستعلیق که خط اصلی و ملی ایرانیان محسوب می‌شود، با حفظ کیفیت، زیبایی و ظرافت خود تنها در چاپ سنگی مورد استفاده قرار گرفت.

میرزا محمدرضا کلهر، خوشنویس برجسته عهد قاجار، روزنامه‌های «شرف» و «شرافت» را به خط نستعلیق خوشنویسی می‌کرد، و نقاشی‌های مصورانی چون ابوالحسن خان غفاری «صنیع‌الملک»، ابوتراب غفاری (برادر بزرگ محمد خان غفاری «کمال‌الملک» و برادرزاده ابوالحسن خان غفاری) و میرزا موسی در عهد قاجار، زینت بخش کتاب‌ها و روزنامه‌های آن عصر قرار گرفت.

صنیع‌الملک نقاش دربار محمد شاه قاجار بود، و در سال ۱۲۶۲ هجری قمری برای تکمیل فنون نقاشی و خاصه فراگیری گراور سازی و چاپ به ایتالیا فرستاده شد، و دو سال بعد بازگشت. در سال ۱۲۷۲ هجری قمری ریاست دارالطباعة دولتی، و مسئولیت چاپ و انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه را بر عهده گرفت. در همان سال یک نقاشخانه دولتی برای تعلیم رایگان نقاشی به شیوه اروپایی تأسیس کرد. در سال ۱۲۸۰ مباحث کلیه امور چاپخانه‌های ایران نیز به واگذار گردید و تا پایان عمر انجام امور مذکور را ادامه می‌داد (گروه مؤلفین، شناخت هنر گرافیک، ۱۳۷۵: ۳۴).

از صنیع‌الملک آثار ارزشمند و شاهکارهای چون: نقاشی‌های کتاب الف لیله و لیله به خط محمدحسین تهرانی، پنج تصویرآبرنگ در کتاب مثنوی شیرین و فرهاد وحشی بافقی و تصویرگری چهره بسیاری از رجال زمان در کتاب‌ها و مرقعات و روزنامه‌های آن دوره به جای مانده است (محمد علی کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۷۶: ۱۹ و ۲۰).

ابوتراب غفاری که روزنامه‌های «شرف»، «شرافت» و «وقایع اتفاقیه» را نقاشی می‌کرده است، آثاری دیگری چون: تصویر ناصرالدین شاه، محمود خان ملک‌الشعرا، فتح‌الله خان شیبانی، اعتمادالسلطنه و رجال و درباریان دوره قاجار به جای مانده، و برخی از آنها که در کتاب مرآت‌البلدان مورخ ۱۲۹۴ هجری قمری به طبع رسیده است (همان، ۳۴-۲۳).

میرزا موسی و مصورالملک نیز در مصور سازی روزنامه‌های شرف و شرافت مشارکت داشته‌اند.

در قرن سیزدهم هجری قمری شیوه های سنتی خوشنویسی و نقاشی ایرانی همچنان به حیات خود ادامه می داد. استنساخ قرآن مجید، از ارزنده ترین وظیفه های به شمار می رفت که یک خوشنویس برای خود قابل بود، و لذا خط نسخ برای کتابت قرآن مجید کماکان مورد استفاده قرار می گرفت. اما خط شکسته و تحریری برای نگارش سریع احکام، فرامین، مکاتبات اداری و نامه ها بود.



روز دوشنبه نهم شهر رمضان المبارک مکتب ظفر کوکب علیحضرت اقدس شامشاهی خلداند مکتب و اسطبلان از ظاہر اسطبل حرکت فرموده فرمای
 کلماتی صحیح گردید راه ابتدا از طرف مغرب بسمت شمال شرقی امتداد یافته تا قریه دولت آباد که در نیمه شرقی دروست راه است و از آنجا
 میل اویشتر شمال شده و پس از قریل مسافتی چهارده مکتب که اولی موسوم به ده خیر و بعد از آن کرکان پس از کرکان کلگ کشته در
 مسجد نام دارد در دست چپ راه و در زیر ابرویج واقع شده است در محاذی این قریه از طرف دست راست ده مکتب نامی سفیدان قادر و نسیم
 دیده میشود بعد از آن در همین طرف علی آباد ظهیرالدوله است و زیر آن در خط راه حسین آباد علی میرزا مهدی نزدیکی که قلعه خرابه و در
 در پهلوی آنست آرا آنجا کشته در دست راست قریه آباد جان محمدان سرتیپ در محاذی آن علی آباد جان محمد خان وزیر علی آباد قریه تندر
 و محاذی آن که دست راست او قدری و در از راه باشد قریه علیا و قریه سفلی است وزیر نمدال قلعه حاجی عبداله محمد بن ابرجریست بعد در
 راست در پهلوی خط راه قلعه سترخان است پس از آن در بسیار و در از خط راه در ده مکتب کوه شمالی قریه میغان است و کوه در میان که در
 شمال راه از طرفی بلوکه شاهوار وصل است و در سمت دیگر کوه متصل میشود و این جبل حاصل خاک بطام و استرا با دیبا شده است و از آن
 در سمت چپ قریه ای از کرک و نصیر آباد و جاطاق و نزد رسید آباد و قلعه میرزا محمد علی و قاسم آباد علیا و سفلی میباشد که هر یک جزئی
 دارد و محاذی این قریه در جلگه که او آخر دست کوه شمالی میباشد قلعه محمد آقا و کرمن و قلعه سفید و قلعه نو و خرقان آبر میباشد که مجموعاً
 پنجاه خانوار سکنه و باغستان زیاد دارد و در نزدیکی آبادی قان بر روی تپه متبره شیخ ابو الحسن قانی قدس سره است که از هر کونیه
 در خرابت متصل با تپه متبره مسجد مربع و بسیار رفیع که فتمی میشود و کهنسندی که شکل مخروطی بی شباهت نیست و ظاهر کهنسند را
 کاری کرده اند و کهنسند و کهنسند که پنجاه مکتب است معلوم میشود که این مسجد را در عهد سلطان ابوسعید غوری که روح نوان بنا
 نموده است

خوشنویسی روزنامه اردوی همایون با چاپ سنگی به خط نستعلیق میرزا محمد رضا
 کلهر
 تایپوگرافی (لوگو) - از زمانی که یوهان گوتنبرگ¹⁵ (۱۴۶۸-۱۴۰۰)
 م. فن چاپ را در شهر مانیس¹⁶ آلمان اختراع کرد، تلاش‌هایی برای

15- Johan Gutenberg.
 16- Manis.

توسعه شیوه‌هایی که کارایی بیشتری در امر تکثیر نسخ متون مختلف و مطالب مهم داشتند، انجام پذیرفت. از جمله این تلاش‌ها که به توسعه امر چاپ انجامید، ساختن حروف برجسته فلزی بود که با الهام از اصل الفبای لاتین انجام شد و از ترکیب و کنار هم قرار گرفتن آنها؛ واژه، جمله و متون ساخته می‌شد. این فرایند، دیگر خوشنویسی یا خطاطی نیست بلکه آن را «تایپوگرافی»^{۱۷} یعنی «فن بیان نوشتار مرتبط با صنعت چاپ» می‌نامند.

امروزه حضور تایپوگرافی را در بسیاری از دقایق زندگی‌مان حس می‌کنیم: از سینما و تلویزیون، صفحات وب، روزنامه‌ها و نشریات، تبلیغات تجاری، علائم راهنمایی و رانندگی، بسته‌بندی کالاها، تابلو و ویترین فروشگاه‌ها، معماری و آرایش فضا، از طراحی پارک‌ها گرفته تا اشیای پیرامونمان و لوازم شخصی و البسه و... همچنین می‌توان گفت تایپوگرافی وارد قلمرو «هنرهای زیبا»^{۱۸} نیز شده است.

اما مطالبی درباره طراحی حروف «لوگو»^{۱۹} و خطوط گرافیکی:

۱- طراحی حروف، مجموعه طراحی‌هایی است که با حروف انجام می‌شود تا حروف و کلمات به وجه تصویری نزدیک شوند.

۲- مبحثی در طراحی گرافیک وجود دارد که با طراحی حروف و کلمات سروکار دارد، کاربرد آن، ایجاد تأثیر بصری یا بیان تصویری به کمک کلمات است. آثار خلق شده در تایپوگرافی قبل از آن‌که خوانا باشند، حاوی یک پیام بصری هستند، بنابراین یک اثر تایپوگرافیک می‌تواند از مجموعه‌ای حروف و کلمات که در عین حال معنایی نیز ندارند، ساخته شود.

۳- طراحی حروف یک اثر گرافیکی است که نوشتار را ثبت می‌کند و کیفیت ترکیب و احوال اثر، به اعتبار نوشتار و حروف ایجاد می‌شود.^{۲۰}

17- *Typography*.

18- *Fine Arts*.

19- *Logo*، نشانه یا طرح چاپ شده‌ای که شرکت یا سازمانی به عنوان نشان‌دهنده خاص خود به کار می‌برد. *Logotype*، علائم و نشانه‌هایی که عناصر تشکیل دهنده اش حروف، اعداد یا کلمات هستند.

۲۰- مسعود نجابی، خط در گرافیک، ص ۱۰.

اما نکته حائز اهمیت در طراحی حروف و پوینت^{۲۱} این است که تایپوگرافی فارسی، با شناخت و درک اصول خوشنویسی و خطوط اسلامی ایرانی و تسلط و درک تناسبات گوناگون در شیوه‌های خوشنویسی و اقلام مختلف، بدون نزدیک شدن به اسلوبها و شیوه‌های غربی میسر است. هنر گرافیک در ایران از سابقه تاریخی برخوردار است. از دیرباز که نقش و نگارها را بر دیواره غارها، سفالها و سنگها میکشیدند، تا دوران اسلامی که خطوط مختلف کوفی و ثلث و نسخ و نستعلیق، بر پارچه و فرش و سفال و فلز و سنگ و چوب به صورت حکاکی و منبت مشبک و حجاری و گچبری توسط هنرمندان خوشنویس منقش می‌ساختند، هنر گرافیک وجود داشته و از ارزش والایی برخوردار بوده است.

اهداف تایپوگرافی - هدف‌های تایپوگرافی که شامل اهداف

فرهنگی، موضوعی، اقتصادی و تجاری است، عبارت‌اند از:

کشف و تشخیص جنبه‌های خلاق کاربرد حروف - هنگامی که خطی به کمال زیبایی می‌رسید و قابلیت‌ها و امکانات خود را به تمامی به نمایش می‌گذاشت، تلاش برای پدید آوردن قلمی جدید آغاز می‌گردید.

این همه تفاوت در شیوه‌های خوشنویسی حداقل نشان دهنده این مسئله است که نیاز انسان برای ارتباط نوشتاری با یک نوع خط مرتفع نمی‌گردد و برای بیان حالات مختلف متوسل به اقلام مختلف می‌شود.

کمک به درک هرچه بهتر و بیشتر مفاهیم نوشته - تایپوگرافی برای تقویت مفاهیم است، نه تکذیب و نادیده گرفتن معنی و ابهام آن و یا از هم گسیختن آنچه گفته شده است.

غنی و مؤثر کردن نوشته بیش از حدی که آن نوشته در صورت عادی می‌تواند غنی و مؤثر باشد.

کمک به جای‌گیری نوشته و موضوع در ذهن و خاطره مخاطب - تایپوگرافی یکی از قدرتمندترین ابزارهای ارتباطی موجود برای طراحان گرافیک است، و وقتی که به طور مؤثر به کار رود، می-

21- واحد اندازه‌گیری حروف چاپی Point، «پوینت» یا «فونت» نام دارد که اندازه آن ۰/۳۷۶ میلی‌متر است.

توانند حال و هوا و مفهوم یک اثر را بیش از انتظاری که از یک نوشتار یا حتی تصویر است، در خاطرهما و اذهان ثبت کند. عینی کردن موضوع نوشتار - بیش از حدی که موضوع فی نفسه، عینی و محسوس است، تایپوگرافی می‌تواند به خواننده خود قبل از خوانده شدن این متن آموزنده است یا سرگرم کننده، طنز است یا بسیار جدی... و برای این کار اگر لازم باشد حروف منبسط یا فشرده می‌شوند و یا در اندازه‌های مختلف ظاهر می‌گردند و خودشان را به شکلها و شیوه‌های مختلف ارائه می‌کنند. تایپوگرافی صدای تصویر است.

آسان و سهل‌الوصول کردن موضوع - در مواردی که اهداف آموزشی در میان است و موضوع ناگزیر، دشواری‌هایی دارد که باید نارسایی‌های وصفی - واژگانی نوشته را از بین ببرد. برانگیختن حس کنجکاوی مخاطب در جهت درک ظرفیت‌های بصری نوشتار - کلمات و نوشتار در تایپوگرافی در صورتی که ظرفیت‌های بصریشان کشف شود، می‌تواند تبدیل به تصاویر یا تداعی کننده آن باشند. تایپوگرافی به همان خوبی که خوانده می‌شود، دیده هم می‌شود، و باید به هر دو صورت دیدنی و خواندنی، گویا باشد. تایپوگرافی می‌تواند، با آزادی بخشیدن به نوشتار و کلمات، بینندگان را برای در نظرگرفتن قابلیت‌های بصری حروف برانگیزد. قوه تخیل مخاطب را فراسوی موضوع نوشتار قرار دادن - گهگاه پیش می‌آید که کار بر روی حروف، هدف نوشته را تغییر می‌دهد، و آن را تضعیف و کمرنگ یا تخریب و بی اعتبار می‌کند. اینکه تایپوگرافی، نوشته را رد کند و تأثیرات آن را از میان ببرد، دلیل قطعی بر شکست تایپوگرافی است. هر گاه تایپوگرافی، به همه اهداف نوشته پاسخ مثبت و مکمل بدهد، در این حال سزاوار است که قدم یا قدم‌هایی نیز فراسوی نوشته بردارد و قدرت تخیل مخاطب را از محدوده یا محبس نوشته آزاد کرده و به پرواز وا دارد. (خط در گرافیک، ۲۳-۱۹)

ابزار طراحی در تایپوگرافی - شناخت ابزار وسایل لازم برای طراحی حروف، و نحوه استفاده از آنها برای طراحان و گرافیکسها بسیار لازم و ضروری است. در آغاز کار طراح آنچه را

که در ذهنش خطور کرده، به وسیلهٔ مداد، قلم‌زنی، قلم فلزی و... بر صفحهٔ کاغذ ترسیم کرده، سپس به وسیلهٔ ابزارهای دیگری همچون قلم مو، وسایل رسامی، کپسول رنگ، قطاعی (برش کاغذ) و حتی با استفاده از ابزارهای نرم‌افزاری طرح خود را اجرا می‌کند. آنچه مهم است خوانا بودن نوشته‌ها در تایپوگرافی است.

شیوه‌های مختلف طراحی حروف - طراحی حروف را می‌توان بر اساس شیوه‌های مختلف زیر انجام داد: ایجاد فضاهای مثبت و منفی، اختصار (حذف بخش‌هایی از حروف)، برش حروف، تکرار یک حرف یا قسمتی از یک حرف، روی هم افتادن یا تماس پیدا کردن حروف، دنبال هم قرارگرفتن مجموع یا بخشی از حروف یک کلمه، تغییر اندازه حروف از قوت به ضعف یا از تاریک به روشن، قرارگرفتن حروف در مجموعه‌ای از سطوح، کار روی علائم نوشتاری، اضافه کردن عناصر بصری به کلمه یا یک حرف از کلمه، عبور کردن خط از میان یا بیرون از بدنهٔ حروف، استفاده از حروف سایه‌دار، تشکیل ترکیب جدید از خطوط رایج، طراحی حروف جدید، تأکید کردن بر بخشی از کلمه یا حروف، نوشتن فی‌البداهه، ایجاد بافت در حروف یا اطراف آن، استفاده از تنوع حروف در ترکیب کلمه یا عبارت، کار با نقطه در ترکیب یک نوشتار، ایجاد ریتم در ترکیب کلمه، ایجاد تعادل در ترکیب یک کلمه، استفاده از رنگ و قرارگرفتن نوشته یا اجزایی از آن در یک فرم مشخص یا قالب خاص.

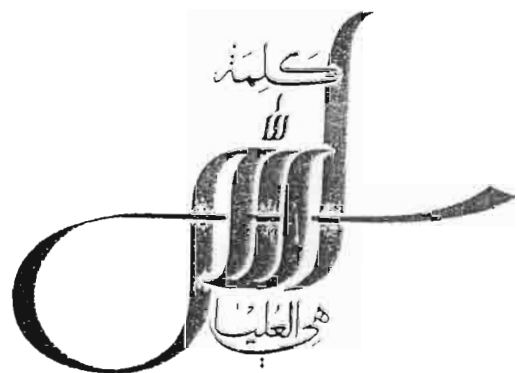


طراحی نشانه «موزه رضا عباسی» طراحی نشانه «غزل»
 طراحی نشانه هواپیمایی «هما»
 مرتضی ممیز (خط در گرافیک) مرتضی ممیز (خط در گرافیک)
 مرتضی ممیز (خط در گرافیک) مرتضی ممیز (خط در گرافیک)



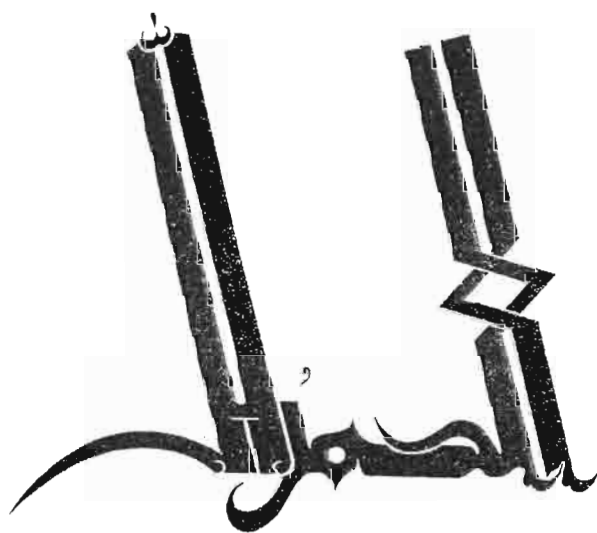
خوشنویسی پوستر
صایبی

عنوان نشریه «کلمه»، سید محمد احصایی
شکاه در استان، سید محمد احصایی



طراحی

طراحی عبارت «یا ابا عبدالله الحسین»
لفظ جلاله الله «کلمه الله هی العلیا»
مسعود نجابتی (خط درگرافیک)
جلیل رسولی

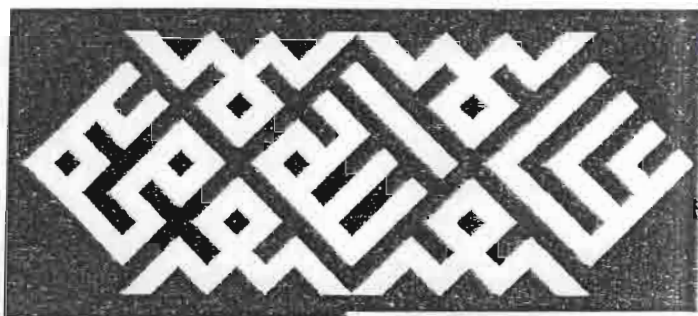


طراحی عبارت «الحمد لله».

طراحی عبارت «لا اله الا الله»، قربانعلی اجلی
حسین راه کوه (کلک مشکین)

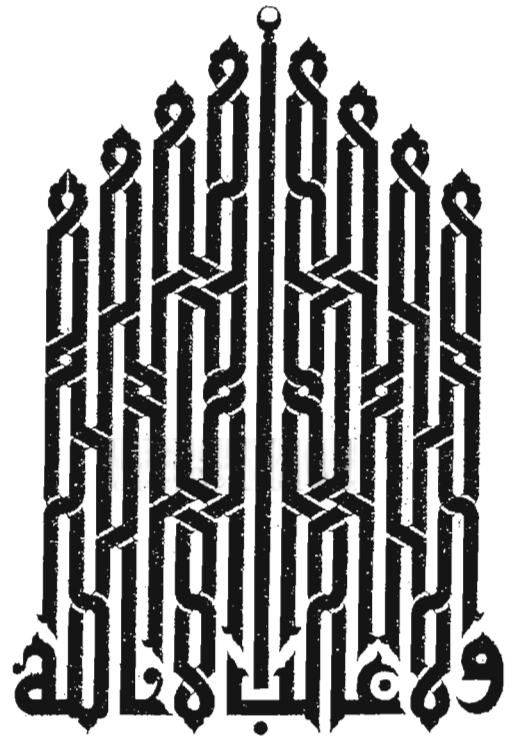


طراحی عبارت «هوالمسمیع البصیر»، علی اصغر مقتدائی
 نشانه نوشته نمایشگاه قرآن کریم «بسم الله»،
 مصطفی اسداللهی (خط در گرافیک)



نشانه

طراحی خط کوفی معقلی، کنبد سلطان محمد خدا بنده، سلطانیه
 نوشته شبکه دو سیما، جواد پویان



نشان

طراحی عبارت «ولا غالب الا الله»، محمد عبدالقادر
نوشته «نهج البلاغه»، اسماعیل خداوندی
(حروف عربیه، ش ۱۶)

(سرمشق)



خوشنویسی عبارت «الله اکبر»،
علی اصغر مقتدائی (مؤلف)



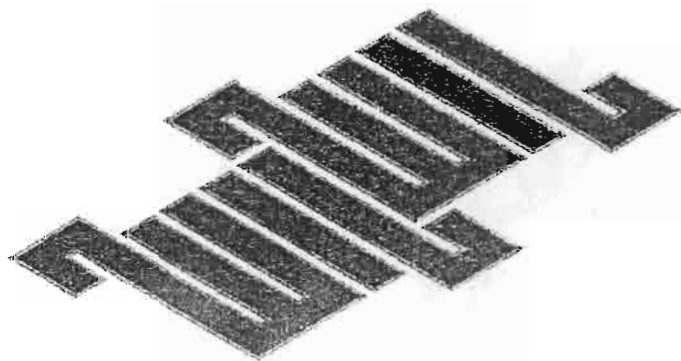
خوشنویسی کلمات «الله، محمد،
محمد مهدی ملکی



طراحی عبارت «لا اله الا الله»،
محمد عجمی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

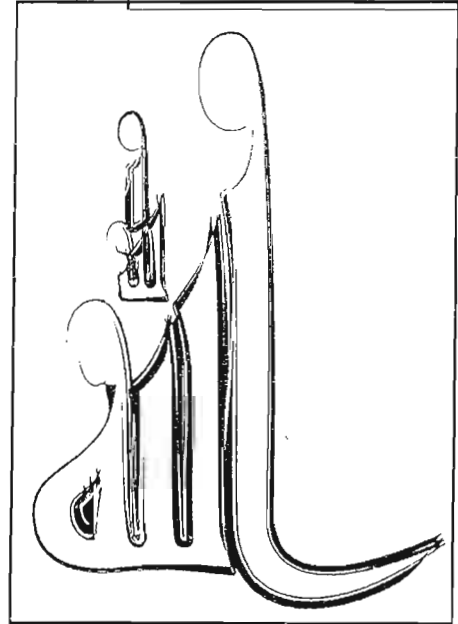
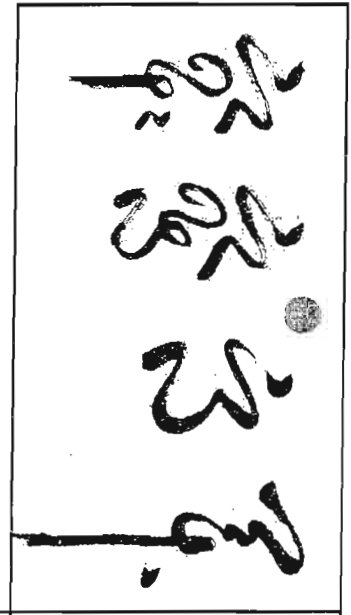
طراحی آیه شریفه «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» علی اصغر مقتدائی (مؤلف)



طراحی عبارت «یا الله»، علی
حقیقی پور



خوشنویسی آیه «بِسْمِ اللّٰهِ» به خط محبوب، عد



خوشنویسی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» خوشنویسی عبارتی
 خوشنویسی کلمه الله، علی حقیقی پور به خط چینی یوسف تشن جین هوی
 «یا واسع الکریم»، محمد عبدالقادر



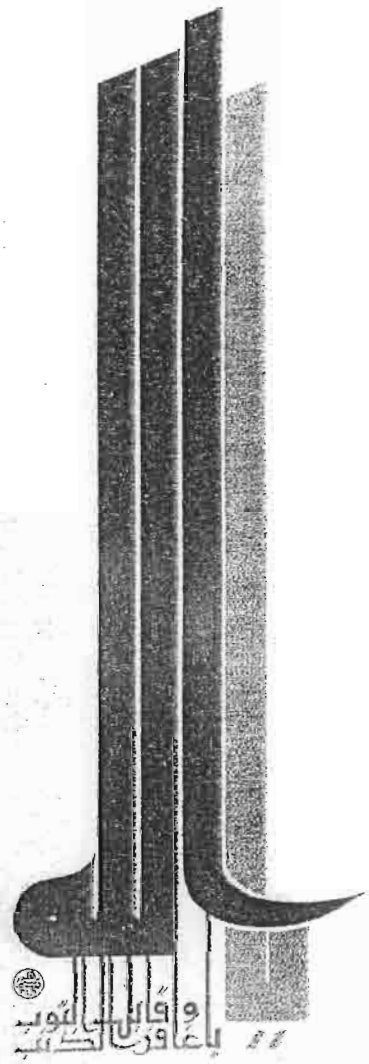
خوشنویسی عبارتی «الله الواحد» به خط عذرا عقیقی بخشایشی
 «راديو تهران»، محسن سلیمانی

مرکز فرهنگی سلامت

خوشنویسی مرکز حافظ‌شناسی
محسن سلیمانی



طراحی عبارت



خوشنویسی عبارت
خوشنویسی کلمه «رحیم»

«يا حي يا قيوم» محمد عبدالقادر
 عبد القادر، على اصغر مقتدائي (مؤلف)
 (حروف عربيه، ش ١٦) مصر (حروف عربيه، ش ١٦)

خطوط اسلامي

خط نبطي - نبطيها اعرابي بودند كه زبان آرامي را به عنوان زبان ادبي و رسمي خود به كار مي بردند. خط نبطي در شهرهاي بصري، حيون و صلجد در شام قديم، و در حوران (ناحیه شرقی فلسطین) معمول بوده است. از خط نبطي دو نوع يافت شده است كه يكي شبیه خط آرامي و ديگري نزديك به خط كوفي (عربي) مي باشد كه آن را نبطي متأخر ناميده اند. اين خط با تصرفاتي كه در آن به عمل آمد، اصل و ريشه خط نسخ قديم مي باشد. خط نبطي متأخر از قرن دوم ميلادي تا قبل از اسلام در كتابتهاي عرب متداول بوده است.

كتيبه هاي نبطي بدست آمده عبارتند از: كتيبه هاي ام الجمال، كتيبه النماره (حران شرقي)، نقش زبد (جنوب شرقي حلب) و نقش حران (واقع در سوريه).

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على سيدنا محمد
 وآله الطيبين الطاهرين
 أما سر حيزر كلمو سيد دا / المرحوم
 سيد ابو بكر عيسى بن محمد
 حيزر
 علم

خط نبطي

خط نبطي (نقش ام الجمال)

(نقش حران)

خط عربي - زبان عربي به گروه خطوط الفبائي سامي تعلق دارد. خط عربي شمالي ويژه كتابت قرآن مجيد گرديد. اين خط با خط

نبطی ارتباط دارد که آن هم از خط آرامی نشأت گرفته است. قلم عربی توسط سه نفر از قبیله بولان که در انبار سکونت داشتند به وجود آمد. «مرامر بن مره» صورت و شکل حروف. «اسلم بن سدره» فصل و وصل و «عامر بن جدره» نقطه گذاری حروف را وضع نمودند. الفبای خط عربی از ۲۹ نویسه تشکیل شده که از ۲۲ نویسه همخوانی و هفت نشانه اضافی برای نشان دادن ظرایف دقیقتر و تلفظ عربی ساخته شده است. بعد از معاشرت اعراب با مردم حیره و بنای شهر کوفه در نزدیکی حیره، از خط نبطی خطی بوجود آمد که آن را جزم خواندند. خطوط منشعب شده از خط جزم هر يك به نامی که منسوب به محلشان بود معروف شدند. خط انباری به انبار، خط حیری به حیره، خط مکی به مکه و خط مدنی به مدینه. خطوط دیگری که شکل گرفت عبارت بودند از: خط مائل (شیبدار)، خط مشق (مطول) و خط نسخ (نسخ حجازی).

**بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
والآله الطيبين الطاهرين**

خط مشق (مطول)

خط کوفی - خط کوفی توسط حرب بن امیه بن عبد شمس که از دانشمندان قریش بود به مکه برده شد. وی مدتی در کوفه ماند و طریقه نوشتن خط کوفی را از استادان خط آموخت. اولین کسی که خط کوفی را به نظم و قاعده درآورد «مرامر بن مره» بود. این خط بدان جهت به کوفی مشهور شد که چون کوفه مقر خلافت حضرت علی (ع) گردید و خود آن حضرت هم یکی از کاتبان آن خط بودند، رواج بیشتر یافت و احکام و ارقام بدان نوشته شد، لذا از آن پس به خط کوفی شهرت یافت.

حضرت علی (ع) که در استادی ایشان شکی نیست به آموزش خط کوفی اهتمام ورزید و تا سال ۳۱۶ هـ. ق. دست خط شریفشان نمونه و سرمشق کاتبان جهان گردید و حسن خط و نیکو شدن کتابت فرزندان ارجمندش حضرات حسنین علیهم السلام نیز شایسته بیان است. از شاگردان مهم حضرت علی (ع) می‌توان: ابن عباس، خالد بن ابی الهیاج (اولین کاتب قرآن) و عبیدالله بن ابی رافع را نام برد.

خط کوفی در ابتدا نقطه نداشت و این امر در نوشتن قرآن تولید اشکال می‌کرد. چون حروف شبیه به هم بود. بعد حروف مشابه را با نقطه رنگی متمایز کردند، و این کار در نیمه دوم قرن اول هجری قمری شروع شد و اولین کسی که در به کار بردن نقطه اقدام نمود، ابوالاسود الذئلی است که به امر حضرت علی (ع) اقدام به این عمل نمود. نقطه گذاری خط کوفی بعدها توسط دو تن از شاگردان ابوالاسود، به نام‌های ناصر بن عاصم و یحیی بن یعمر به کمال رسید.

انواع خط کوفی - انواع کوفی مشرقی که از صدر اسلام به بعد وجود داشته عبارت اند از: کوفی مائل (مایل)، کوفی مشق، کوفی مقور (انحاء دار)، کوفی اولیه، کوفی بسیط یا ساده (بدون نقطه و اعراب)، کوفی کهن، کوفی مبسوط (زاویه دار)، کوفی مشتق (کوفی ساده همراه با نمادهای تزئینی)، کوفی جمیل، کوفی متحول (کوفی همراه با اعراب و اعجام)، کوفی مصاحف، کوفی منقوط (کوفی اعراب گذاری با نقطه)، کوفی خراسانی (کوفی دارای الف و لام‌های کشیده و موازی)، کوفی رازی (از انواع کوفی ایرانی)، کوفی متکامل (کوفی تکمیل شده اولیه با اعراب و نقطه)، کوفی پیرآموز (ایرانیان این خط را در زمان ساسانیان از خطوط هفت گانه خود استخراج کردند)، کوفی مشکول (کوفی پیرآموز شکل یافته همراه با اعراب و نقطه)، کوفی شرقی (کوفی ایرانی)، کوفی مرادف، کوفی غوری (در عهد سلاطین غوری)، کوفی هراتی (در افغانستان و هند رواج داشته)، کوفی محرر (مخصوص کتابت عناوین مصاحف و سر سوره‌های قرآن مجید)، کوفی مصری، کوفی منکسر (الف و لام‌ها و دندانه‌های حروف آن دارای شکستگی‌های باریک و تند و گوشه‌دار است)، کوفی متلاصق (حروف آن به هم چسبیده و نزدیک است)، کوفی مظفر یا ناخن‌دار (تزئینات ظریف و باریک شبیه ناخن در کلمات و حروف آن وجود دارد)، کوفی مضافور (بافته شده)، کوفی موصلی (الف و لام‌ها با ترکیب اسلیمی جلوه گر می‌شود)، کوفی زُخرفی (خط با نقش و نگار و زیور تزئین می‌شود)، کوفی سنجری (در دوره سلجوقیان رواج داشته)، کوفی مضفر یا معقد یا گره‌دار مشکل (به الف و لام‌ها، الف‌های زاید می‌افزایند)، کوفی مشجر (دارای انشعابات شبیه شاخ و برگ درختان است)، کوفی مورق

پیرگدار)، کوفی مزهر (گلدار)، کوفی گره‌دار (در هم پیچیده و تابیده)، کوفی مشبک (شبه شبکه در هم منظم)، کوفی حاشیه‌دار یا ذی اطار (تکرار طرح یا نقش در بالای این خط به صورت حاشیه یا قاب اطراف خط را احاطه می‌کند)، کوفی طوماری، کوفی فاطمی (در دوره فاطمیان رواج داشته)، کوفی مدور (کوفی ملایم توأم با انحنای -ایره)، کوفی متعاقد الرؤوس، کوفی مزین (زمینه آن با گل و برگ زینت داده شده)، کوفی تزئینی، کوفی موشح (چین دار و در هم تنیده)، کوفی موشح قفل (متصل و گره خورده) و خط کوفی مشگل.

خط کوفی پیرآموز

ابن‌الندیم در الفهرست، خط قیرآموز^{۲۲} و اصفهانی را جزو خطوط المصاحف آورده و گفته است که ایرانیان آن را استخراج نموده و با آن مصحف می‌نوشته‌اند و آن بر دو نوع بوده است: ناصری و مدور.^{۲۳}

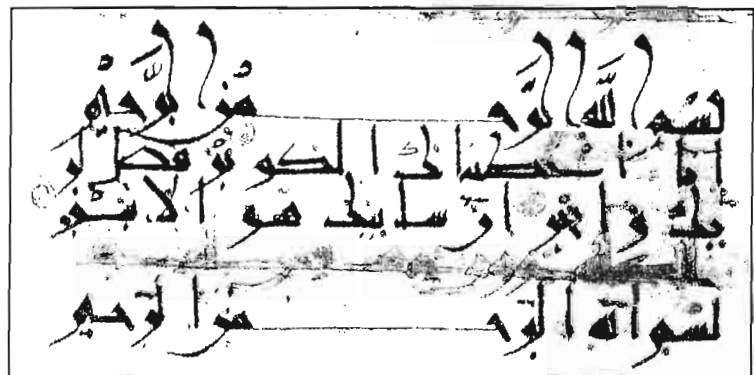
کلمه پیرآموز اصلاً پارسی و ایرانی است و در فرم‌نگارها و کتب ادبی به معنی سهل و آسان آمده است و مقصود آن است که فرا گرفتن این خط چنان آسان بوده است که پیران هم می‌توانستند آن را بیاموزند.

خط پیرآموز را ایرانیان، به ظن قوی در زمان ساسانیان از خطوط هفتگانه خود استخراج کرده بودند و در ترکیب بخشیدن به حروف آن کوشیده‌اند که شباهتی به خطوط مکی و کوفی داشته باشد. این خط پس از اسلام به خط کوفی ایرانی مبدل گشت. خط اصفهانی نیز شیوة دیگری از خط پیرآموز بوده است که چون اصفهان در اوان حکومت عرب مرکزیت داشته، به نام خط اصفهانی نامیده و خوانده شده است. این خط تا اواخر قرن ششم هجری قمری در ایران رواج داشته است.^{۲۴}

خط پیرآموز نوعی کوفی است که با خطوط دیگر کوفی تفاوت دارد و بی‌شباهت به خط پهلوی یا اوستایی نیست که نویسنده آن حروف را با انفصال نوشته و با خطی نازک و ظریف به یکدیگر متصل ساخته

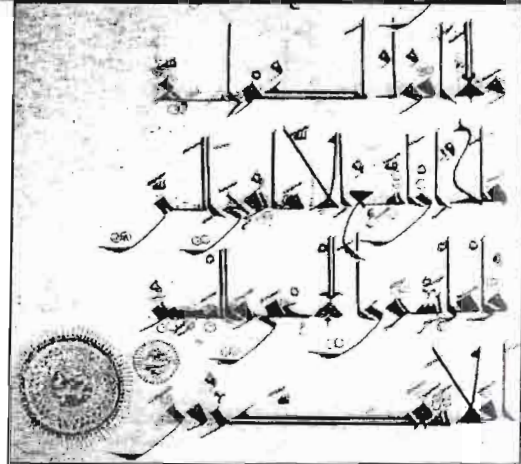
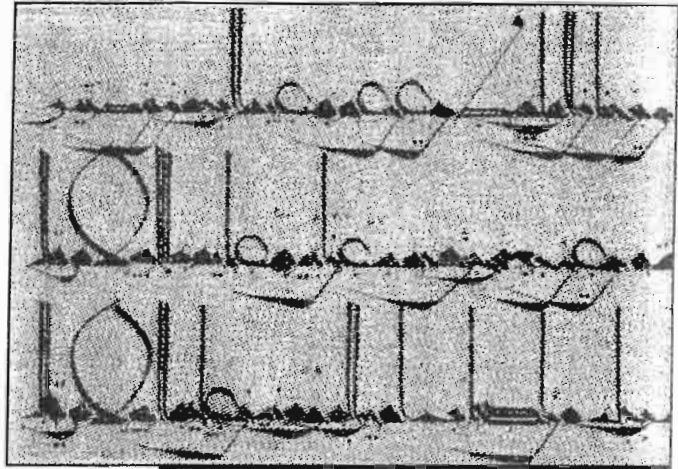
۲۱- صحیح قیرآموز، قیرآموز است و قیرآموز محرب پیرآموز می‌باشد.
 ۲۲- الفهرست، ص ۱۱.
 ۲۳- به پا نوشت خط تعلیق نیز مراجعه نمایند.

است. آثار زیادی از قرون اولیه هجری به خط کوفی پیرآموز نگاشته شده است از جمله کتابهای: صفات الشیعه از شیخ صدوق به خط نصر بن عبدالله قزوینی به سال ۳۹۱ ه.ق.، الابنیه عن حقایق الادویه تألیف ابومنصور هروی به خط اسدی طوسی (شاعر) به سال ۴۴۷ ه.ق.، قابوسنامه قرن چهارم و پنجم هجری قمری، تحدید نهایات الاماکن لتصحیح مسافات المساکن از ابوریحان بیرونی و به خط خود او، تاریخ بیهقی به خط و تألیف ابوالفضل بیهقی به سال ۴۲۰ ه.ق.، منافع الحیوان به سال ۶۹۰ ه.ق. و قرآنهای متعددی به خط حسن بصری به سال ۹۷ ه.ق.، عثمان بن حسین و راق غزنوی به سال ۴۶۶ و ۴۶۸ ه.ق.، ابوبکر بن احمد بن عبدالله غزنوی به سال ۵۷۳ ه.ق. و دیگر خوشنویسان به خط کوفی پیرآموز کتابت گردیده است که در موزهها و کتابخانهها نگهداری میشوند. از انواع کوفی پیرآموز میتوان به نوعی کوفی پیرآموز شکل یافته اشاره کرد که با اعراب و نقطه و ضوابط منظم همراه میباشد، و آن را کوفی پیرآموز مشکول نامیده اند.



قرآن به خط کوفی پیرآموز، سورة الكوثر، کتابخانه آستان قدس رضوی
قرآن به خط کوفی پیرآموز مشکول به خط

عثمان بن حسین و راق، ۴۶۶ ه.ق.، کتابخانه آستان قدس رضوی



قسمتی از یک صفحه کتاب صفات الشیعه،
صفحه از قرآن کریم به خط کوفی پیرآموز مشکول،
به خط کوفی پیرآموز نصر بن عبدالله قزوینی، ۳۹۱ هـ. ق.
انعام آیه ۵۰، قرن ۵ هـ. ق.، کتابخانه آستان قدس رضوی

خط کوفی ایرانی (کوفی شرقی)

خط کوفی شرقی که به آن کوفی ایرانی نیز می‌گویند، در اواخر قرن چهارم هجری قمری توسط ایرانیان ابداع گردید. کوفی شرقی در بین خطوط کوفی مقام خاصی داشته و خصوصیات منحصر به فردی را دارا می‌باشد که مشخصاً با نوع کوفی اصیل متفاوت است. بارزترین مشخصه این نوع کوفی، عمودی‌ها و دنباله‌های بالارونده کشیده، و حروف کوتاه خوابیده که به سوی چپ متمایل است. این امر حرکت و پویایی آن را تقویت می‌کند طوری که برخی از محققان آن را «کوفی خوابیده»، «کوفی مایل» و یا «کوفی خمیده» نامیده‌اند. خط کوفی شرقی از خطوط انحناء دار تأثیر گرفته و خطوط ظریف و شکیل‌تر از کوفی اصیل است. نخستین نمونه کوفی شرقی به سال ۳۶۲ هجری قمری باز می‌گردد. خط کوفی شرقی را کاتبان ایرانی به کار می‌گرفته‌اند.

در مقدمه کتاب خوشنویسی و فرهنگ اسلامی درباره کوفی شرقی آمده است: «اریک شرودر^{۲۵}، کوفی شرقی را معادل خطی برمی‌گیرد که عربها آن را خط بدیع می‌نامند... محققان و خط‌شناسان عرب، گونه‌ای از خط کوفی را که در ایران نوشته می‌شده، به عنوان خط کوفی شرقی خوانده‌اند... کوفی ایرانی - که از آن به عنوان کوفی شرقی تعبیر شده - با توجه به خطوط باستانی ایران، خاصه خط میخی، هیأتی خاص یافته و شباهت گونه‌ای با [خط] نسخ دارد. البته بدون توجه به دور حروف که با کوفی مغربی و کوفی‌ای که در کوفه می‌نوشته‌اند تفاوت‌های محسوس است. این نکته را نباید نادیده بگیریم که کوفی شرقی را بهتر است از نظر تقسیمات جغرافیایی به عنوان کوفی ایرانی بخوانیم^{۲۶}، و نیز کوفی ایرانی با خط مشهور کوفی پیرآموز یکی ندانیم، زیرا پیرآموز واژه‌ای است که صفت نوعی از خط شده و جای اسم را گرفته و به مفهوم خطی است که کتابت آن به حدی آسان و سهل باشد که در پیرانه سری هم بتوان آن را آموخت. ظاهراً این خط در سده سوم هجری قمری در ایران رواج داشته، چرا که ابن‌الندیم (متوفی در ۳۷۸ هـ. ق.) از آن نام برده است. نمونه‌هایی را که محققان معاصر به نام خط پیرآموز توصیف کرده‌اند در واقع کوفی ایرانی (کوفی شرقی) است نه پیرآموز، به آن جهت که نمونه‌های وصف شده چنان می‌نماید که نگاشتن آن نه تنها سهل و آسان نیست بلکه از کوفی مغربی نیز دشوارتر است.»^{۲۷}

25- Eric Schroeder.

۲- عبدالفتاح افندی عبادة مؤلف انتشار الخط العربی، ص ۶۳، این گونه کوفی را «کوفی فارسی» خوانده است.

۳- آنه ماری شیمل، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی (مقدمه کتاب، نجیب مایل هروی)، صص ۶۵-۱۳.



قرآن کریم به خط کوفی ایرانی بر روی پوست، آیات ۴۹ و ۵۰ سورة سبأ، قرن ۴ هـ. ق.، موزة استان قدس رضوی



خط کوفی ایرانی، سورة الطارق، آیات ۱ تا ۳، قرن ۵ هـ. ق. موزة بریتانیا (القرآن الکریم)

خط کوفی معقلی (بنایی)

معقل بر وزن مفعول، در لغت به معنی قلعه، پناهگاه، کوه بلند و دیوار است. و خط کوفی معقلی نوعی خط است که معماران و بناها بر سینه دیوارهای بلند با آجریا کاشی کار می‌کنند. این خط در

کتابت استفاده نمی‌شود و صرفاً یک خط تزئینی است که در امارت‌ها و ابنیه متبرکه مانند: مساجد، تکیه‌ها، مزارها، گنبد و گلدسته‌ها و کاشیکاری‌ها استفاده می‌شود. به همین دلیل آن را خط معماری، بنایی، بنایی، مربع، مستطیلی و متداخل هم می‌گویند. در کوفی معقلی حروف درهم و متداخل نوشته می‌شوند و با زوایای مستطیل، مربع، مثلث و یا لوزی در کنار هم قرار می‌گیرند و یک شکل هندسی را بوجود می‌آورند.

خط معقلی خطی است مبسوط (زاویه‌دار) که قبل از خط کوفی پدید آمد. این خط که خطی مستقیم و زاویه‌دار بود در آغاز برای نوشتن مصاحف مورد استفاده قرار می‌گرفت. خط معقلی ریشه دیگر اقلام عربی و کوفی است و پس از نوشتن قرآن‌ها با دیگر خطوط کوفی از جمله: بسیط و منقوط و پیرآموز، برای تزئین بناها و کتیبه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت. در این خط تمام حروف مسطح بوده و حروف مدور در آن وجود ندارد.

میرعلی هروی درباره خط معقلی گفته است: «بدان اول کسی که کتابت کرد حضرت آدم علیه السلام بود. بعد از طوفان نوح علیه السلام در زمان حضرت اسماعیل علیه السلام خط عربی یافته‌اند و بعضی گویند که جناب ادریس علی نبینا و علیه السلام، وضع آن را نهاد و مردمان با فراست و کیاست در هر روزگاری در آن تصرف کرده‌اند و تغییر داده‌اند که خط معقلی بیرون آورده‌اند و در قدیم خط معقلی بوده و مجموع آن سطح است و اصلاً دور ندارد و بهترین خط معقلی آن است که سواد و بیاض را توان خواند و معقلی برای آن گویند که محل تعقل است.»^{۲۸}

سلطانعلی مشهدی در صراط السطور می‌گوید:

پیشتر از زمان شاه رسل
رهنما نشانه قل
سربه خطی که خامه فرسودی
معقلی بودی
مرتضی اصل خط کوفی را کرد پیدا و داد نشو
و نما

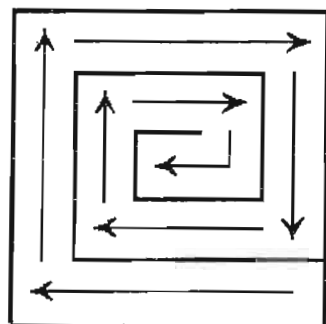
و مجنون رفیقی هروی در رساله منظوم خود آورده است:
پیش از همه، خط معقلی بود کوفی، خط مرتضی علی

بود^{۲۹}

اساس خط کوفی معقلی بر روی صفحه شطرنجی ترسیم شده، سپس با آجر یا کاشی‌های رنگی روی عمارت‌ها چیده می‌شوند، و بدین سبب آن را خط معماری گفته‌اند، که معماران از مرتب چیدن آجرها، صورت خط را روی دیوارها می‌نمایانند. میرعلی هروی در *مدادالخطوط* این خط را *مُعَقَلی* برشمرده و آورده است که معقلی برای آن گویند که محل تعقل است. انواع کوفی معقلی عبارتند از: کوفی معقلی ساده (بنایی) با اشکال مختلف هندسی (مربع، مستطیل، مثلث، چند ضلعی، دایره و ...)، کوفی معقلی متوسط، کوفی معقلی مشکل، کوفی معقلی گره‌دار، کوفی معقلی متعکس، کوفی معقلی مستطیل (شطرنجی)، کوفی معقلی گلچین و کوفی معقلی شش‌بندی.

خط کوفی معقلی ساده (بنایی)

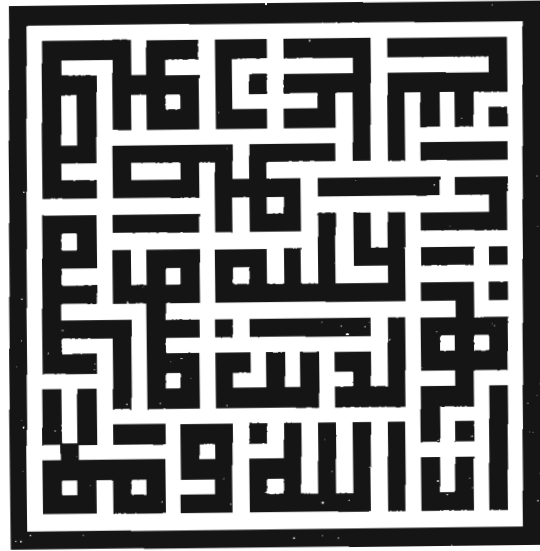
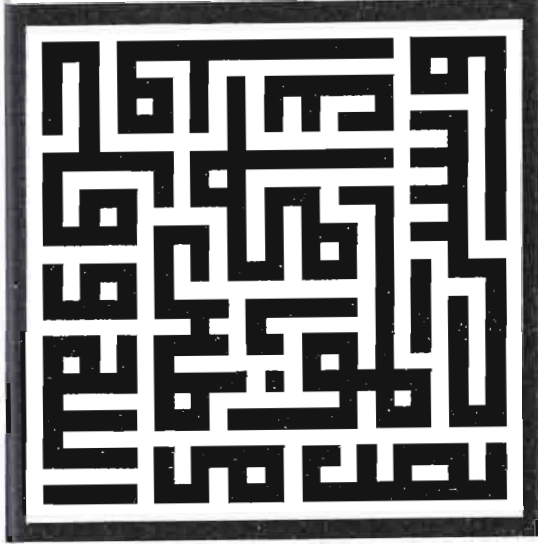
خط کوفی معقلی ساده آن است که کلمه یا عبارتی را در یک سطح هندسی با فواصل معین و یکنواخت ترسیم می‌کنند و دنباله حروف را



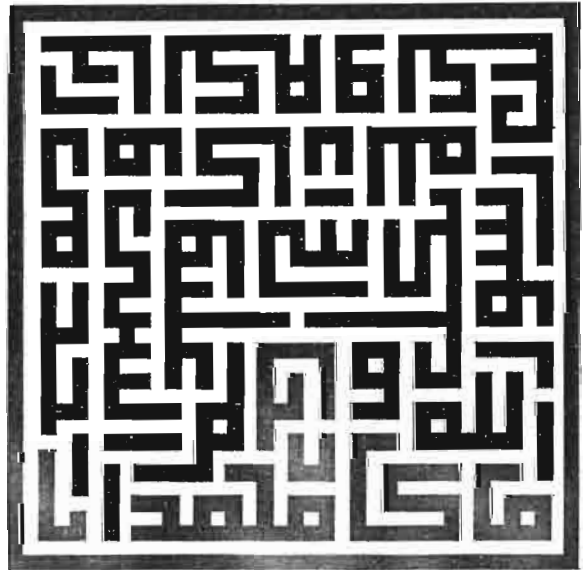
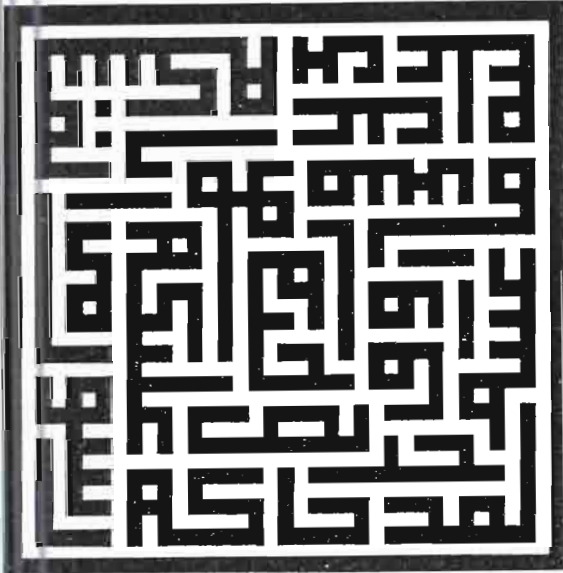
با خطوط اضافی و زائده‌ها پر می‌کنند به نحوی که تمام عبارت در فضای هندسی ترسیم شده، قرار گیرد. خط کوفی معقلی ساده را در اشکال مختلف هندسی (مربع، مثلث، مستطیل، پنج ضلعی، شش ضلعی، هشت ضلعی و ...) تنظیم می‌کنند. نقطه شروع و جهت نوشتن آن نوع از خط معقلی که طرح اولیه آن بر مبنای سطح

چهارگوش (مربع) قرار دارد بدین صورت تنظیم و نوشته می‌شود.

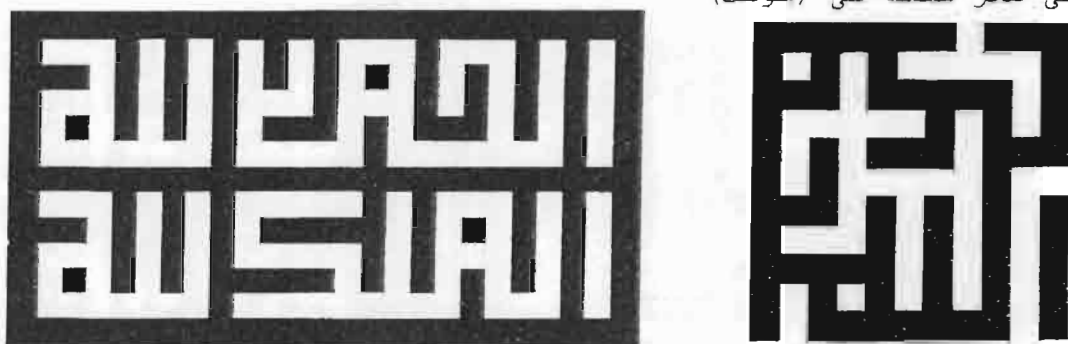
شروع ←



«ان الله و ملائكة يصلون على النبي يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه»
«نصر من الله و فتح قريب وبشر المؤمنين يا محمد»
خط كوفى معقلى ساده بر اطراف محراب مسجد النبي (ص)، طراحي از
على اصغر مقتدائى (مؤلف)

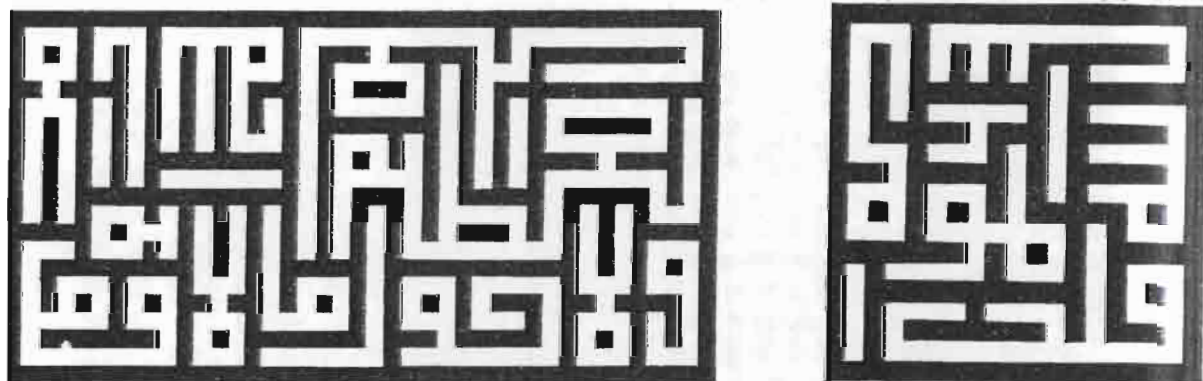


«لقد جاءكم رسول من أنفسكم عزيز عليه ما عنتم
 ما كان محمد اباً أحد من رجالكم و لكن رسول الله
 حريصاً عليكم بالذين آمنوا من أولادهم
 و خاتم النبيين و كان الله بكل شيء عليماً»
 خط کوفی معقلی ساده بر ضلع شمالی ضریح پیامبر اکرم (ص)، طراحى
 از علی اصغر مقتدائی (مؤلف)



«الله، محمد»

«الحمد لله الملك لله»
 خط کوفی معقلی ساده بر گنبد مسجد شیخ لطف الله
 مقبرة پیر بکران، لنجان اصفهان

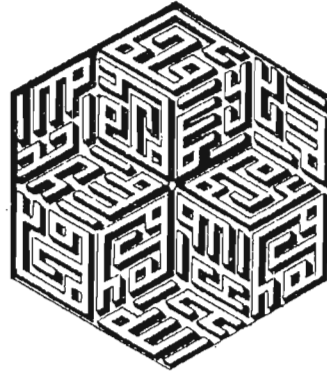


«قلوب المؤمن بيت الله»

«ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم»
 خط کوفی معقلی ساده، از کتیبه های
 ساده، از کتیبه های
 مدرسه امام جعفر صادق (ع) اصفهان
 مدرسه امام جعفر
 صادق (ع) اصفهان

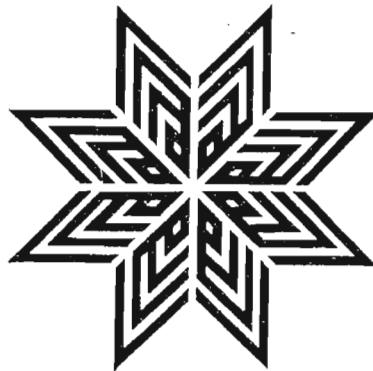
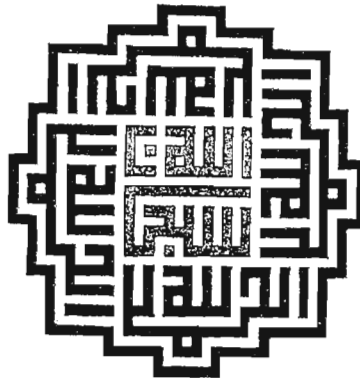
خط کوفی معقلی مشگل

نوعی از خط معقلی که به هیئت و اشکال مختلف نوشته شود را خط
 کوفی معقلی مشگل می نامیم. برخی از خوشنویسان و طراحان خط
 معقلی را به گونه ای طراحی می کنند که در طرح ها و نقوش هندسی و
 اشکال متنوع تنظیم شده قرار گیرد.



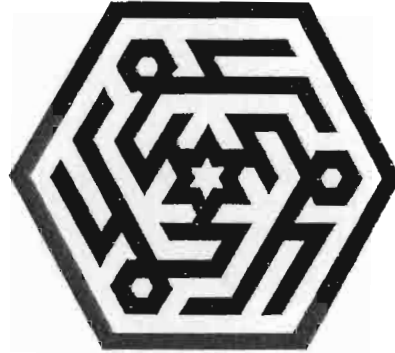
«سه بار نام علي»
«شش بار الله احد و شش بار نام محمد»
خط کوفي معقلي مشکل، طراحی در سطح مکعب
کوفي معقلي مشکل

خط



«الحمد لله چهار بار و سبحان الله يك بار در وسط»
«هشت بار الله در يك ستاره هشت پر»
خط کوفي معقلي مشکل طالب العزاوي، ۱۴۰۰ هـ. ق.
معقلي مشکل، حسن قاسم حبش البياتي

خط کوفي



« پنج بار الله در يك ستاره پنج پر »

« سه بار نام محمد در يك شش ضلعي منتظم »

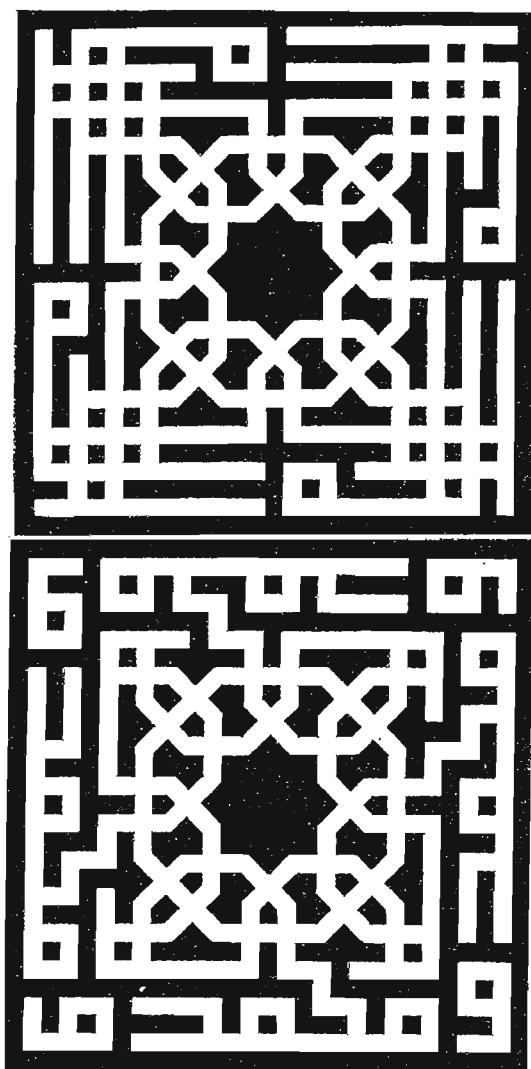
خط کوفي معقلي مشکل، يوسف احمد، ۱۹۲۵ م.

خط کوفي معقلي

از کتیبه‌های مسجد جامع اصفهان

خط کوفي معقلي گره دار (مضفور)

در این نوع کوفي معقلي، حروف و کلمات در سطوح مختلف هندسی به هم گره خورده‌اند، طراحان با به کار بردن گره‌های ساده و یا به صورت مشبك، آثار زیبا و ارزشمندی را پدید آورده‌اند. نمونه‌هایی از این کوفی معقلی در مسجد جامع اصفهان دیده می‌شود.



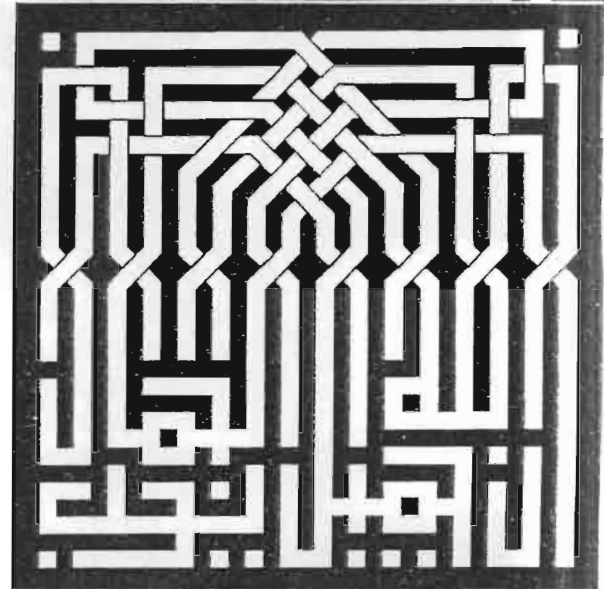
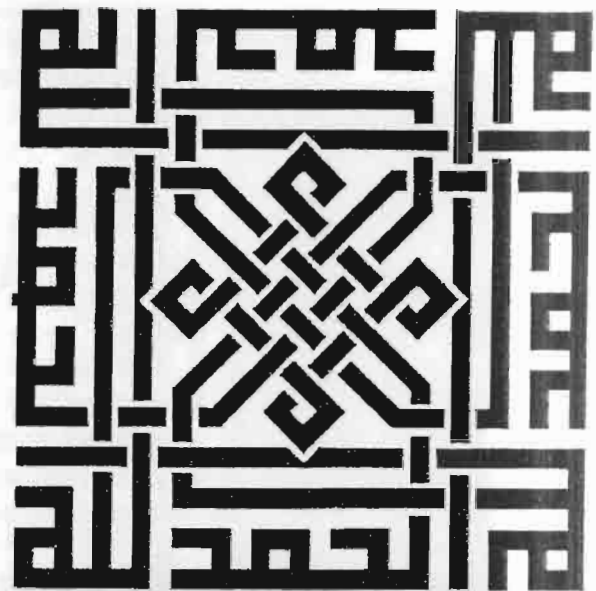
«چهار»

خط کوفی معقلی

«چهار بار لفظ جلاله الله»

بار و عمد»

خط کوفی معقلی گره دار، از کتیبه های مسجد جامع اصفهان
گره دار، از کتیبه های مسجد جامع اصفهان



«چهار بار الحمد لله»

بِسْمِ الْجَمَالِ»

خط کوفی معقلی گره‌دار مشبک

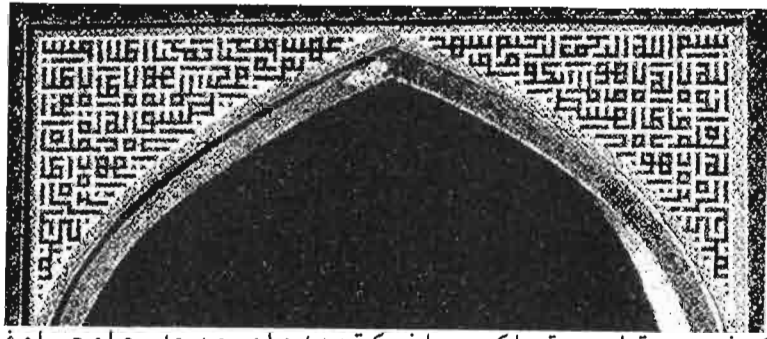
گره‌دار مشبک، محیی‌الدین نجیب بادنجکی

«ان الله جميل»

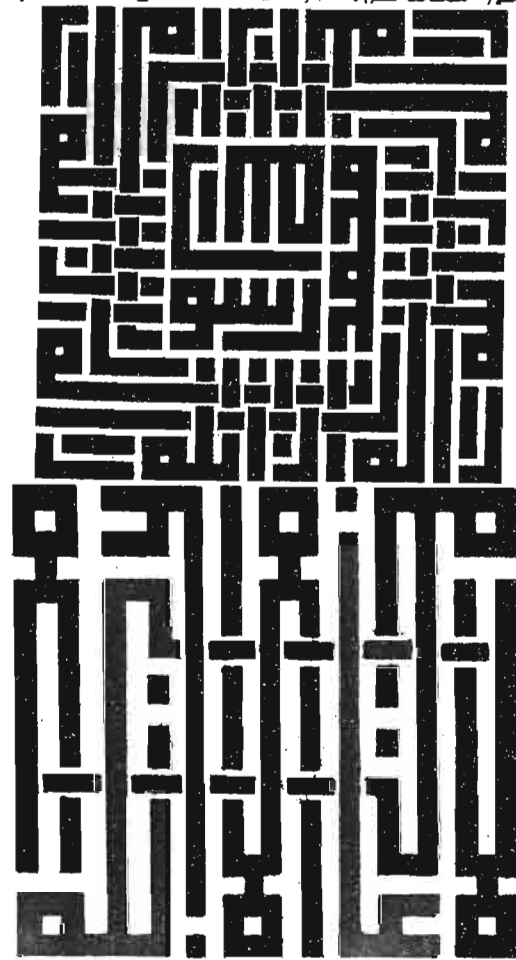
خط کوفی معقلی

خط کوفی معقلی متناظر و متعاکس

در این نوع کوفی معقلی، کلمه یا عبارت به صورت متعاکس (قرینه‌سازی خطوط) نسبت به یک محور معین، دوتایی یا چهارتایی (دو کنار هم، مقابل هم و یا دور تا دور) نوشته می‌شوند. معمولاً از دو عبارت که در کنار هم قرار می‌گیرند به صورت آینه‌ای (متعاکس) نوشته و خوانده می‌شوند.



خط کوفی معقلی متعکس، از کتیبه‌های مسجد جامع اصفهان



«لا اله الا الله چهار بار و حمد رسول الله يك بار»
«لا غالب الا الله»

متناظر

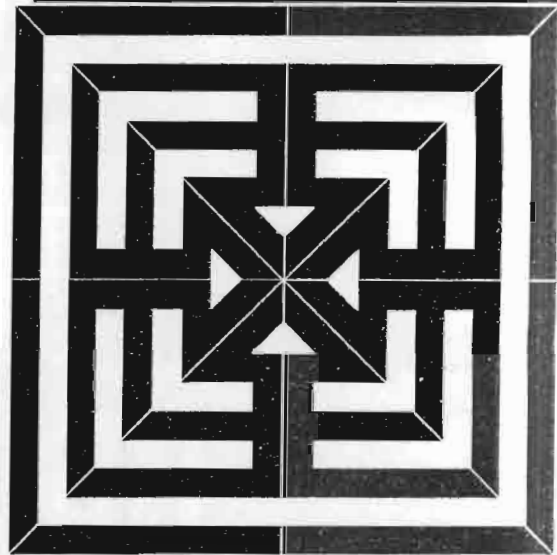
گره‌دار

معقلی

کوفی

خط

خط کوفی معقلی متناظر، حاج احمد



«الله اكبر و لله الحمد دو بار»

«عشت بار الله»

مقتدایی

علی اصغر

از

طراحی از علی اصغر مقتدایی

خط کوفی تزئینی

کوفی تزئینی یکی از خطوط کوفی مشرقی است که قواعد ثابت و معینی ندارد و فقط اصول و قواعد اولیه حروف الفبا در آن رعایت می‌شود. عناصر و نقوش اسلیمی از نیمه دوم قرن دوم هجری وارد تزئینات آن شد، که در قرن پنجم هجری به اوج خود رسید و تاکنون ادامه دارد. خوشنویسان و طراحان، خط کوفی را با انواع نقوشها و طرح‌های ساده، اسلیمی، پیچنده، هندسی، تذهیب و تزئینات مختلف درهم آمیخته و آثار هنری ارزشمندی را پدید می‌آورند که تا حدودی خواندن آن را دچار مشکل می‌کند. خط کوفی تزئینی را بر روی کلیه سطوح، اعم از آجر، سنگ، گچ، کاشی، چوب،

فلزات مختلف، ظروف سفالي و لعابدار، شیشه، عاج، پارچه، پوست و کاغذ انجام می‌دهند. ترکیببندی‌های موزون و زیبا و دلپذیر همراه با ابداع و نوآوری، بستگی به ذوق و ابتکار و خلاقیت هنرمند خوشنویس و طراح دارد. برجسته‌ترین آثار و کتیبه‌های کوفی تزئینی را می‌توان در مساجد، مکان‌های مذهبی و بناهای تاریخی کشورهای اسلامی مشاهده کرد، که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

ایران: کتیبه‌های گچبری محراب اوجایتو و رواق‌های مسجد جامع اصفهان، کتیبه‌های کاشیکاری مسجد امام اصفهان، کتیبه آرامگاه پیر علمدار در دامغان، کتیبه محراب آرامگاه بایزید بسطامی در شاهرود، کتیبه‌های گچبری و کاشیکاری مساجد حیدریه و جامع قزوین، کتیبه‌های گچبری و کاشیکاری مسجد جامع گلپایگان، کتیبه‌های گچبری و کاشیکاری مسجد جامع اردستان، کتیبه‌های گچبری، کاشیکاری محراب مسجد جامع نیریز، کتیبه‌های گچبری محراب مسجد جامع ارومیه و ...

اسپانیا: کتیبه‌های سقف حرم و محراب مسجد جامع الحمراء و کتیبه‌های دیوار قصر الحمراء^{۳۰} در غرناطه، کتیبه‌های مسجد قرطبه. **ترکیه:** محراب و دیوار مسجد الوکامی بوسا^{۳۱}، مدرسه سلطان عیسی در ماردین جنوب دیاربکر.

تونس: کتیبه‌های مساجد قیروان.

الجزایر: محراب مسجد جامع تلمسان^{۳۲} و الاقمر.

افغانستان: کتیبه‌های غزنه و مسجد جامع هرات، کتیبه‌های ایوان آرامگاه خواجه عبدالله انصاری در گازرگاه هرات، کتیبه‌های محراب مسجد امام خرد در سرپل.

مصر: کتیبه‌های داخل قبه امام شافعی قاهره، کتیبه‌های مسجد جامع طولونی قاهره.

هند: کتیبه‌های مسجد ارهای دین، کجانپر در اجمر.

عراق: کتیبه‌های مساجد جامع بغداد، سامرا و حیره، کتیبه محراب رقیه بنت علی بن ابیطالب.

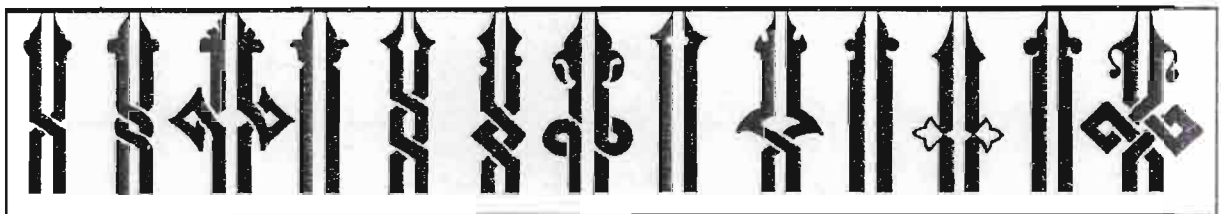
30-Alhamra.

31-Brousse.

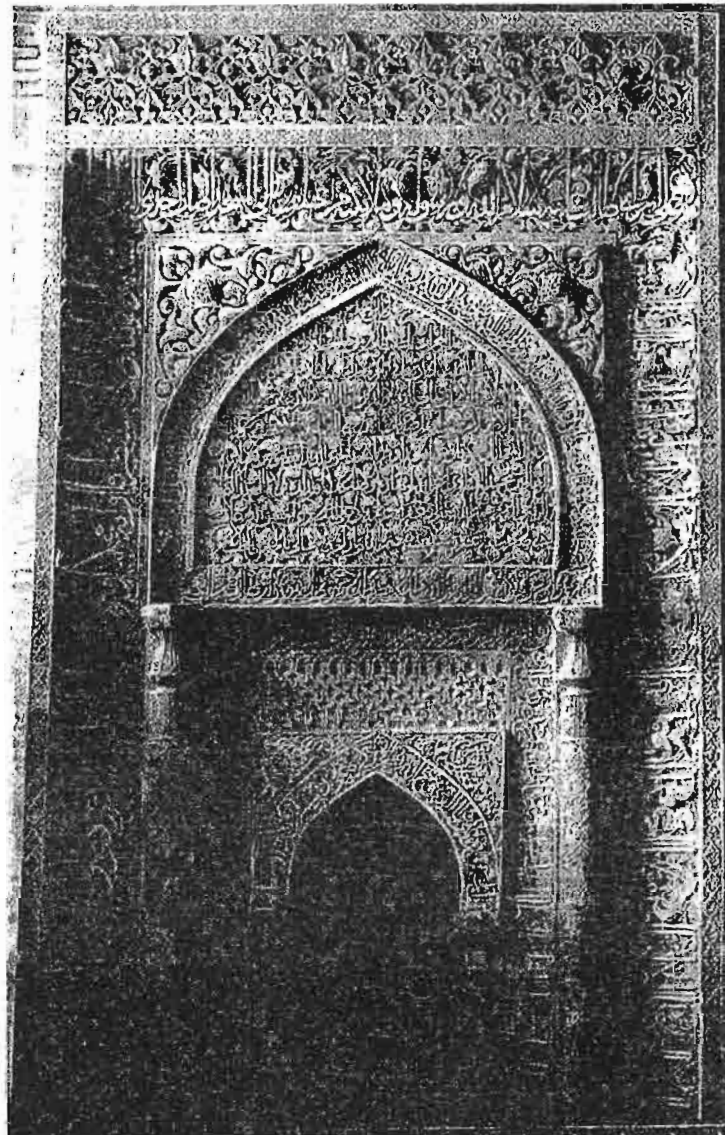
32-Tlemcen.



الغباي كوفي تزليني، مبسوط، مورق و معشق، طراحي شده توسط محمد عبدالقادر، مصر



انواع گرهها و الف و لامها (نفائس الخط العربي)



کجبری خط کوفی تزئینی گره دار معشق بر بالای محراب اوجایتو، و خط ثلث در اضراف آن، مسجد جامع اصفهان، ۶۱۰ هـ . ق.

خط کوفی متلاصق^{۳۳}

نوعی از خط کوفی را که در آن حروف و کلمات یک سطر، خصوصاً الف و لام و دندانه‌ها به هم چسبیده و مماس نوشته شوند، خط کوفی متلاصق نام نهاده‌اند.^{۳۴} در برخی منابع از این خط به عنوان خط کوفی مقترن نام برده شده است.^{۳۵}

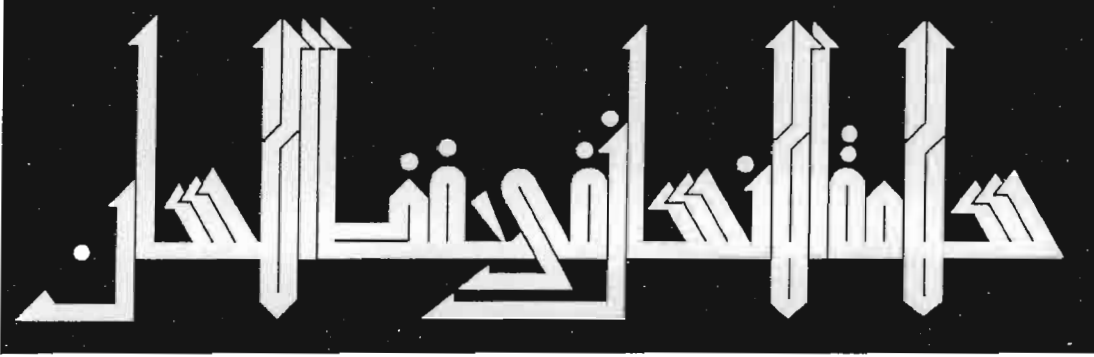
۳۳- التَّمَقُّقُ: چسبیدن، التَّمَقُّقُ: کسی یا چیزی که نزدیک و پهلو باشد.

۳۴- حمیدرضا قلیچ‌خانی، فرهنگ وازگان و اصطلاحات خوشنویسی، ص ۲۰۸.

۳۵- منیر آینه‌نگاری قرآن کریم، ص ۷۱.

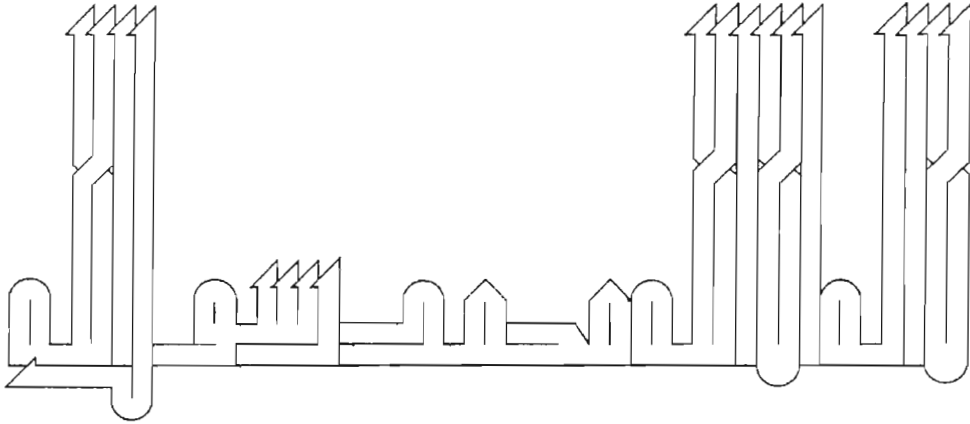
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خط كوفي متلاصق، مسجد سلطان حسن مملوكي، قاهره



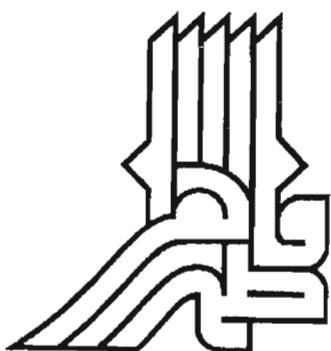
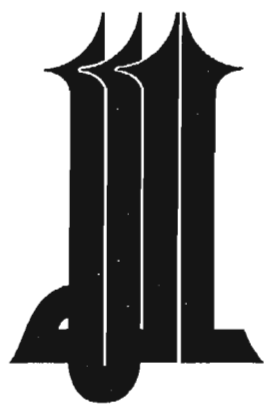
٥٣٩- خط كوفي متلاصق

«سلامة الانسان في حفظ اللسان»



خط كوفي متلاصق، علي اصغر مقتدائي،
(مؤلف)

«لا اله الا الله محمد رسول الله»



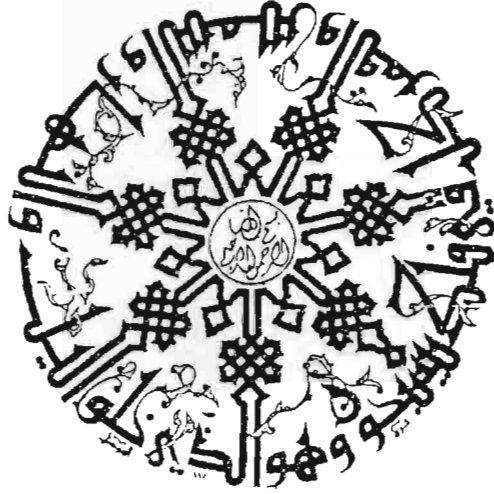
طراحی

طراحی کلمه الله، علی اصغر مقتدایی
فاطمه الزهراء، صداقت جباری

خط کوفی زخرفی^{۳۶}

خط کوفی زخرفی، شیوه‌ای از کوفی تزئینی است که حروف و کلمات آن با نقش و نگار و زیور تزئین می‌شود و اغلب به اشکال مختلف هندسی، خصوصاً دایره ترسیم می‌شود به گونه‌ای که حروف و کلمات به هم گره می‌خورند.

۱- زخرف: آراستن و زینت دادن.



«و هو الذي
خط كوفي زخرفي

«جهار بار العلم نور»
خلق الليل والنهار والشمس والقمر كل في فلك يسيحون»
خط كوفي زخرفي، حسن قاسم حبش البياتي، ٣٩٩ هـ . ق.
ممشق، فرخ الموصلی



«ثلاثة تحسن الملك الرافة و العدل و الجود»
 «و جعلنا من الماء كل شيء حي»
 خط كوفي زخرفي، يوسف احمد مصري
 زخرفي، محمد برهان الدين كباره، لبنان

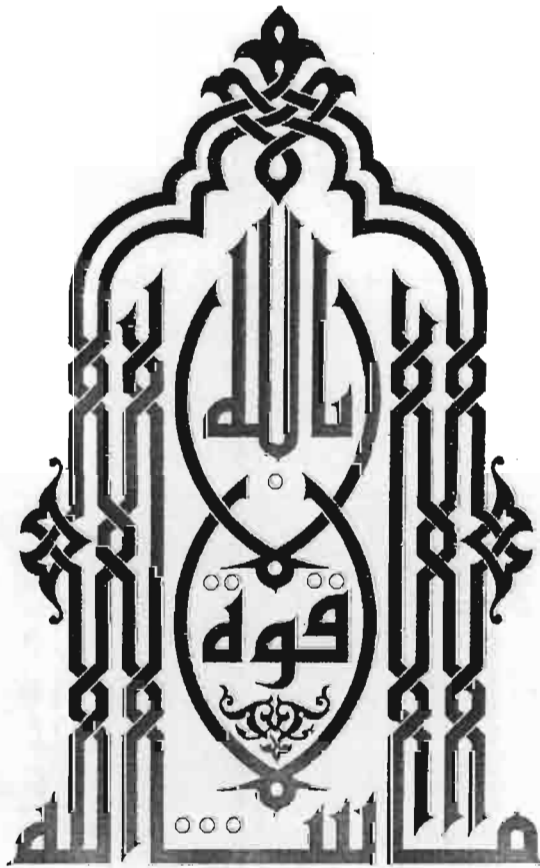
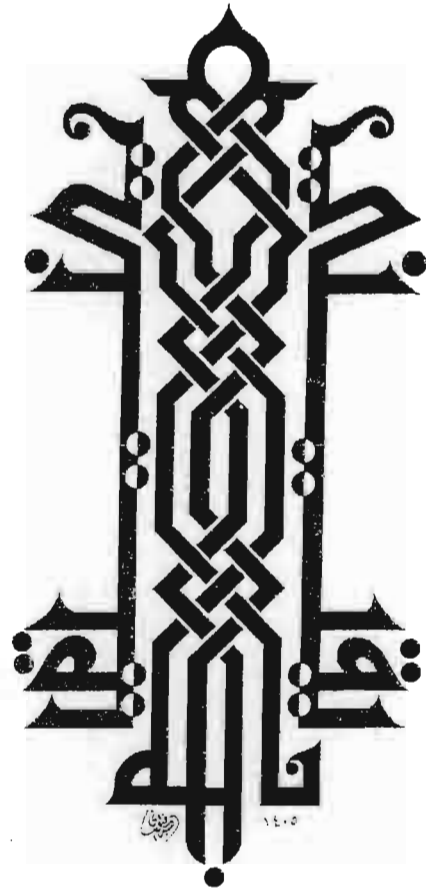
خط كوفي

خط كوفي گره دار

کوفي گره دار يك نوع خط کوفي در هم پیچنده است. در این خط، برخی از حروف یا کلمات آن کاملاً کشیده و تابیده و همراه با تزئینات فراوان نوشته می‌شود. همچنین توسط الف و لام‌ها، گره‌های تزئینی و قرینه‌سازی‌های زیبا و موزونی ایجاد می‌شود.



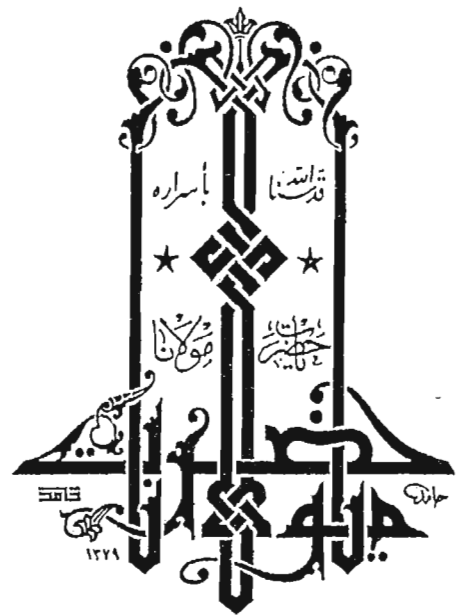
خط کوفي گره دار، محمد صبحي خوجه



«يَقِينِي بِإِلَهِ يَقِينِي»
«مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»

خط کوفی گره دار

خط کوفی گره دار تزئینی متناظر، محسن محمود فتونی، لبنان
مشکل، عصام عبدالفتاح، مصر



«حضرت

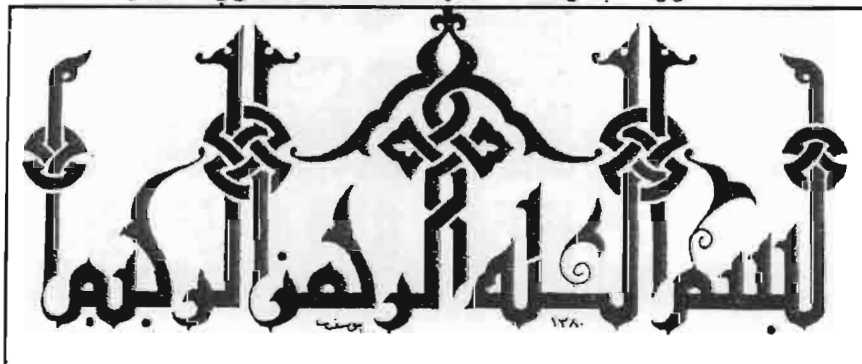
مولانا»
خط کوفی گره دار مزهر مورق مشبک، عثمان حامد حسن ابراهیم
خط کوفی گره دار، حامد الآمدی

خط کوفی گره‌دار مشکل

از انواع کوفی پیچیده و کوفی گره‌دار است که کاتب برای ایجاد ترکیب‌های زیبا و قرینه‌سازی‌های با شکوه، به الف و لام‌ها، الف و لام‌های زاید دیگر می‌افزاید تا شرایط برای ایجاد گره‌های مکرر و موزون فراهم شود. این نوع از خط کوفی را کوفی مضفر نیز می‌گویند.^{۲۷}



«سوره مبارکه الاخلاص» خط کوفی مشکل



خط کوفی گره‌دار مشکل، حسن قاسم حبش البیاتی، ۱۳۸۰ هـ. ق.



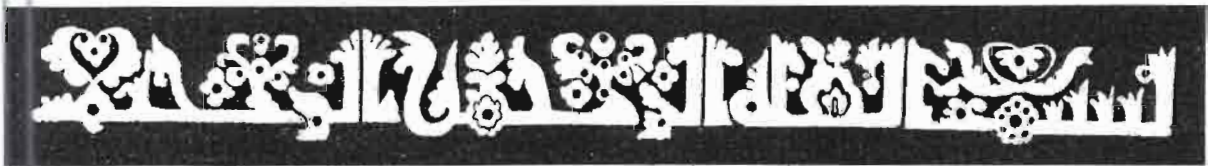
«و اذا قلتتم فاعدلوا و لو كان ذا قربي» خط کوفی مشکل، حسن قاسم حبش البیاتی، ۱۳۹۴ هـ. ق.

خط کوفی مشجر^{۲۸} (مشعب)

نوعی از خط کوفی است که تزئینات اولیه پدید آمده در آن، انشعاباتی شبیه شاخ و برگ درختان دیده شود، بدین صورت که انتهای حروف عمودی و بعضی از حروف مانند «ن» و «و» و «الف» و ... به صورت شاخه‌شاخه یا شعبه‌شعبه ترسیم می‌شوند. خط کوفی مشجر

^{۲۷} هنر آیه نگاری قرآن کریم، ص ۶۹.
^{۲۸} شجره درخت. مشجره: درخت‌دار، آنچه به شکل درخت باشد.

را کوفی مشعب، کوفی شجری و کوفی مشجری نیز نام نهاده اند. قدیم ترین نمونه این خط، در مسجد جامع نایین (به تاریخ حدود ۲۸۸ هـ. ق.) و مسجد گلپایگان دیده می‌شوند.^{۲۹}



خط کوفی مشجر

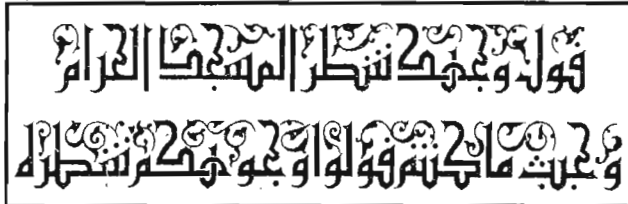
«بسم الله الرحمن الرحيم»

خط کوفی مورق^{۴۰} (برگ‌دار)

نگارش این خط کوفی با استفاده از نقاشی برگ درخت انجام می‌شود. بدین صورت که زمینه آن با استفاده از فرم‌های مختلف برگ درختان تزئین می‌گردد. در این خط انتهای حروف و کلمات با برگ‌های تزئینی و اسلیمی تکمیل می‌شود. خط کوفی مورق در قرون دوم و سوم هجری قمری در مصر رواج داشته و از خطوط رایج در کشورهای عراق، سوریه و ایران نیز بوده است. خط کوفی مورق را کوفی برگ‌دار نیز می‌گویند.



«قل اطيعوا الله واطيعوا الرسول» خط کوفی مورق، عبدالعزیز الخامد، سوریه

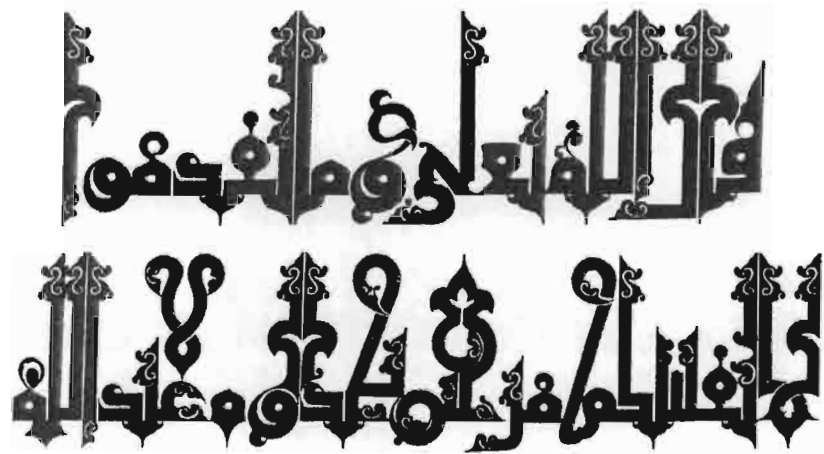


«قول وجهك شطر المسجد الحرام و جنت ما وراءه» خط کوفی مورق، محمد یوسف مندی، بحرین



^{۲۹} - اطلس خط، ص ۱۵۳.

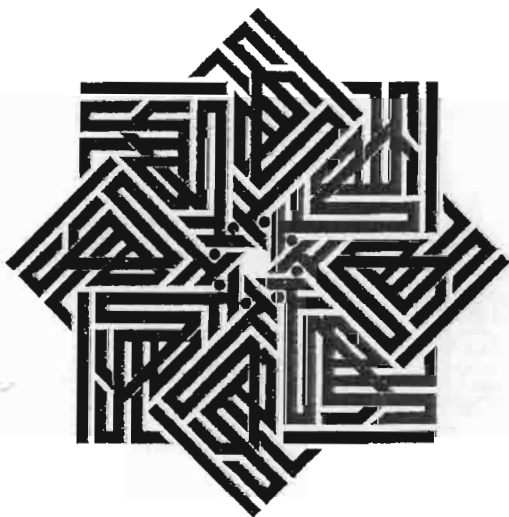
۱- ورق : برگ.



«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ مَا تَقَدَّمُوا لِنَفْسِكُمْ مِنْ خَيْرِ مَا جَدَّاهُ عِنْدَ اللَّهِ»
خط کوفی مورق، قرن ۶ هـ . ق.، از کتیبه‌های گجبری مسجد جامع قزوین، باب‌الله
زارعی

خط کوفی متداخل

در این نوع کوفی، حروف و کلمات به صورت متداخل و مکرر نوشته شده و نقش هندسی زیبایی را پدید می‌آورد.



«بار»

هشت

خط



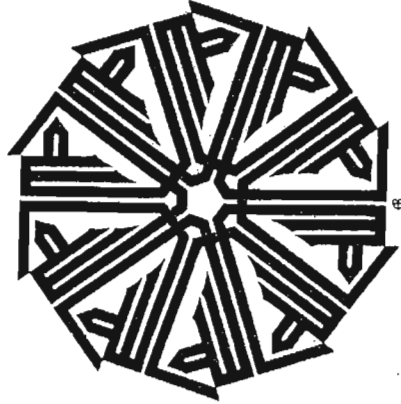
الله

«الکمال»

«الله اکبر هشت بار»

خط کوفی متداخل، محمد رضا بلال، سوریه

کوفی متداخل، محمد رضا بلال، سوریه



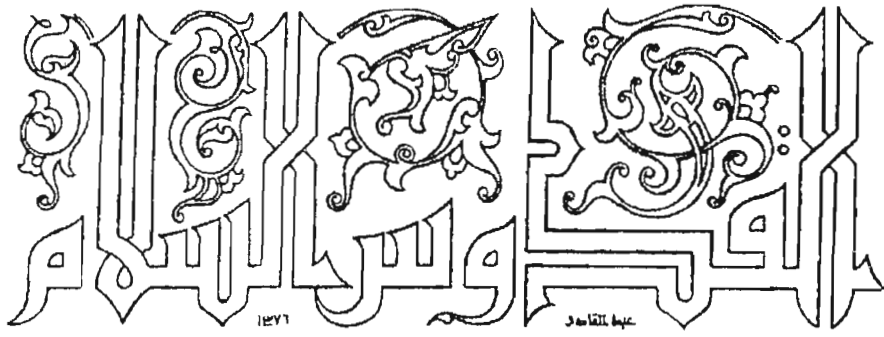
شش بار «الله» ۵۸۵- خط کوفی متداخل زخرفی، حسن قاسم حبش البیاتی
 بار «الله» خط کوفی متداخل

خط کوفی مزهرا (گل و برگ‌دار)

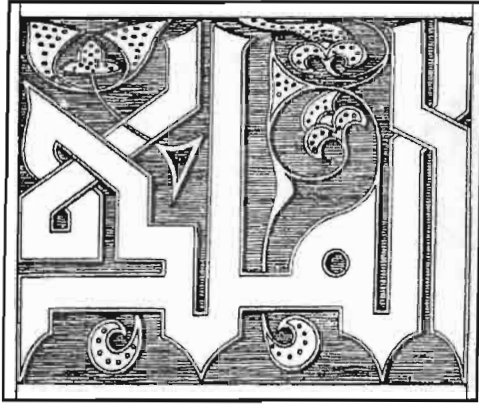
کوفی مزهر نوعی کوفی تزئینی گل‌دار است که زمینه آن با گل و برگ و نقوش اسلیمی زینت داده می‌شود و با انتهای حروف آن تبدیل به شاخه‌های باریک گیاهی می‌گردد. از ویژگی بارز کوفی مزهر، پر شدن فضاهای خالی با همین عناصر است.



«ربنا علیک توکلنا و الیک آئینا و الیک المصیر»
 خط کوفی مزهر، محمد عبدالقادر، ۱۴۰۳ هـ. ق.



«القدس السلام» خط كوفي مزهر، محمد عبدالقادر، ١٣٧٦ هـ . ق .



«الملك» خط كوفي



«وقفوهم انهم مسؤولون»

مزهري بر روي سراميك

النجفي

سبتي

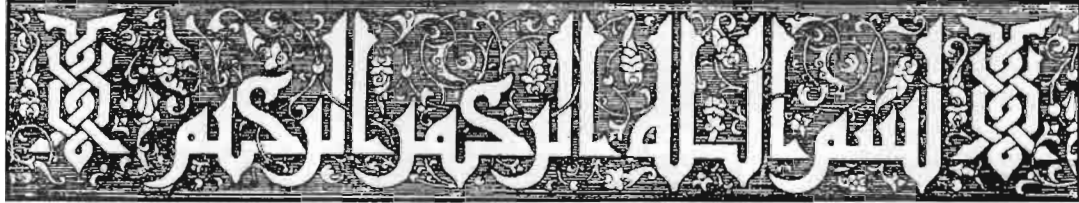
جواد

مزهري،

كوفي

خط

موزة ارميتاژ، ١٤١١ هـ . ق . قرن ١٢ م .



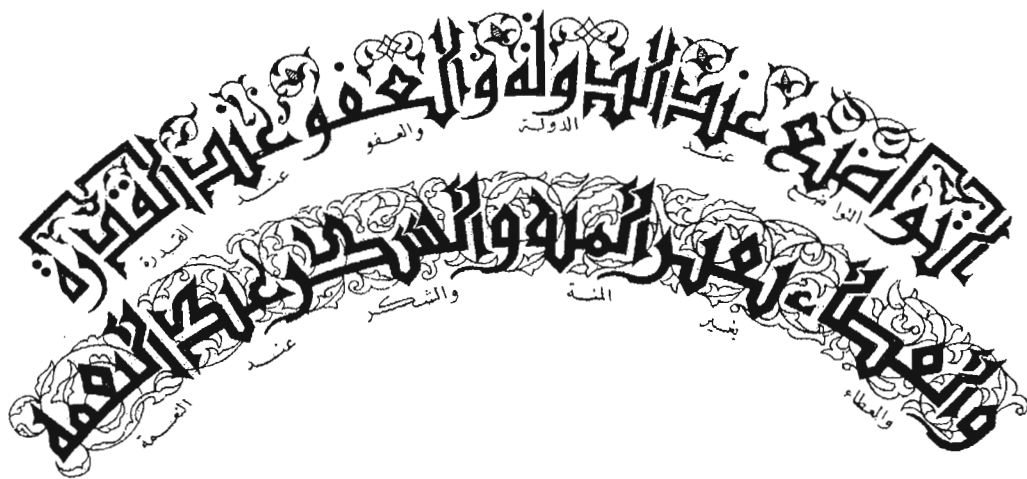
خط كوفي مزهر و مورق با تزئينان اسليمي



خط كوفي مزهر، علي اصغر مقتداني

«اكرموا اولادكم بالكتابة»

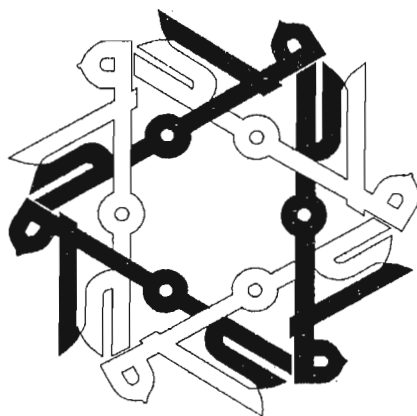
(مؤلف)



خط کوفی مزهر، هاشم عماد البغدادي

خط کوفی معشق

کوفی معشق نوعی کوفی تزئینی درهم پیچنده است که حروف آن حول یک محور دایره‌ای قرار می‌گیرند. محورهای حروف در کوفی معشق در حین صعود، مانند عشقه، به دور هم می‌پیچند و تقریباً مانند کوفی گره‌دار است. این نوع کوفی با تزئینات اسلیمی نیز همراه است و یکی از زیباترین خطوط کوفی است که ترکیبی دایره‌وار را به وجود می‌آورد. از نمونه‌های زیبای آن می‌توان به گنبد سلطانیه و مسجد جامع یزد اشاره کرد، که در شبستان مسجد جامع یزد، هشت «محمد» به صورت دایره نوشته شده و در وسط کلمه «علی» تکرار شده است، و در زیر گنبد اولجایتو شش «محمد» و در وسط یک بار «الله» نوشته شده که در مجموع نقشی ستاره‌وار را تداعی می‌کنند.^{۴۲}



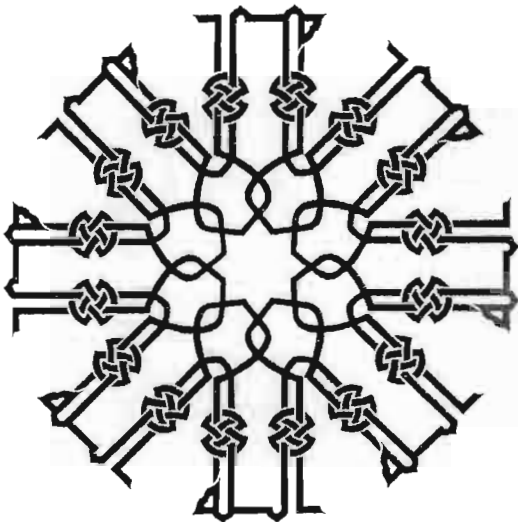
خط کوفی معشق، علی‌اصغر مقتدائی (مؤلف)

42- آدولف گرومن، منشأ و توسعه ابتدایی کوفی گلدان، ص ۹.

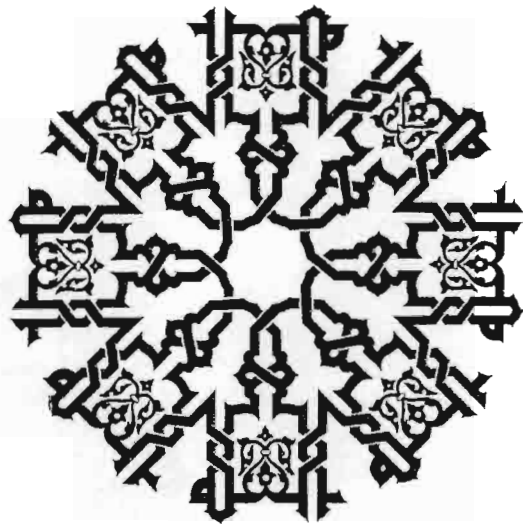


«الله و ه محمد» خط

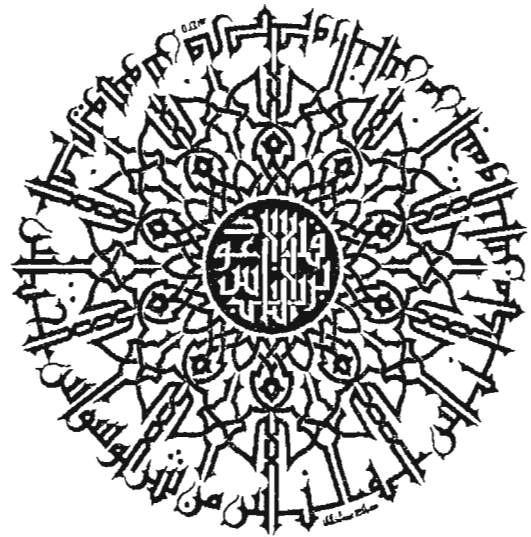
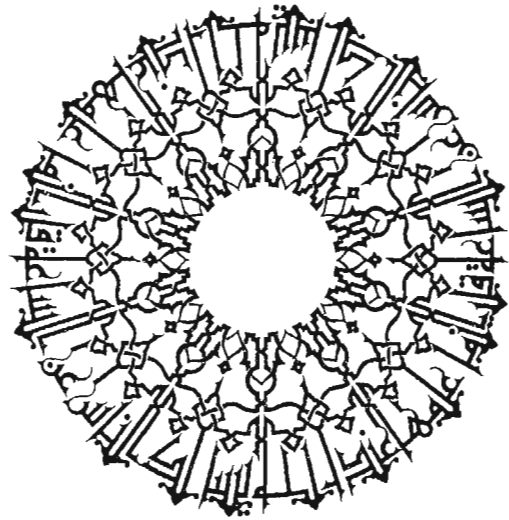
«الله و ۸ محمد» خط کوفی معشق، گنبد اولجایتو، سلطانیه
کوفی معشق، گنبد اجایتو، سلطانیه



خط کوفی گره دار معشق،



خط کوفی گره دار معشق، مالک الخلیل، سوریه
علی اصغر مقتدانی (مؤلف)



«يسألك الناس عن الساعه قل انما علمها عند الله»

«سورة مبارکه الناس»

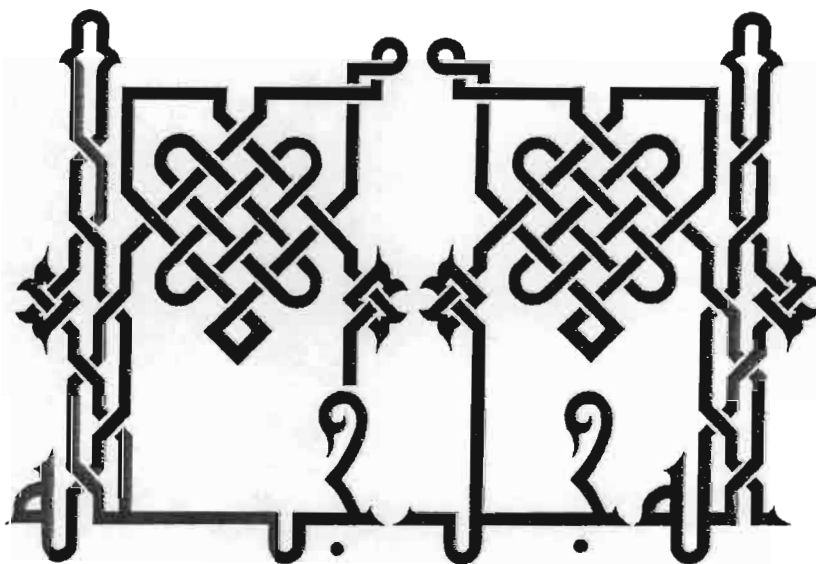
خط کوفی معشوق، مالک الخلیل

موشح معشوق، صلاح محمود عبد الخالق

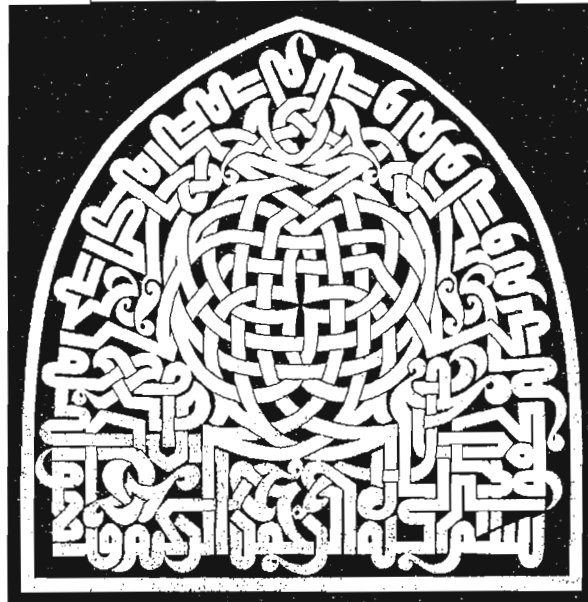
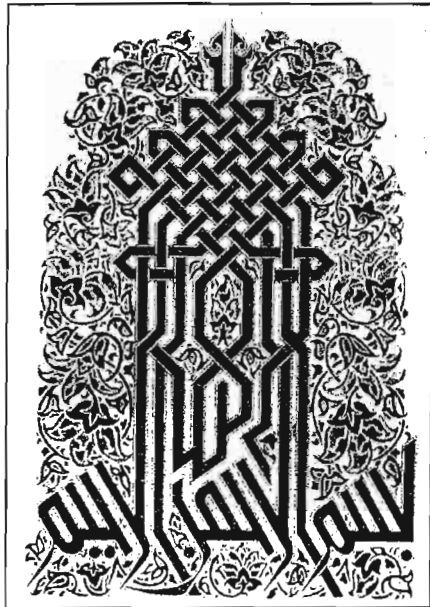
خط کوفی گره دار

خط کوفی مشبک

ریشه و اصل خط کوفی مشبک به ایرانیان نسبت داده می‌شود، و از دیگر خطوط کوفی برجسته‌تر است. کوفی مشبک نوعی کوفی در هم بافته است که تزئینات و گره‌بندی‌های مکرری در آن وجود دارد. در این خط حروف بلندتر و به یکدیگر متصل است و شبکه‌های در هم منظمی را تشکیل می‌دهد. نمونه زیبایی این نوع کوفی را در کتیبه برج رادکان و کتیبه داخل مقبره پیر علمدار در دامغان می‌توان مشاهده کرد.



«الله جل جلاله» خط کوفی گره‌دار مشبک ذی‌اطار، علی اصغر مقتدائی (مؤلف)

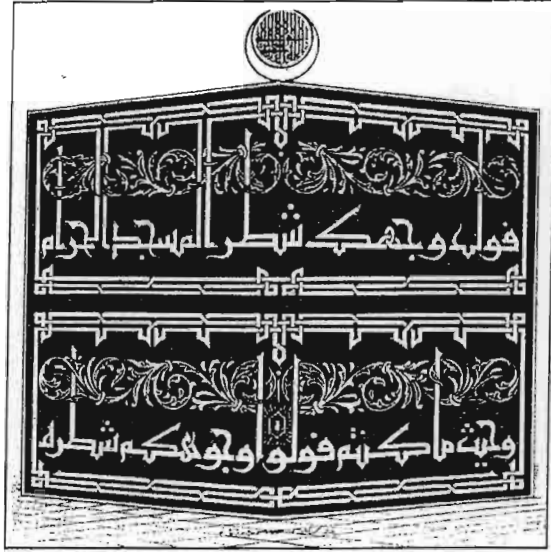


خط کوفی «سورة مبارکه الاخلاص»

خط کوفی مشبک مزهر، علی اکبر صادقی
مضفور مشبک، نصرت الله بکرانی

خط کوفی حاشیه دار (ذی اطار ۴۳)

کوفی حاشیه دار نوعی کوفی تزئینی است که در آن حروف و کلمات بوسیله گره های منظم به یکدیگر متصل شده و حاشیه ای را تشکیل می دهد که از خط جداست. این حاشیه مانند قاب اطراف خط را احاطه می کند و طرح و نقش زیبا و موزونی را پدید می آورد.

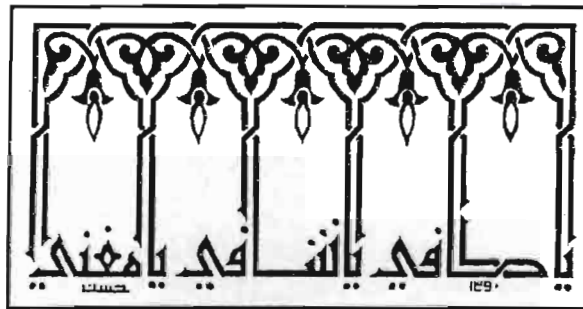


«اللهم»

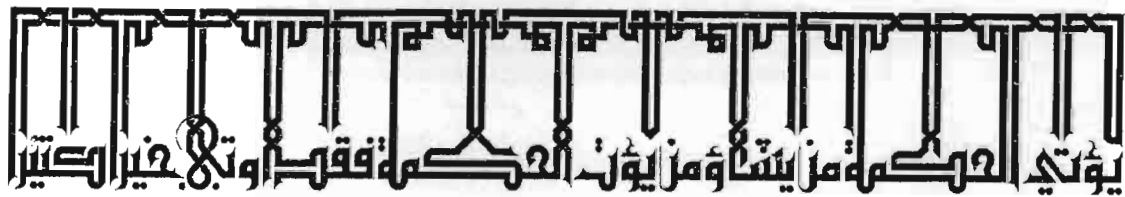
«فول وجهك شطر المسجد الحرام و حيث ما كنتم فولوا ووجهكم شطره»

خط كوفي

حاشيه دار مزهر مضافور، محمد خليل
حاشيه دار، محمد امين السم



«يا كافي، يا شافي، يا مغني»
خط كوفي حاشيه دار قنديلي، حسن قاسم
حبش البياتي



«يؤتى الحكمة من يشاء و من يؤت الحكمة فقد اوتى خيراً كثيراً»
خط كوفي
حاشيه دار، محمد رضا بلال، سوربه



«لقوم يتفكرون»
خط كوفي حاشيه دار، محمد عبدالقادر

فول وجهك شطر المسجد الحرام و جئتكم فقولوا و جوهكم شطره

و جئتكم فقولوا و جوهكم شطره

«فول وجهك شطر المسجد الحرام و حيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره»
 حاشية دار معقور، مأمون مقال، سورته

ف قال رب اشرح لي صدري و يسر لي امري و احلل عقدة من لساني
 ف قال رب اشرح لي صدري و يسر لي امري و احلل عقدة من لساني
 ف قال رب اشرح لي صدري و يسر لي امري و احلل عقدة من لساني

خط كوفي «قال رب اشرح لي صدري و يسر لي امري و احلل عقدة من لساني»
 حاشية دار، عبدالعزیز جیبو، مراکش

يسألک الناس عن الساعة قل انما علمها عندالله
 يسألک الناس عن الساعة قل انما علمها عندالله

«يسألک الناس عن الساعة قل انما علمها عندالله»
 خط کوفي حاشية دار، صلاح حمود
 عبدخالق، مصر

خط کوفي مدور الرئوس

شیوه‌ای از خط کوفی، که گره‌های تزئینی به شکل دوایر منظم
مداخل در قسمت انتهایی حروف و کلمات آن به صورت موزون تکرار
شده است را کوفی مدورالرئوس نام نهاده‌اند.^{۴۴}



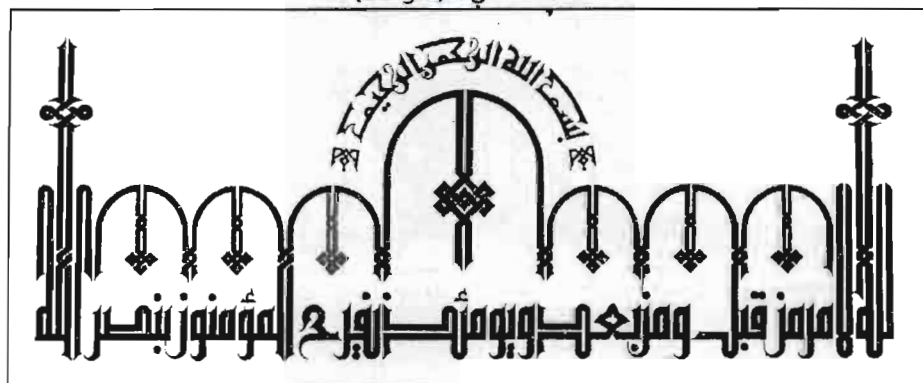
خط کوفی مدورالرئوس، علی اصغر مقتدائی، ۱۴۲۸ هـ. ق. (مؤلف)



«و لا غالب الا الله» خط کوفی مدورالرئوس، محمد عبدالقادر، ۱۳۶۶ هـ. ق. ، مصر



«لا اله الا الله الملك الحق المبين» خط کوفی مدورالرئوس، علی اصغر مقتدائی (مؤلف)



«بسم الله الرحمن الرحيم لله الامر من قبل و من بعد و يومئذ يفرح المؤمنون بنصرالله» خط کوفی گره‌دار مدورالرئوس مشگل، محمدرضا بلال، سوریه

خط کوفی نیشابوری

۱- تجلی منیر در کتابت بسم الله، ص ۴۸۹.

شیوة نگارش این نوع کوفی شبیه کوفی مغربی بوده و ویژگی آن، فربه و تند و تیز بودن حروف و کلمات است. در کوفی نیشابوری انتهای الف و لام‌ها به سمت چپ متمایل می‌باشند.



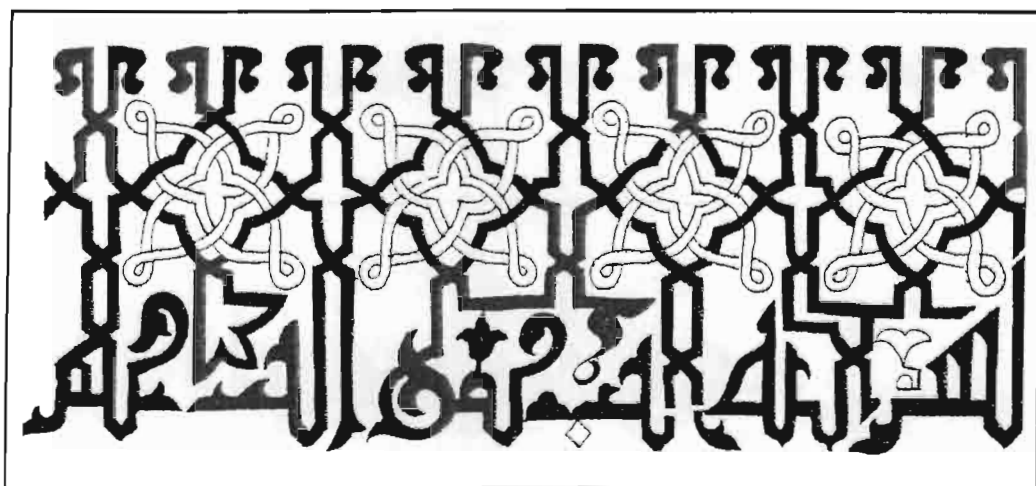
«والله يعلم ما تسرون و ما تعلنون والذين يدعون من دون الله لا يخلقون شيئاً و هم يخلقون»

خط کوفی نیشابوری، عماد ابراهیم اسکندرانی

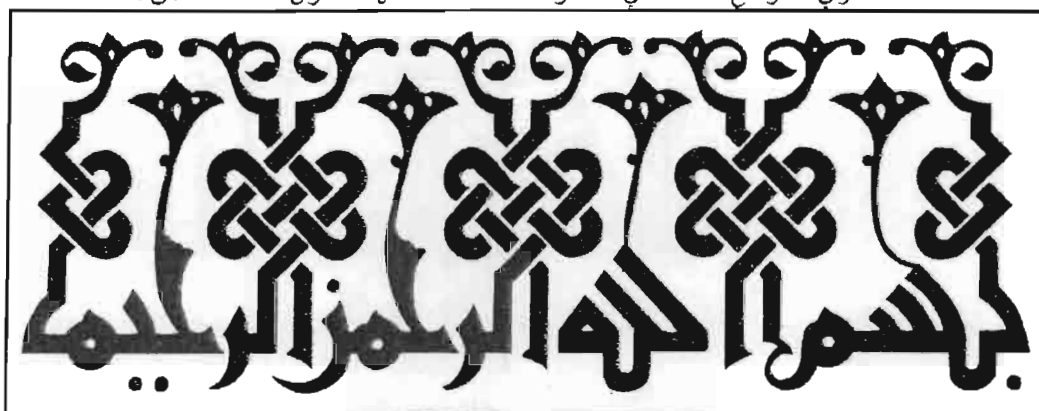
خط کوفی موشح

موشح به معنای چین‌دار و در هم تنیده آمده است. خط کوفی موشح دارای تزئیناتی زیبا همراه با نظم هندسی خاص توأم با رسم و تذهیب و نقاشی است.^{۴۰} انواع کوفی موشح عبارت‌اند از: کوفی موشح ساده یا میانه، کوفی موشح مشکل یا کامل و کوفی موشح قفل (کوفی مضمفور).

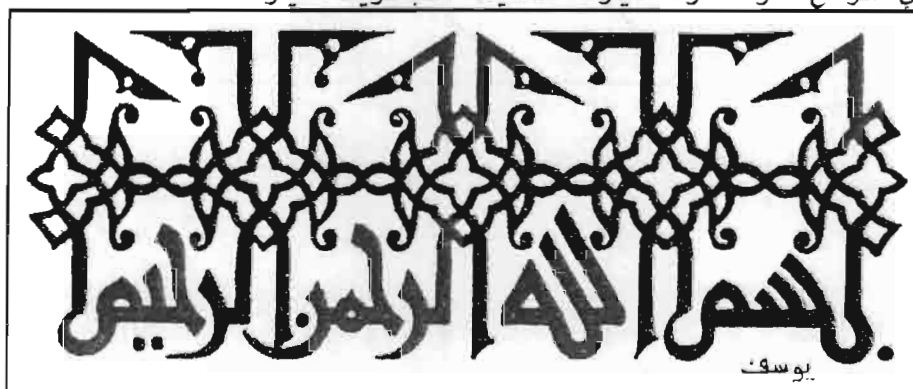
۱- تجلی هنر در کتابت بسم الله، ص ۴۹۰.



خط کوفی موشح هندسی، غرناطه اندلس، قرن ۸ هـ . ق.



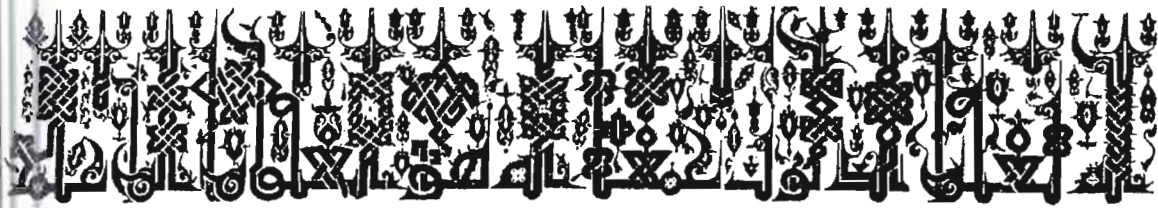
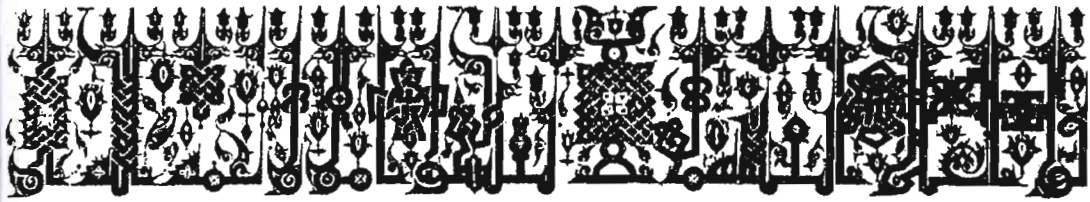
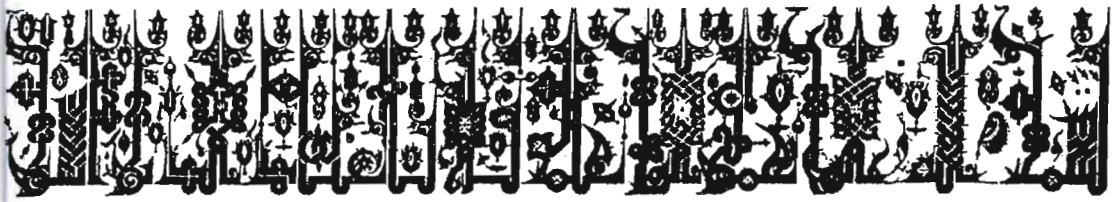
خط کوفی موشح گره دار، شیوه ممالیک البحریه، یوسف احمد، ۱۳۲۱ هـ . ق.



خط کوفی موشح هندسی، شیوه ممالیک، یوسف احمد، ۱۳۲۱ هـ . ق.

خط کوفی موشح کامل

خط کوفی موشح کامل نوعی کوفی تزئینی است با گره‌های فراوان و پیچیده، که جنبه تزئینی آن بر سایر اصول غالب است. این خط دارای تزئینات زیاد در حروف عمودی و کشیده‌ها است. از نمونه‌های زیبای خط کوفی موشح کامل، کتیبه پیر علمدار در دامغان به تاریخ ۴۱۸ هـ . ق. و کتیبه‌ای در مصلی قدیم شهر هرات را می‌توان نام برد.



«بسم الله الرحمن الرحيم قل يا عبادي الذين أسرفوا علي انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب جميعاً انه هو الغفور الرحيم»
خط كوفي موشح مشبك، از كتيبه هاي مقبرة پير علمدار، دامغان، ۴۱۸ هـ. ق.

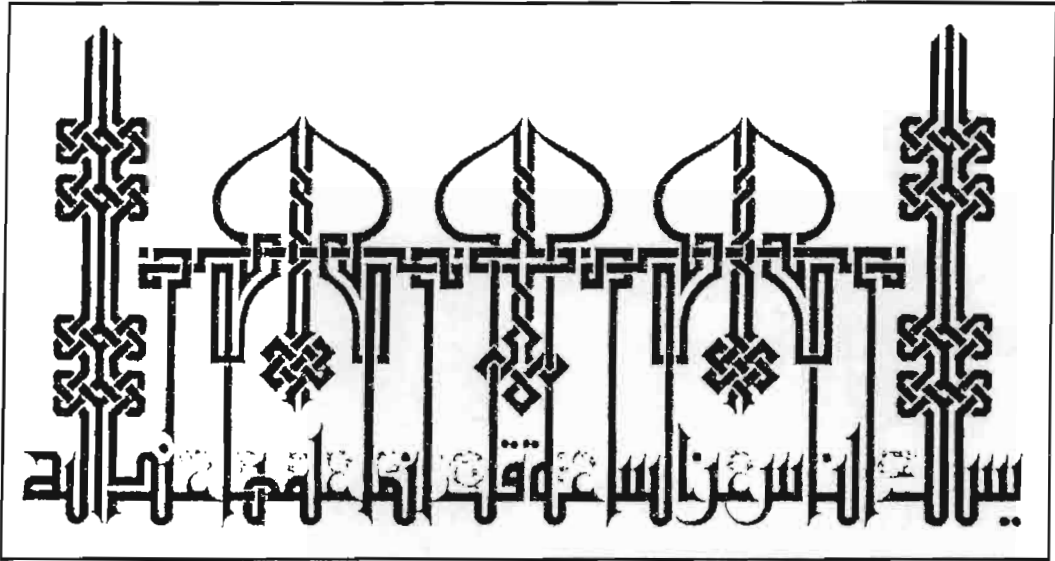
خط كوفي مُشكَّل ٤٦

نوعي كوفي تزئيني كه به هيئت اشكال هندسي و تصاوير خاص نوشته شده باشد، كوفي مشكَّل ناميده مي‌شود. از اين شيوة كوفي در برخي از نمونه‌ها به عنوان كوفي هندسي نيز ياد شده است.

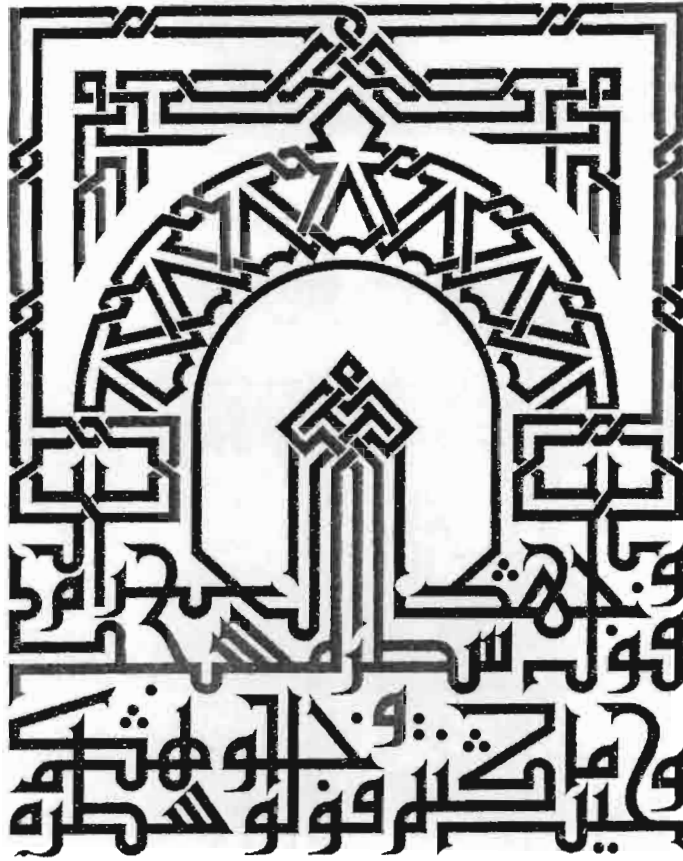


خط كوفي كره دار مشكَّل حاشيه دار، جمال عيسي الكباسي، عربستان سعودي

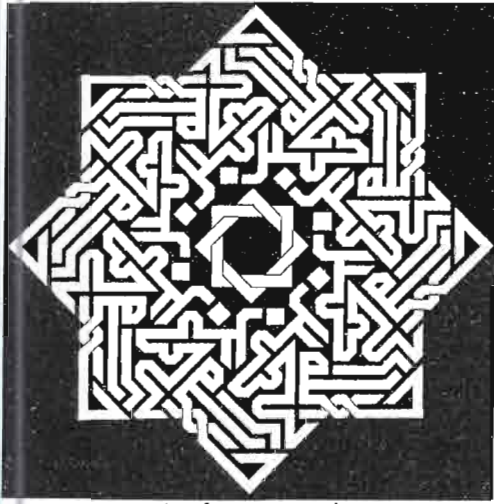
۱- شكل: شكل، و آن عبارت از هيئتي است براي جسم يا سطح كه محدود به چند حد باشد مانند مثلث و مربع. مُشكَّل: داراي مينت و شكل.



«يسأل الناس عن الساعة قل انما علمها عند الله»
 خط كوفي مشكل مضمور، عمدرضا
 بلال، سوريه



«فول وجهك شطر المسجد الحرام وحيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره»

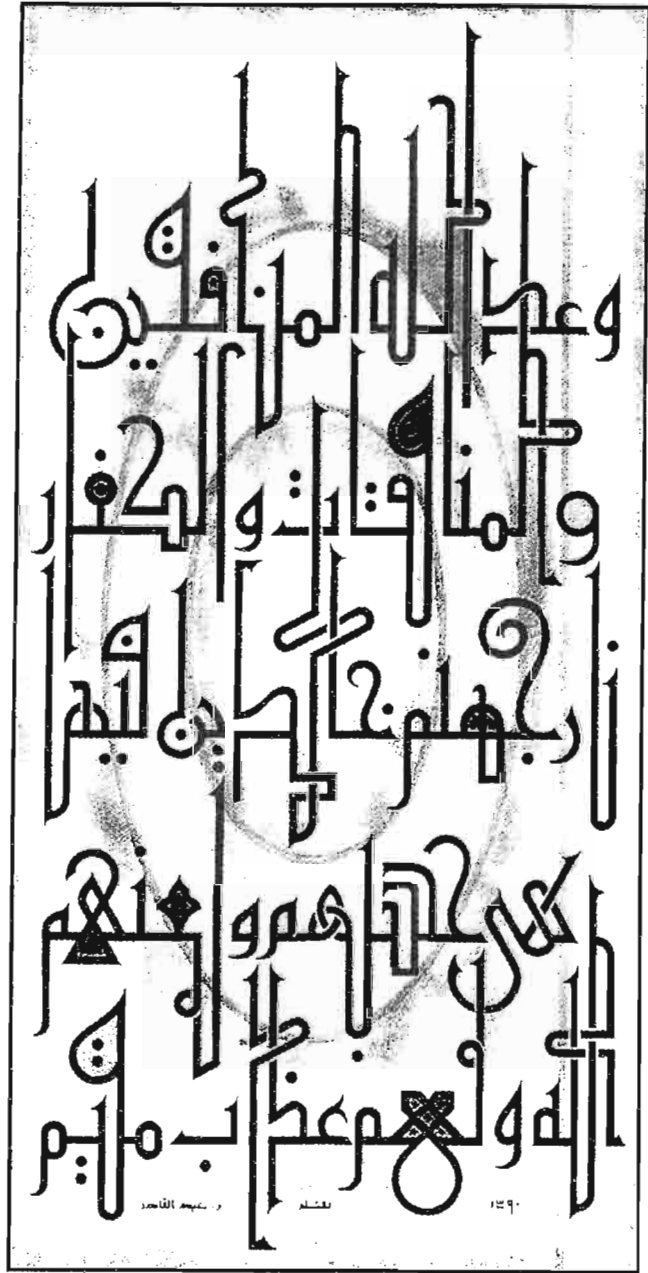


«مشت بار الله اكبر»
خط كوفي مشكل، محمدرضا بلال،
سوريه



بسم الله الرحمن الرحيم
به خط كوفي گره دار موزق ذى اطار

«وعدا لله المنافقين و المنافقات و الكفار
نار جهنم خالدين فيها هم و حسبيهم و
لعنهم الله و لهم عذاب مقيم»
تركيب زیبایی از خط كوفى تزئينی



عمد عبدالقادر

خطهاي رایج بعد از كوفی

در اواخر عصر اموی (۱۳۳-۴۱ ه.ق.)، قطبة المخرر با به کارگیری استعدادش برای گسترش و توسعه خطوط مقور و مدور (منحنی)، از خط کوفی چهار قلم مهم: قلم جلیل، قلم طومار کبیر، قلم نصف ثقیل و قلم ثلث کبیر ثقیل را اختراع نمود^{۴۷}، برخی از منابع اختراع قلم ثلثین را نیز به او نسبت می‌دهند. این اقلام به صورت درشت و جلی نوشته می‌شدند. قطبه تاریخ عرب و گلچین‌های ادبی را نسخه‌برداری کرده است. وی به لحاظ دانش فراوانش در خط، قواعد این خطوط را بدون ساخت. وی که در عربی یگانه نویسنده روی زمین به شمار می‌رفت به حسن خط معروف بود، و اولین کسی است که در دوران بی‌امیه به کتابت قرآن پرداخت.

خالد بن ابی‌الهیاج که از اصحاب حضرت علی (ع) بود، در دوران خلافت امویان به کتابت قرآن با خطوط طومار و جلیل و نوشتن شعر و اخبار می‌پرداخت. وی در سمت قبله مسجد النبی (ص) سورة و الشمس و ضحیها را تا آخر با آبطلا نوشت^{۴۸}. خطوط ابداع شده برای نگارش موضوعات اداری، تجاری، بازرگانی، روابط اجتماعی و نیز برای تهیه نسخ غیرمذهبی نیز رشد و گسترش یافت.

قلم جلیل

قلم جلیل پدر تمام اقلام نامیده می‌شود. درباره قلم جلیل در الوسیط آمده است: «در آخر دولت اموی، قطبة المخرر از خط کوفی و حجازی، خطی استنباط کرد که اساس خطی شد که امروز بیدان می‌نویسند، و او قلم جلیل را که در بناها بکار می‌رفت، و قلم طومار را که بر صفحه بزرگی می‌نگاشتند اختراع کرد.»^{۴۹} درباره قلم جلیل گفته‌اند که هر کسی توانایی نوشتن آن را ندارد، مگر آنکه با دشواری و زحمت بسیار آن را آموخته باشد. یوسف سگزی در این باره می‌گوید: قلم جلیل نهاد نویسنده را می‌کوبد.

47- الفهرست، ص ۱۴. در الوسیط این چهار قلم را: جلیل، طومار، مشق و دیباج نام برده است.

48- الفهرست، ص ۱۱.

49- الوسیط، ص ۱۹۴.

قلم جلیل بسیار درشت و پهن و فربه بود و به بلند مرتبه‌ترین اشخاص اجتماع اختصاص داشت. ابن‌النديم می‌گوید: «با این قلم از طرف خلفا بر طومارهاي کامل به پادشاهان روی زمین نامه می‌نوشتند. از قلم جلیل دو قلم استخراج گردیده است: قلم سجلات و قلم دیباج.»^{۵۰}



عمدبن حسن طيبي، ۹۰۸
قاپی سراي،
محاسن كتابه الكتاب

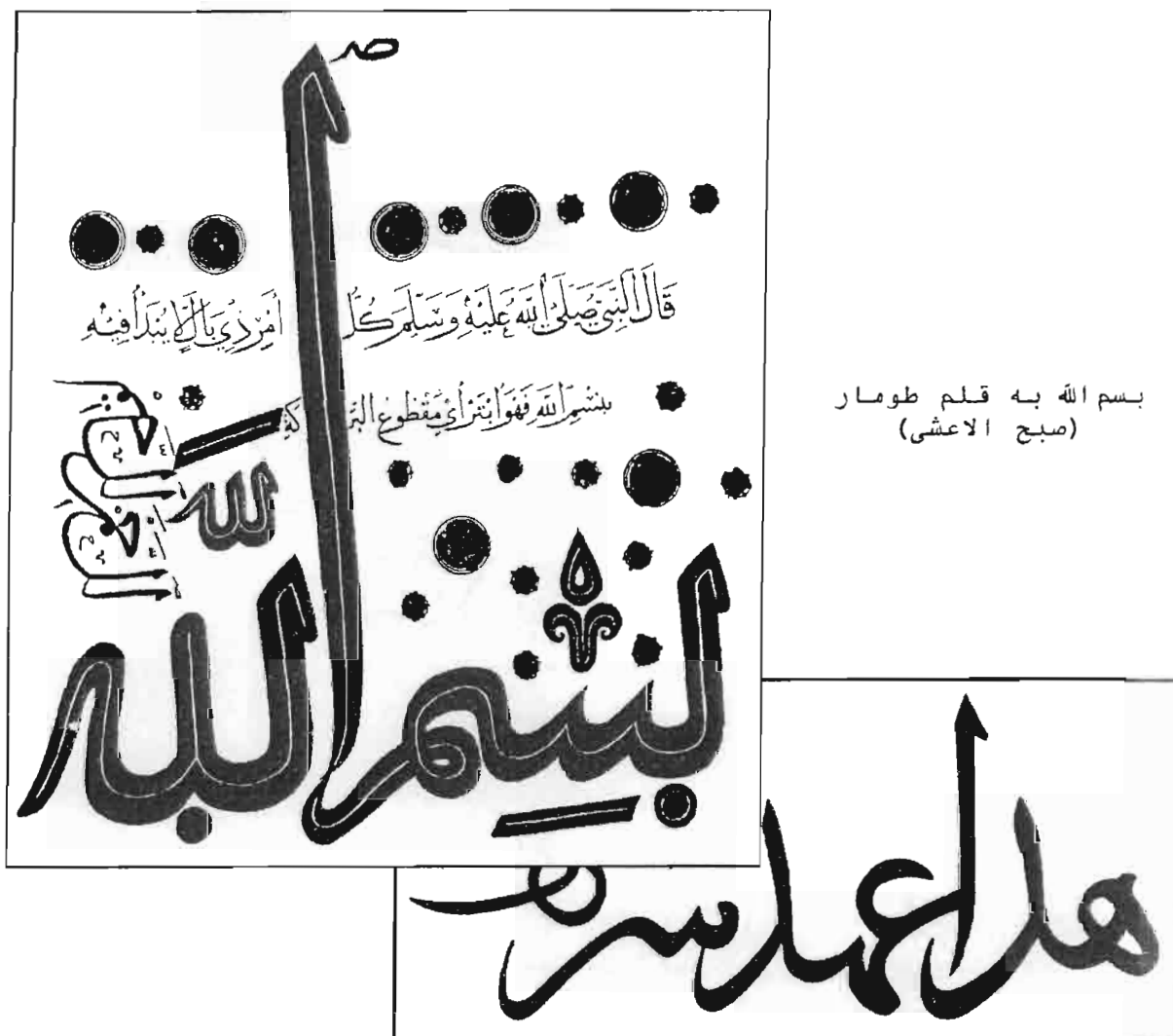
قلم جلیل‌الثلث،
ه. ق. موزة طوب
استانبول (جامع)

قلم طومار

خط طومار یکی از قدیمی‌ترین خطوط عربی است که در میان بزرگان رایج بود. طومار خطی است پر قدرت و جلی و فربه، که با قلمی پهن نوشته می‌شد، در مقابل غبار که خفی و ریز کتابت می‌گردید. از ویژگی‌های قلم طومار داشتن ضخامت و درشتی در حروف، الف و لام‌های کشیده، داشتن حلقه‌ها و اتصالات در حروف (که در دیگر شیوه‌ها غیرمجاز بوده) و نیز بدون نقطه بودن آن است. در حدود قرن چهارم هجری قمری، گوشه‌داز بودن و ایستایی این خط از بین رفت. واضع خط طومار را قطبة‌المحرر دانسته‌اند. بزرگان در زمان بنی‌امیه و پس از آن از قلم طومار استفاده می‌کردند و بعدها در توشیح حکمرانان از آن بهره می‌بردند. ابن‌مقله، ابن‌بواب و یاقوت مستعصمی، ظرافت و اغنای جذابی که شبیه ثلث جلی بود، به آن خط دادند. از این خط در کتیبه‌نگاری نیز استفاده می‌شده

50- الفهرست، ص ۱۳.

است. اندازه عرض قلم طومار، ۲۴ شعرة^۱ اسب است و برای بدست آوردن اندازه طول الف قلم طومار، مقدار عرض قلم در خودش ضرب می‌شود که چنین است: موی اسب ۵۷۶ = ۲۴ × ۲۴



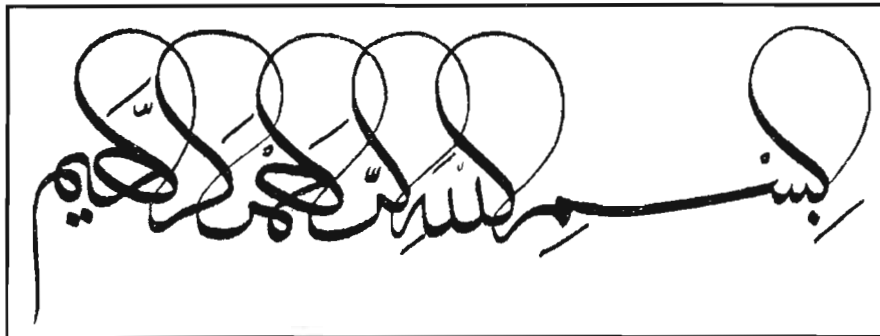
قلم طومار (صبح الاعشى)
خط طومار (صبح الاعشى)

قلم مسلسل

مسلسل خطی است که همه حروف و کلمات آن پیوسته و متصل نوشته می‌شوند، و در یک سطر به وسیله خطهای نازک، تمامی حروف و کلمات به هم پیوسته و زنجیر شده‌اند، و هیچ یک از حروف آن منفصل نیست. اساس و منشأ این خط، خط ثلث یا توقیع است.

۱- شعرة: یک تار مو.

درباره پیدایش خط مسلسل در صبح الاعشی آمده است: احوال محرر قلم ثلثین و ثلث را از ابراهیم سگزی اخذ کرد و قلم نصف را که خفیفتر از ثلث بود و آن را خفیف الثلث نام گذاشت، اختراع کرده و نیز قلمی به نام مسلسل (که همه حروفش متصل نوشته می‌شد) و قلمی به نام «غبار الخلبة» را پدید آورد. وی خط مؤامرات و قصص و قلمی خرد و ریز به نام «حوائجی» را ابداع نمود. خط او به بهجت و زیبایی توصیف شده است، لکن خالی از احکام و اتقان^{۵۲} بوده است. احوال در تراشیدن قلم مهارت عجیب داشته است.^{۵۳} هر یک از انواع خطوط را می‌توان با حفظ اصول و رعایت قواعد مربوطه، با خط مسلسل نوشت که در این صورت بعد از نام خط، لفظ مسلسل خواهد آمد، مانند: ثلث مسلسل، مقتن مسلسل، دیوانی مسلسل، کوفی مسلسل و... این خط از خطوط معمول نبوده است مگر آن‌که از باب تفنن آن را می‌نوشته‌اند. انواع خط مسلسل عبارتند از: مسلسل زنجیری و مسلسل مضاعف.

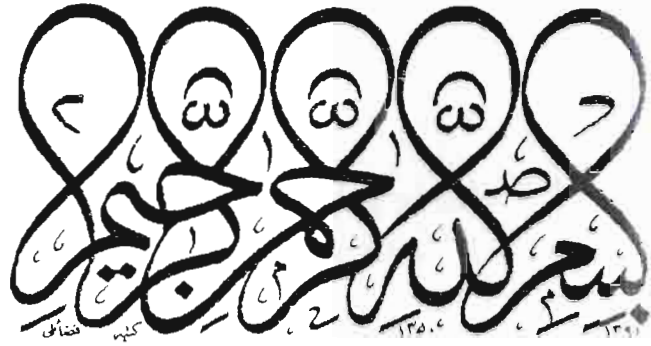
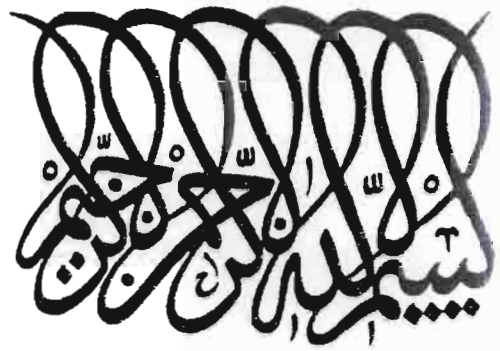


خط ثلث مسلسل، کتابخانه دکتر شریعتی، خراسان (تجلی هنر در کتابت بسم الله)

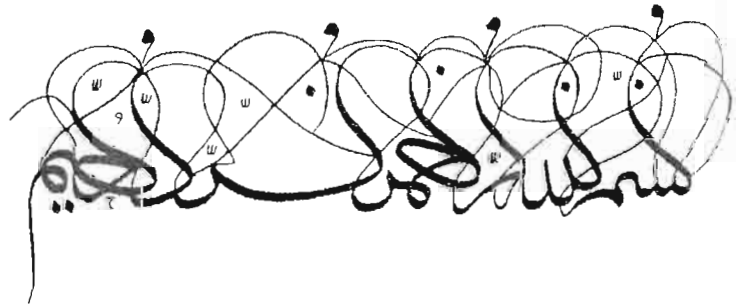
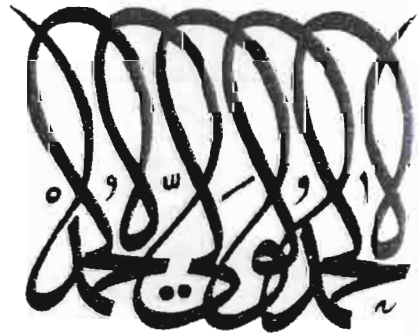
خط مسلسل زنجیری

مسلسل زنجیری از انواع خط مسلسل است که علاوه بر پیوستگی‌های حروف، بعضی از قسمت‌های آن به صورت اتصالات هماهنگ و زنجیری تکرار شده‌اند.^{۵۴}

52- احکام و اتقان: هر دو به معنی محکم کردن، استوار کردن و استواری است.
53- صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، ج ۲، صص ۱۶ و ۱۷.
۱- تجلی هنر در کتابت بسم الله، ص ۴۹۱.



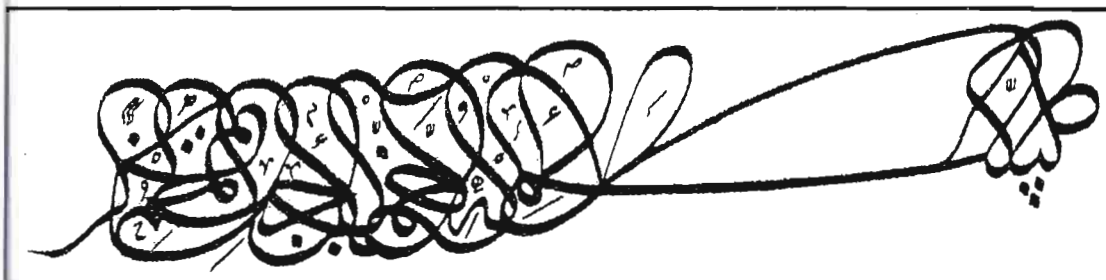
خط ثلث مسلسل زنجیری، احمد قره حصارى، ترکیه
 خط ثلث مسلسل زنجیری، حبیب‌الله فضائلی (اطلس خط)



خط
 ثلث
 مسلسل
 زنجیری، ح قرن ۹ هـ ق.،
 استانبول،
 موزة
 آثار
 احمد
 قره
 حصارى،
 ترکیه
 کتابخانه دکتر شریعتی، خراسان (تجلی هنر در کتابت بسم الله)

خط مسلسل مضاعف

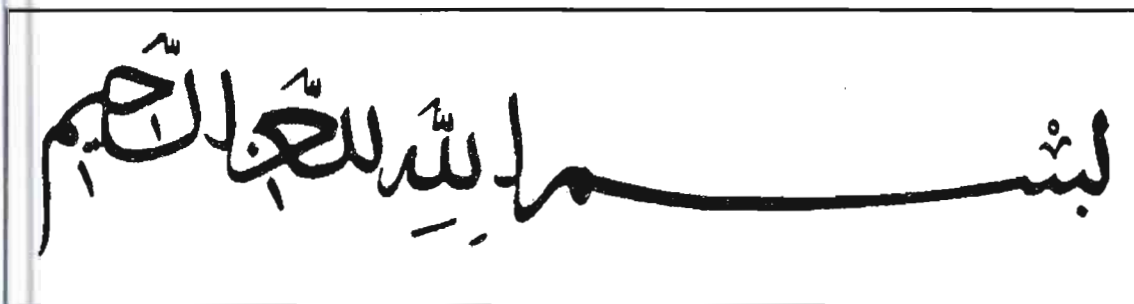
چنانچه اتصالات و پیوستگی‌های مکرر خط مسلسل تکرارهای مجدد داشته باشد، آن را مسلسل مضاعف گویند که معرف قدرت قلم و تبحر و استحکام دست کاتب است.^{۵۵}



خط مسلسل مضاعف، ح ۹ هـ. ق.، کتابخانه دکتر شریعتی، خراسان (تجلی هنر در کتابت بسم الله)

قلم متساوی

قلم متساوی از اقلامی است که در میان نویسندگان دربار خلفاء متداول بوده است. این خط شباهت زیادی به خط مقترن دارد، اما کمی مبسوط‌تر با کشش‌های مساوی است.^{۵۶}



خط متساوی، ح قرن ۹ هـ. ق.، کتابخانه دکتر شریعتی، خراسان (تجلی هنر در کتابت بسم الله)

قلم مقترن

قلم مقترن از اقلامی است که در آن حروف و کلمات قرین و بسیار نزدیک به هم نوشته می‌شوند. شیوة مقترن در اغلب اقلام خوشنویسی دیده می‌شود. انواع قلم مقترن عبارت‌اند از: کوفی مقترن، مقترن مختصر، مقترن مبسوط و مقترن مسلسل.^{۵۷}

۲- همان.

۵۶- تجلی هنر در کتابت بسم الله، ص ۴۹۰.

۵۷- هنر آیه‌نگاری قرآن کریم، ص ۷۱.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خط مقترن، احمد قره حصارى، ۹۳۷ هـ. ق.، تركيه (تجلي هنر در كتابت بسم الله)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ تَقَالَى وَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ فَاقْبِرْنَا اللَّهُ كَانَ

خط مقترن مسلسل، ح ۹ هـ. ق.، كتابخانه دكتور شريعتى خراسان (تجلي هنر در كتابت بسم الله)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كِتَابُكَ مِنْ أَنْتَ فَصَلِّ

خط مقترن مختصر، ح ۹ هـ. ق.، كتابخانه دكتور شريعتى، خراسان (تجلي هنر در كتابت بسم الله)

اقلام سته

در نیمه دوم قرن سوم هجری قمری، ابن مقله بیضاوی شیرازی که در علوم مختلف فقه، تفسیر، ادبیات، تجوید، شعر و ترسل یگانه زمانه خود بود، هنرمندی چیره دست نیر به شمار می‌رفت و در کتابت خط کوفی نظیر نداشت. وی که دشواری خط کوفی را بر ایرانیان و دیگر مسلمانان دریافته بود، دست به ایجاد خط تازه‌ای زد و از خط کوفی شش نوع خط را ابداع نمود: ۱- محقق (برای ثبت قصاید و اشعار)، ۲- ریحان یا ریحانی (برای کتابت مصاحف و ادعیه)، ۳- نسخ (برای کتابت تفاسیر و احادیث)، ۴- ثلث (خطی است جلی برای کتیبه نگاری و اقلام درشت)، ۵- توقیع (برای تحریر فرمان و منشور)، ۶- رقاع (برای مکاتبات و مراسلات).

خط محقق - ابن الندیم در الفهرست گفته است که خط محقق، ابتدا در عهد بنی عباس از خط ریاسی استخراج گردید و به آن خط عراقی و خط وراقی هم می‌گفتند. هنگامی که ابن مقله خط محقق را از کوفی استخراج نمود، آن را تحت قاعده و ضابطه منسوب به خویش درآورد و به خط مهمی که می‌توانست با دقت بسیار کتابت شود، تبدیل کرد. شکوه و عظمت، اندام درشت، فاصله‌های منظم، یکدست و ساده بودن از ویژگی‌های بارز خط محقق است. در این خط هر حرف شکل ثابت و معینی دارد و با حروف دیگر اشتباه نمی‌شود. همچنین کلمات متداخل نوشته نمی‌شود، بدین جهت خطی است واضح و روشن. تکامل خط محقق به دست «ابن بواب» صورت گرفت. سپس «یاقوت مستعصمی» آن را جزو یکی از خطوط شش گانه خود انتخاب کرد. آغاز خط و کتابت کلام الله مجید پس از خط کوفی، با خط محقق صورت گرفت. پس از یاقوت مستعصمی، استادان دیگر همچون بایسنغر میرزا و احمد بن سهروردی، در این خط مهارت بیشتری پیدا کردند و قرآن‌ها و کتاب‌های نفیسی با خط محقق کتابت نمودند.



خط محقق، هاشم محمد الخطاط



خط محقق

خط محقق، بایسنغر

مرزا

خط ریحان - خط ریحان یا ریحانی خطی است شبیه به خط محقق که

سالها بعد از آن پدید آمد. به نحوی که آن را باریک محقق نیز نام نهاده اند. در این خط خصوصیتی از خط ثلث را نیز می‌توان یافت. خط ریحان از زمان «ابن بواب» رو به ترقی و رواج بیشتری گذاشت و پیوسته کامل شد تا زمان «یاقوت مستعصمی» و شاگردان او که شیوع بیشتری پیدا کرد. خط ریحان تمام ویژگی‌های خط محقق را داراست و افزون بر آن حرکات، حروف و کلماتش نازک تر و ظریفتر، و خطوط عمودی (الف و لام‌ها و دسته ط) در آن کوتاه‌تر است.

خطوط محقق و ریحان در نظر اول شبیه ثلث هستند اما بر اثر دقت، تفاوت‌های واضحی در شکل حروف آنها دیده می‌شود. این دو خط تا قرن یازدهم هجری قمری برای کتابت قرآن مجید در ایران و سایر کشورهای اسلامی رواج داشته و بخاطر خوانا بودن، یکی از موجبات به کار رفتن آنها بوده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ النَّجْمُ النَّاقِبُ

إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ

خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ يُخْرَجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ التَّرَائِبِ

خط ریمان

استادان برجسته خطوط محقق و ریمان - ابن مقله، ابن بواب، یاقوت مستعصمی، احمد بن سهروردي، احمد طیب شاه، مبارکشاه سیوفی، مبارکشاه بن قطب «زرین قلم»، ارغون بن عبدالله کاملی، یوسف مشهدی، عبدالله صیرفی، یحیی جمالی صوفی، احمد رومی، نصرالله طیب، عبدالله طبخ هروی، بایسنغر میرزا، ابراهیم سلطان بن شاهرخ و علاء الدین تبریزی «ملا علاء بیگ».

خط ثلث - سابقه این خط به قلم جلیل می‌رسد که آن هم از خط کوفی اقتباس شده است. جلیل به معنی جلی و درشت، در مقابل خفی به معنای باریک و ریز می‌باشد. خط ثلث را «ام الخطوط» نام نهاده‌اند. ابن مقله آن را از خط کوفی استخراج کرد و آن را تحت ضابطه و قانون مندی در آورد. در خط ثلث یک سوم از عمودی‌ها یا سرکش‌ها مستقیم هستند، و بقیه را قسمت‌های مدور (انحناء دار) تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر در خط ثلث، یک سوم آن سطح و دو سوم آن دور (دودانگ سطح و چهاردانگ دور) است. خط ثلث که خطی جلی است، برای کتیبه نگاری و اقلام درشت به کار می‌رود.

استادان برجسته خط ثلث - یاقوت مستعصمی، یحیی جمالی صوفی، عبدالله صیرفی، ارغون بن عبدالله کاملی، احمد طیب شاه، بایسنغر میرزا، ابراهیم سلطان ابن شاهرخ گورکان، علیرضا عباسی، محمد رضا امامی، کمال‌الدین عبدالحق سبزواری، علاء‌الدین تبریزی «ملا علاء بیگ»، عبدالله طبخ هروی، شمس‌الدین علی شیرازی «هراس»، عبدالباقی تبریزی، کمال‌الدین حافظ هروی، اسدالله کرمانی و ...



خط ثلث



خط ثلث

خط نسخ - خط نسخ در ابتدا خطی بود همپایه خط کوفی ولی به صورت نسخ ناقص که به خط نسخی قدیم یا نسخ حجازی معروف بود. پس از رونق یافتن خط کوفی، خط نسخ بیشتر برای تحریر نامه‌ها و مکاتبات فوری معمول بود. خط نسخ تابع خط ثلث است و از این جهت آن را نسخ گفته‌اند که جمیع خطوط را نسخ کرد، و کتابت قرآن مجید که تا آن زمان با خطوط دیگر انجام می‌شد، منحصر به این خط شد. از اواخر قرن سوم و آغاز قرن چهارم هجری قمری، از زمان ابن مقله به بعد، با مقیاس‌ها و قواعدی که او وضع کرد و با هندسی کردن آنها، دوره ابتدایی پیشین را طی کرد و به مرحله پیشرفت و زیبایی رسید، چنانکه برای کتابت کلام الله مجید و ادعیه و کتیب مذهبی از آن استفاده می‌شد.

در خط نسخ رعایت نسبت (یکسانی و تعادل اندازه حروف متشابه و هم شکل) که یکی از قواعد مهم خوشنویسی است سبب زیبایی خط می‌شود. به علاوه خط نسخ، خطی است کامل، معتدل، منظم و واضح. به همین سبب در خواندن حروف و کلمات هیچ اشتباه و دشواری پیش نمی‌آید، خصوصاً وقتی که با حرکات و اعراب همراه باشد. ویژگی دیگر

خط نسخ اعتدال است. پس از یاقوت مستعصمی شیوه او و شاگردانش در اقلام سته مدت‌ها رایج و مقبول بود و مهم‌ترین شاگردان و پیروان شیوه وی ایرانی بودند. در قرون هشتم و نهم و دهم هجری قمری، خراسان و فارس و آذربایجان از مهم‌ترین مراکز خوشنویسی و جایگاه استادان بزرگ خط نسخ بود که بیشتر به کتابت قرآن و کتب مذهبی می‌پرداختند. در اواخر عهد صفویان، میرزا احمد نیریزی، بزرگ‌ترین نسخ‌نویس ایران در خط نسخ شیوه‌ای پدید آورد که به نسخ نیریزی یا نسخ ایرانی معروف گشت که تا به امروز در ایران مقبول و معمول است.

استادان برجسته خط نسخ - ابن مقله بیضاوی شیرازی، حسن بن مقله (برادر ابن مقله)، ابن بواب، یاقوت مستعصمی که خط نسخ را به کمال رساند، شیخ احمد سهروردی، عبدالله صرّفی، علاءالدین تیریزی «ملا علاء بیک»، میرزا احمد تیریزی (بزرگترین نسخ نویس قرن دوازدهم هجری قمری که ۳۰۰ جلد و به روایتی ۱۵۰ جلد قرآن کتابت نموده که ۹۹ جلد از آن دیده شده است و نیز ۷۷ صحیفه و ادعیه کتابت کرده است)، محمد شفیع تیریزی، ملا علی عسکر ارسنجانی، محمد شفیع ارسنجانی، محمد شفیع وصال شیرازی، زین العابدین اصفهانی و از معاصرین حاج میرزا طاهر تیریزی «طاهر خوشنویس»، احمد نجفی زنجانی و حبیب الله فضائلی.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ كَتَبَ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى
 مَنْ كَتَبَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِحُسْنِ الْخَطِّ قَوَّذَتْ تَطِيمًا
 لِلَّهِ غُفِرَ لَهُ مِنْ دُونِهِ مَا تَقَدَّمَ وَمَا تَأَخَّرَ وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 تَعَلَّمُوا فَوَاقِمَ الْخَطِّ إِذَا النَّادِبُ مَا الْخَطُّ إِلَّا رِيبَةُ الْمُنَادِبِ
 خُتْمُ اسْتِثْنَاءِ حَمْرٍ فِي لَمْبَدٍ الْخَيْرِ لَمْ يَكُنْ عَلَى الْوَدِيِّ أَحْمَدُ بْنُ زَيْدٍ
 إِلَيَّ كَمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ نِعْمَةً قَالَتْ عِنْدَهَا شِكْرِي
 وَكُلَّمَا اسْتَلَيْتَنِي سَلَيْتَنِي فَلَيْتَنِي لَكَ عِنْدَهَا صَبْرِي
 يَا مَنْ قَلَّ شُكْرِي عِنْدَ نِعْمَتِهِ فَلَمْ يَحْزَنْنِي وَيَا مَنْ
 قَلَّ صَبْرِي عِنْدَ بَلَاءِهِ فَلَمْ يَحْزَنْنِي وَيَا مَنْ رَأَى عَلِيًّا

خط نسخ احمد تیریزی
 انواع خط نسخ - نسخی قدیم (نسخ حجازی)، نسخ الفضاخ، نسخ الحدیث، نسخ ایرانی (نسخ تیریزی)، نسخ عثمانی (نسخ یاقوتی یا نسخ ترکی)، نسخ بغدادی (نسخ عربی) و نسخ چاپی.

خط توقیع - خط توقیع از مشتقات خط ثلث است. این خط در اوایل قرن سوم هجری قمری (در زمان مأمون خلیفه عباسی) توسط یوسف سگزی وضع گردید و شکل آن از خط ریاسی اقتباس شده است. این خط در زمان خلفای عباسی به عنوان خطی درباری برای نوشتن القاب و عناوین ایشان و هنگام امضاء مورد استفاده بوده است،

و عنوان توقیع بدان جهت به آن اطلاق می‌گردد که در قدیم فرمان‌ها و نامه‌ها و توشیحات خلفا و وزرا و برخی نوشته‌های دیوانی با این خط کتابت می‌گردید. قواعد خط توقیع نظیر خط ثلث است اما ریزتر از آن، و ترکیبات آن فشرده تر و اتصالاتش بیشتر است. کوچک‌تر بودن حروف توقیع نسبت به ثلث و در بعضی موارد پیروی از خط نسخ موجب سهولت و روانی آن در کتابت شده است. در این خط پنج دانگ دور و یک دانگ سطح وجود دارد.

خط توقیع برای نوشتن پایان قرآن‌ها، کتاب‌ها، نام سفارش دهنده، تاریخ و مکان تحریر و نام کاتب به کار می‌رفت. توسعه و تکامل خط توقیع به طور کامل در اواخر قرن پنجم هجری قمری توسط ابوالفضل خازن «ابن الخازین» صورت گرفت.

مشق الفقیه عثمان المعروف
بِحافظ القرآن عن فضلته نویب

بِقَلَمِ قَوْلِ الْحَطِّ يَا كَا التَّائِبِ
وَالْحِطِّ الْاِتْرَاسِيَةِ الْمَتَّابِ

خط توقیع

خط رقاع - رقاع خطی است که بر اثر نیاز به تندنویسی و مختصر نوشتن در مکاتبات (رقعه‌ها) به کار می‌رفته است. خط رقاع از خط توقیع به وجود آمده و به همین سبب از آسانی و روانی برخوردار است. شکل حروف رقاع در حالت مفرد و مرکب شبیه به خطوط ثلث و توقیع است، اما با آنها تفاوت دارد، اکثر حلقه‌ها و گره‌ها از قبیل : ف، ق، م، و، لا (غیر از ص، ط، ع) بسته و توپر نوشته می‌شوند. رقاع خطی است تمام دور و کمتر از یک ششم در آن سطح وجود دارد. این خط نیز در پایان سرلوحه‌ها و پایان قرآن‌ها و کتاب‌ها برای ذکر تاریخ و نام بزرگان و کاتب به کار می‌رفت.

بسم الله الرحمن الرحيم
عن علي بن ابي طالب

قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: كُنْتُ كَاتِبًا لِعَمْرٍو وَكَاتِبًا لِعَلِيٍّ وَكَاتِبًا لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ وَكَاتِبًا لِبَنِي إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَمِيٍّ وَكَاتِبًا لِحَبِيبِ بْنِ مُطَرِّفٍ فَظَنَنْتُ أَنَّ مِثْلَ مَا كُنتُ أَصْنَعُ لِعَمْرٍو لِعَلِيٍّ وَكَاتِبًا لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ وَكَاتِبًا لِبَنِي إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَمِيٍّ وَكَاتِبًا لِحَبِيبِ بْنِ مُطَرِّفٍ فَظَنَنْتُ أَنَّ مِثْلَ مَا كُنتُ أَصْنَعُ لِعَمْرٍو لِعَلِيٍّ

قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: كُنْتُ كَاتِبًا لِعَمْرٍو وَكَاتِبًا لِعَلِيٍّ وَكَاتِبًا لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ وَكَاتِبًا لِبَنِي إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَمِيٍّ وَكَاتِبًا لِحَبِيبِ بْنِ مُطَرِّفٍ فَظَنَنْتُ أَنَّ مِثْلَ مَا كُنتُ أَصْنَعُ لِعَمْرٍو لِعَلِيٍّ

قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: كُنْتُ كَاتِبًا لِعَمْرٍو وَكَاتِبًا لِعَلِيٍّ وَكَاتِبًا لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ وَكَاتِبًا لِبَنِي إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَمِيٍّ وَكَاتِبًا لِحَبِيبِ بْنِ مُطَرِّفٍ فَظَنَنْتُ أَنَّ مِثْلَ مَا كُنتُ أَصْنَعُ لِعَمْرٍو لِعَلِيٍّ

قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: كُنْتُ كَاتِبًا لِعَمْرٍو وَكَاتِبًا لِعَلِيٍّ وَكَاتِبًا لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ وَكَاتِبًا لِبَنِي إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَمِيٍّ وَكَاتِبًا لِحَبِيبِ بْنِ مُطَرِّفٍ فَظَنَنْتُ أَنَّ مِثْلَ مَا كُنتُ أَصْنَعُ لِعَمْرٍو لِعَلِيٍّ

قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: كُنْتُ كَاتِبًا لِعَمْرٍو وَكَاتِبًا لِعَلِيٍّ وَكَاتِبًا لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ وَكَاتِبًا لِبَنِي إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَمِيٍّ وَكَاتِبًا لِحَبِيبِ بْنِ مُطَرِّفٍ فَظَنَنْتُ أَنَّ مِثْلَ مَا كُنتُ أَصْنَعُ لِعَمْرٍو لِعَلِيٍّ

قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: كُنْتُ كَاتِبًا لِعَمْرٍو وَكَاتِبًا لِعَلِيٍّ وَكَاتِبًا لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ وَكَاتِبًا لِبَنِي إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَمِيٍّ وَكَاتِبًا لِحَبِيبِ بْنِ مُطَرِّفٍ فَظَنَنْتُ أَنَّ مِثْلَ مَا كُنتُ أَصْنَعُ لِعَمْرٍو لِعَلِيٍّ

قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: كُنْتُ كَاتِبًا لِعَمْرٍو وَكَاتِبًا لِعَلِيٍّ وَكَاتِبًا لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ وَكَاتِبًا لِبَنِي إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَمِيٍّ وَكَاتِبًا لِحَبِيبِ بْنِ مُطَرِّفٍ فَظَنَنْتُ أَنَّ مِثْلَ مَا كُنتُ أَصْنَعُ لِعَمْرٍو لِعَلِيٍّ

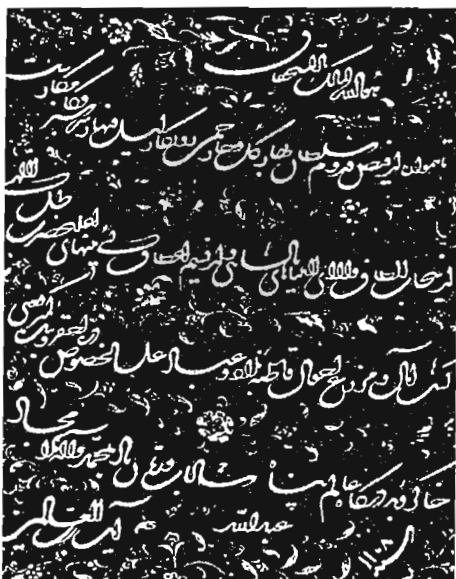
قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: كُنْتُ كَاتِبًا لِعَمْرٍو وَكَاتِبًا لِعَلِيٍّ وَكَاتِبًا لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ وَكَاتِبًا لِبَنِي إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَمِيٍّ وَكَاتِبًا لِحَبِيبِ بْنِ مُطَرِّفٍ فَظَنَنْتُ أَنَّ مِثْلَ مَا كُنتُ أَصْنَعُ لِعَمْرٍو لِعَلِيٍّ

خط رقاع

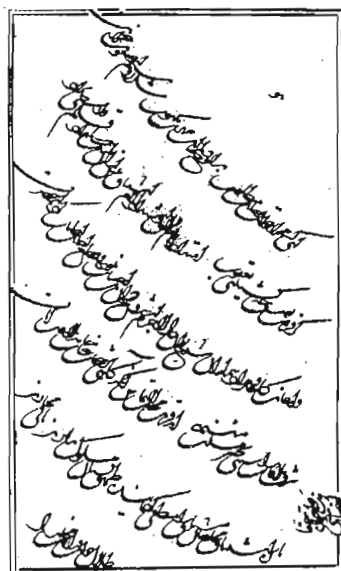
خط تعلیق - خط تعلیق یکی از خطوط اختراعی ایرانی و اسلامی است. این خط برگرفته از خطوط رقاع و توقیع است و آن را خواجه تاج سلمانی در قرن هفتم هجری قمری ابداع کرد. خط تعلیق برای تحریر کتابها و دیوان‌های شعر به کار می‌رفت و تا قرن هشتم هجری قمری رو به تکامل بود. نیاز به تندنویسی موجب شد که در این خط پیوستگی حروف و کلمات مجاز شمرده شود و سرعت کتابت آن بیشتر شود و برای نوشتن مراسلات مناسب گردد. این مرحله را شکسته تعلیق گویند.

خط تعلیق خاص منشیان و کاتبان دیوان بود که آن را گاهی «خط ترسل» نیز نام نهاده‌اند. شکسته تعلیق خطی است. متداخل و پیچیده که به دلیل سرعت در کتابت، به هم پیوستن حروف منفصل در آن مرسوم است و گاهی چندین کلمه را به صورت پیوسته می‌نویسند. در خط تعلیق پنج دانگ دور و یک دانگ سطح وجود دارد. دوران رونق خط تعلیق از آغاز پیدایش تا اوایل قرن دهم هجری قمری بود و پس از پیدایش خط نستعلیق از رواج آن کاسته شد و کمتر از آن استفاده گردید.

استادان برجسته خط تعلیق - خواجه تاج سلمانی، خواجه عبدالحی منشی استرآبادی، خواجه اختیارالدین منشی گنابادی، محمدکاظم واله اصفهانی، احمد بن علی بن احمد شیرازی، منصور بن محمد بهیهای، عبدالرحمن مذهب شیرازی، قاضی اختیار حسن گنابادی، ابراهیم منشی استرآبادی و خواجه عتیق منشی اردوبادی.



خط تعلیق



خط تعلیق خواجه اختیار

عبدالله

خط نستعلیق - در نیمه دوم قرن هشتم هجری قمری، از ترکیب دو خط «نسخ» و «تعلیق»، خط «نسخ تعلیق» توسط میرعلی تبریزی ابداع شد که بعدها آن را «نستعلیق» خواندند. خط نستعلیق از نظم، اعتدال، متانت وافر، دایره‌های ظریف و موزون و دلپذیر برخوردار است، بدین جهت آن را عروس خطوط اسلامی نام نهاده‌اند. خط نستعلیق از همه شرایط زیبایی برخوردار است از جمله: موزونی، استواری، تناسب، حسن ترکیب و هماهنگی، چون همه اصول و قواعد خوشنویسی در آن رعایت می‌شود. علاوه بر زیبایی منظر، سهولت و سرعت تحریر خط نستعلیق و نیز آسانی قرائت کلمات و سطوره، از موجبات رواج آن بوده است. بنابراین خط نستعلیق خطی است با قاعده که در آن حروف و کلمات دارای اندازه‌های معین است و پنج دانگ آن دور و یک ششم آن سطح است. از آغاز قرن نهم هجری قمری بنا وجود تداول دیگر خطوط اسلامی، اکثر کتابت ایرانیان با خط نستعلیق بوده است و به زودی در سراسر ایران رواج یافت و به هند و ترکیه و مصر و عراق و دیگر کشورهای اسلامی نفوذ پیدا کرد.

خط نستعلیق در عهده صفویان به دست میرعماد حسنی سیفی قزوینی به اوج کمال و زیبایی و شیوایی رسید و در عهد قاجار میرزا محمد رضا کلهر، صاحب سبک و شیوه‌ای در این خط شد که برخی از استادان معاصر از آن پیروی کردند.

استادان برجسته خط نستعلیق - میرعلی تبریزی ، میرزا جعفر
 تبریزی بایسنغری، اظهر تبریزی، اسدالله کرمانی، عبدالرحمن
 خوارزمی، عبدالله مروارید «بیانی»، سلطانعلی مشهدی، سلطان محمد
 نور، میرعلی هروی، سلطان محمد خندان، مالک دیلمی، شاه محمود
 نیشابوری، محمد حسین تبریزی، سید احمد مشهدی، مجنون رفیقی هروی،
 باباشاه اصفهانی، میرعماد حسنی سیفی قزوینی، علیرضا عباسی، میرزا
 عباس نوری، فتحعلی شیرازی «حجاب»، میرزا اسدالله شیرازی، سید حسین
 خوشنویس باشی «میرحسین ترک»، میرزا غلامرضا اصفهانی، میرزا
 محمد رضا کلهر، میرزا محمد حسین شیرازی، سید علی اکبر گلستانه، محمد
 حسین تهرانی، محمد حسین عماد الکتاب سیفی قزوینی، سید مرتضی
 برغانی، علی منظوری حقیقی، علی آقاحسینی، حسن زرین خط، سید حسین
 میرخانی، سید حسن میرخانی، ابراهیم بوذری، علی اکبر کاوه حقیقی و
 عبدالله فرادی.



محمد شمع حسین ابریش

خط

خط نستعلیق سید حسین میرخانی
 نستعلیق سید حسن میرخانی

والله اعلم
 وحسن حسین فاطمه

خط نستعلیق غلامحسین

امیرخانی

خط شکسته نستعلیق - خط شکسته از اوایل قرن یازدهم هجری

قمری پا به عرصه ظهور گذاشت که نخست تفاوت چندانی با خط نستعلیق نداشت، فقط برخی از حروفش، بر اثر سرعت قلم روان و پیوسته نوشته می‌شد و بعضی از حروف منفصل به صورت متصل در می‌آمد. در نوشته‌های این دوره نمونه‌هایی از خط تعلیق را می‌توان دید. درباره‌ی واضح خط شکسته آمده است که ابتدا دو روش ساده نویسی و پیچیده و در هم‌نویسی متداول بود. روش پیچیده آن متمایل به تعلیق است که آن را خط ترسل گفته‌اند و آن را مرتضی قلیخان شاملو از ترکیب خطوط تعلیق و نستعلیق و شکسته ابداع کرد. محمد شفیع هروی «شفیعا» خط شکسته را ابداع کرد و به این خط نظام بخشید و اصلاحات عمده‌ای در آن پدید آورد. خط شکسته در نوشتن نامه‌ها، احکام، کتاب نویسی، اشعار و قطعات خوشنویسی استفاده می‌شود.

خط شکسته با ظهور درویش عبدالمجید طالقانی به کمال قانونمندی و اصول و قاعده و زیبایی رسید و سپس علی اکبر گلستانه در ترویج شیوة درویش عبدالمجید طالقانی کوشید و در این خط استاد مسلم شد.

استادان خط شکسته نستعلیق - محمد شفیع هروی «شفیعا»، مرتضی قلیخان شاملو، میرزا حسن کرمانی، محمد افضل گنابادی، محمد محسن قمی، درویش عبدالمجید طالقانی (که در خط شکسته اعجاز کرد)، میرزا کوچک اصفهانی، فضل علی بیک دنبلی، خواجه ابوالحسن فسایی، محمدرضا اصفهانی معروف به «کر»، سید علی فسایی، میرزا رضی آذربایجانی، میرزا سید علی متخلص به نیاز، محمد شفیع وصال شیرازی، میرزا محمد رضا کلهر و سید علی اکبر گلستانه.



خط شکسته نستعلیق گلستانه

خط اجازه - خط اجازه را خوشنویسان دولت عثمانی با تصرفاتی که در خط توقیع به عمل آوردند، متداول ساختند. همان گونه که خط توقیع برای نوشتن توشیحات در ایران به کار می‌رفت، خط اجازه برای نوشتن گواهینامه یا اجازه خط توسط استاد یا استادان در پایان قطعات خوشنویسی در دولت عثمانی و کشورهای عربی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

قَالَ خَيْرُ لِي خَيْرٌ لِمَعْلُومَةٍ بِمَا سَأَلْتَنِي عَنْ رَأْيِي فِي طَبَقِ الْبَيْتِ : كَانَ عَلِيٌّ لِي لَمْ يَكُنْ
 لَدَيْكَ تَشِيدُ لِي الْقَوِيَّ بِقَوْلِكَ فَضْلًا وَحِكْمَةً لَا . يَنْفَعُ لِعَالَمٍ تَجْرِبَتُهُمْ وَتَنْطِقُ
 الْحِكْمَةَ بِلُغَتِهِمْ وَتَسْتَبِينُ خَشْمَ الَّذِينَ يَنْظُرُونَ فِيهَا وَأَنْتَ الْبَلَدُ وَوَحْشَتُهُمْ . وَكَانَ
 عَزِيزًا لِدَعْوَةِ طَوْلِكَ لِقَوْلِكَ . يُعْجِبُ مِنَ اللَّيْلِ مَا خَشِنَ وَهُوَ الطَّيْفُ مَا حَشِبَ وَمَنْ

خط اجازه

خط دیوانی - منشیان دولت عثمانی در ترکیه، از خط تعلیق خطی را ابداع کردند که چون مخصوص امور دیوانی و مکاتبات رسمی بود، آن را خط دیوانی نام نهادند. قواعد این خط را ابراهیم منیف در قرن نهم هجری قمری وضع کرد. انواع خط دیوانی عبارت‌اند از: خط دیوانی ساده (دیوانی خفی)، خط دیوانی جلی و خط دیوانی جلی زورقی.

خط دیوانی ساده - نوع ساده دیوانی را دیوانی خفی گویند. این خط معمولاً بدون حرکات و تزئینات نوشته می‌شود.

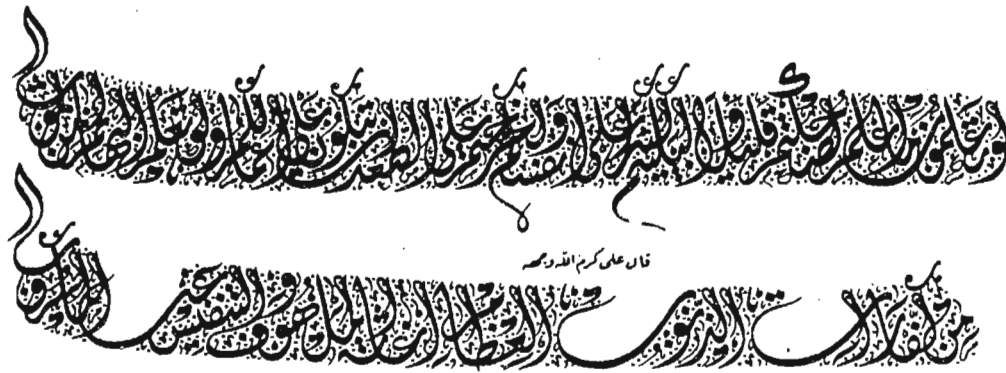
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الاسترخس صدرک و وضعه عشق و زرک
 لفری انفضظ هرک و رفغ لک و ذکرک فاه مع

خط دیوانی هاشم محمدالبغدادي

خط دیوانی جلی - در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری قمری از خط دیوانی طیف تزئینی دیگری به نام دیوانی جلی پدیدار گشت. تزئینات دیوانی جلی از خط چینی اقتباس گردید و اختراع و ابتکار آن توسط شهلا احمد پاشا از رجال دولت عثمانی صورت گرفت. خصوصیات اصلی دیوانی جلی، آرایش و تزئین فراوان به

وسيلة عناصر تزئینی گوناگونی بود که لزوماً هیچ ارزش نوشتاری نداشت، بنابراین تمام مجموعه خط به صورت توده ساختاری مکعبی شکل، شامل مستطیل‌های مستقیم و مایل و دیگر اشکال هندسی، و نیز تزئیناتی با نقطه‌های ریز به نحوی که خط و شکل و نقطه، جایگاه نوشته را از طول و عرض پر کند، ظاهر می‌شود.



خط دیوانی جلی هاشم محمدالبغدادی

خط دیوانی جلی زورقی - نوعی از خط دیوانی جلی را که خوشنویسان آن را با الهام از شکل کشتی و قایق می‌نویسند، خط دیوانی جلی زورقی نام نهاده‌اند. خط دیوانی و دیوانی جلی در ترکیه و کشورهای عربی متداول می‌باشد.



خط دیوانی جلی زورقی، محمد عزت

خط رقعه - رقعه به معنای نوشته، نامه، وصله و مکتوب می‌باشد. خط رقعه بعد از خط دیوانی پدید آمد و قواعد آن را ممتاز بك در قرن سیزدهم هجری قمری به میزان نقطه وضع نمود. این خط بهتر و روشن‌تر و متین‌تر از خط دیوانی است و در نوشته‌های فوری و نیز برای کتابت کتب و مجلات در سراسر کشورهای عربی رایج است.

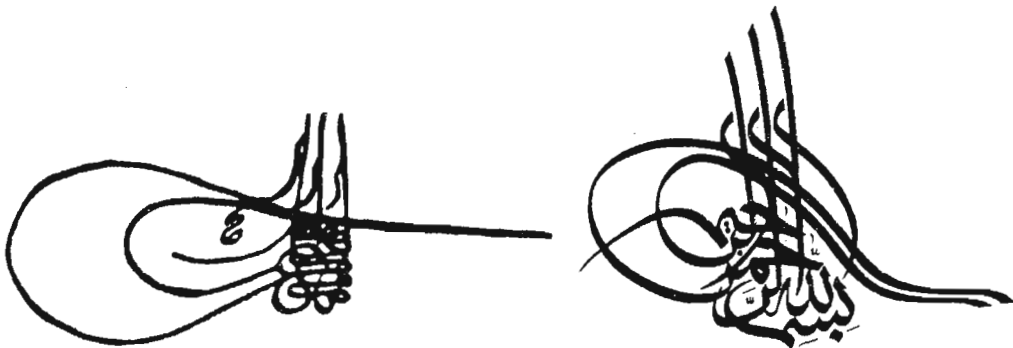
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تجملوا عوارض ذی ظلم اذا انقسمت کانه منهل بالراح معلول
اکرم بها هذه لوانها صدقت مرعودها اولوانه النصیح مقبول
ولا تمسک بالمحمد الذی عنفت الا کما یسک الماء الغرابیل
اصوراً مل ان ند نومود نمهار ما اھال لبینامک منوبل

خط رقعه مؤلف
عمد البغدادي

خط رقعه
هاشم

خط طغرا - طغرا خطی است قوسدار (به هیئت کمانچه)، همراه با خطوط پیچیده و متوازی که به اشکال مختلف از جمله طغرای مطیر (به شکل پرنده) و طغرای مشجر نوشته می‌شود. طغرا در قدیم بر سر فرمان‌های پادشاهان می‌نوشته‌اند که نام و لقب پادشاه وقت را در برداشته است. در دیوان پادشاهان، طغرای سلطان به جای مهر متداول بوده است. رسم طغرا از زمان سلجوقیان در ایران متداول بوده است. قلم طغرا نخست بر صدر احکام فرمانروایان و نیز مسکوکات و مهر و عتیق قرار داشته و به تدریج موارد استعمال دیگر یافته است. طغرای فرامین را خواجه عتیق اردوبادی در قرن دهم هجری قمری (عهد شاه اسماعیل صفوی) اختراع کرد و در قرن سیزدهم هجری قمری، مصطفی راقم (از خوشنویسان دولت عثمانی)، خط طغرا را مهندسی کرد و به شیوة کنونی درآورد.



مهر طغرا

خط طغرا

خط مثنی - خط مثنی به معانی گوناگون از جمله خط متعکس، خط آینه‌ای، خط دوتایی، خط جفتی، خط برگردان و خط توأمان آمده است. این خط نخست برای مهرسازی کاربرد داشت اما برای نوشتن قطعات خوشنویسی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گرفت. انواع خطوط کوفی،

محقق، نسخ، نستعلیق و خصوصاً ثلث را می‌توان با اشکال و صور مختلف به صورت مثنی نوشت. مخترع خط مثنی مجنون رفیعی هروی در قرن دهم هجری قمری است.



خط مثنی



خط ثلث مثنی

خط مصور (خط شکلی) - خط مصور خطی است که خوشنویسان، ترکیب حروف و کلمات را در قالب تصاویر از جمله شکل و شمایل انسان، جانداران، پیکر نمایی جانوران، گیاهان، اشیاء، نقوش زیبا و فرم‌های انتزاعی نوشته و به صورت قطعه‌ای خوشنویسی جلوه‌گر می‌کنند. در خط مصور از انواع خطوط می‌توان استفاده کرد اما خط ثلث در این امر جذابیت و زیبایی ویژه‌ای دارد. مخترع این خط مجنون رفیعی هروی است.



خط و نقش



نقاشیخط - به نوعی خط که خوشنویسان با به کار گرفتن رنگ در خط یا برعکس، آثاری را پدید آورند، یا به عبارت دیگر ترکیب خطوط با به کارگیری عناصر خوشنویسی، برای بیان‌های تصویری را نقاشیخط گویند. نقاشیخط بیشتر روی بوم نقاشی با رنگ و روغن انجام می‌گیرد اما برخی خوشنویسان با استفاده از رنگ‌های گواش، آبرنگ، اکریک، مرکب‌های رنگین و ایر برایش آثار ارزشمندی را به وجود آورده‌اند.



نقاشیخ، اثر جلیل رسولی

مرغ بسمله - به نوعی از خط که خوشنویس با استفاده از طرح‌های مختلف پرندگان، در داخل آن «بسم الله الرحمن الرحيم» را بنویسد، «مرغ بسمله» یا «مرغ بسم الله» گفته می‌شود. این خط را قلم طاووس و خط طاووسی نیز نام نهاده‌اند.



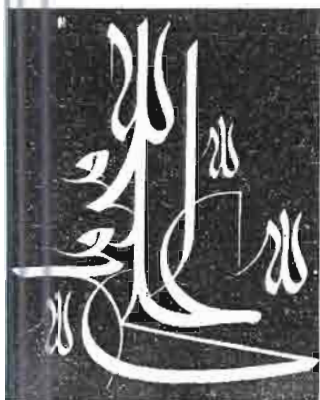
مرغ بسمله

خط گلزار - خط گلزار نوعی از خط است که محدوده فضایی داخلی حروف نسبتاً بزرگ طراحی شده را با نقش و نگارهای تزئینی به وسیله طرح‌های گلدار، الگوهای هندسی، صحنه‌های شکار، چهره‌ها، خطوط کوچک و نقوش اسلیمی پر می‌کنند. استادان برجسته خط گلزار - علیخان، حسن زرین قلم، بنیاد تریزی، کاظم نصف زبان و محمد صادق در قرن سیزدهم هجری قمری.



خط گلزار

خط معلی - خط معلی در سال ۱۳۷۸ هـ. ش. توسط حمید عجمی ابداع گردید. خط معلی با تمسک به وجود پر برکت حضرت علی (ع) پا به عرصه ظهور گذاشت. ویژگی‌ها کلی خط معلی عبارت‌اند از: ۱- نگارش با شش دانگ قلم ، ۲- صراحت دفعی سیر قوت به سوی ضعف در حروف، ۳- وجه حماسی غالب به دلیل پرتاب‌های قلم و ترکیب‌بندی‌های خاص، ۴- قابلیت انطباق در معماری سنتی و مدرن و ۵- تصرف کاتب در تغییر کلی حروف «ع»، «ل» و «ی» با توجه به خلاقیت و ابتکار خوشنویس.



خط معلی حمید عجمی

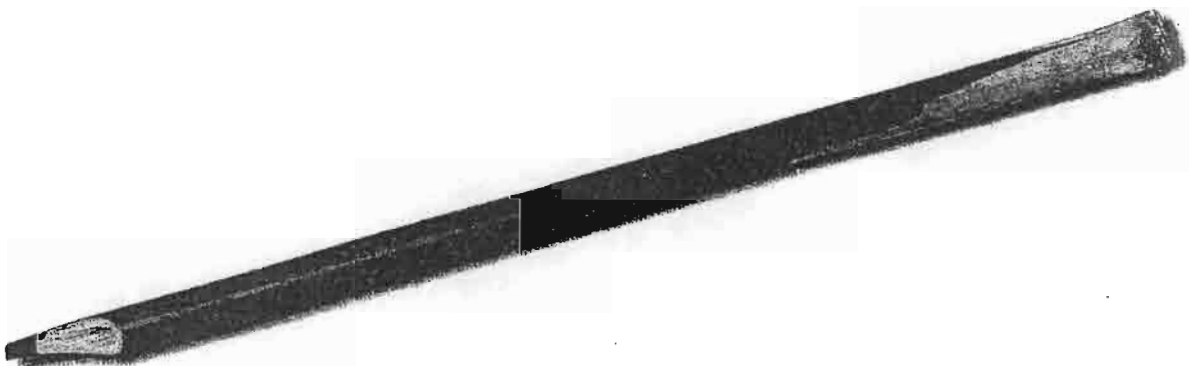
قلم نی

محمد بن معویة الانماطی گوید که از پیغمبر اکرم (ص) شنیدم که می‌فرمود: «إِنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقَ الْقَلَمِ فَقَالَ لَهُ اكْتُبْ قَالَ يَا رَبِّ وَ مَا اَكْتُبُ قَالَ اَكْتُبِ الْقَدْرَ قَالَ فَجَرِيَ الْقَلَمُ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ يَمَا كَانَ وَ يَمَا كَانَتْ إِلَى الْآبَتِد.» یعنی اول چیزی که خداوند خلق فرمود، قلم بود. آن‌گاه بدو امر داد که بنویس، عرض کرد خداوند آنچه

بنویسم! خداوند او را امر داد که بنویس احکام و علم مرا از مخلوقات من تا روز قیامت. پس قلم بدانچه مأمور شد اطاعت کرد. و اول کسی که در روی زمین قلم برداشت آدم ابوالبشر بود «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا»^{۵۸}، و نیز «عَلَّمَ يَالْقَلَم» اشاره به اوست.^{۵۹}

قلمنی از مهم‌ترین ابزار خوشنویسی است. در انتخاب يك قلمنی خوب باید خصوصیات زیر را در نظر گرفت:

- ۱- سخت و سنگین باشد (سختی آن متوسط)، ۲- کاملاً مدور باشد (صاف و بدون تاب)، ۳- رنگ آن قرمز پخته (سرخ و سفید) یا قهوه‌ای باشد، نه سیاه و زرد، ۴- پرگوش و سفید مغز باشد، ۵- يك بند و بدون گره در میان خود باشد، ۶- ضخامت یا قطر آن متناسب باشد، مثلاً برای نوشتن قلم کتابت، سرفصلی، مشقی باید قلمی انتخاب کرد که ضخامت آن از يك خودکار معمولی (حدود هفت میلی‌متر) بیشتر نباشد، و برای قلم جلی و درشت‌تر می‌توان، از قلمنی ضخیم‌تر مانند خیزران و قلم پارویی استفاده کرد، ۷- طول قلم حدود ۲۰ سانتی‌متر باشد.



قلم نی دزفولی با خصوصیات یاد شده
 چون رفیقی هروی در شناختن قلم خوب گفته است:

قلم باید که باشد درون اسفند و رگ‌ها
 دگر سرخ و سفید و چنین گفتند

اما درباره ارزش و اهمیت قلم باید گفت که پروردگار متعال در قرآن مجید به قلم و آنچه بنگارد سوگند یاد کرده است. خاقانی

۵۸- سورة البقره، آیه ۲۶.

۵۹- پیدایش خط و خطاطان، صص ۴۱ و ۴۲.
 ۶۰- رساله رسم الخط.

شروانی در این رابطه تحلیل زیبایی بر آیه شریفه «ن وَ الْقَلَم وَ
ما یَسْطُرُونَ»^{۶۱} دارد:

ماه و سر انگشت خلق، این چو قلم آن چو نون
طفلان نو، شاد به «ن وَ الْقَلَم»

مولانا جلال الدین محمد بلخی نیز آیه شریفه «ن وَ الْقَلَم وَ ما
یَسْطُرُونَ» را در این شعر حل کرده:

گر چو نونی در رکوع و چون قلم اندر سجود
تو چون «نون و قلم»، پیوند با «مایسـطرون»
وحافظ شیرین سخن گفته است:

قلم را آن زبان نبود که سرعشق گوید باز
ورای حد تقریر است شرح آرزومندی
مولانا همچنین می‌گوید:

دلم همچو قلم آمد در انگشتان دلداری
که امشب می‌نویسد زی، نویسد باز فردا ری
قلم را هم تراشد او رقاع و نسخ و غیر آن
قلم گوید که تسلیمم، تو دانی من کیم باری
و در جای دیگر گفته:

اگر او را قلم خوانم، و گر او را علم خوانم
درو هوش است و بیهوشی، زهی بیهوش هشیاری
فریدالدین عطار نیشابوری هم چه زیبا سروده:

مانند قلم زبان
بر لوح فنا به سر دویدن
بریده
و باز گفته است:

گر دواند مرا به پیش الم پیش حکمش به سر
دوم چو قلم

صائب تبریزی فاق قلم را به چاک تشبیه کرده است:
از بخت سیه نیست گذر اهل رقم را بی چاک که دیده
است گریبان قلم را
سلمان ساوجی نیز چنین سروده است:

61- سورة القلم، آیه ۱.

ما چون قلم نخواهیم از دست سر کشیدن
از دوست یک اشارت، از ما به سر دویدن
دولتشاه سمرقندی در تذکره خود در باره قلم گفته است:

فریاد ز دست خامه قیراندود
تو راز دلم به دشمن و دوست نمود
گفتم که زبانش ببرم گنگ شود
ببریدم از آن فصیح‌تر گشت که بود
مجنون رفیقی هر وی هم گفته:

ای کاتب هر صحیفه راز لوح قلم تو خامه

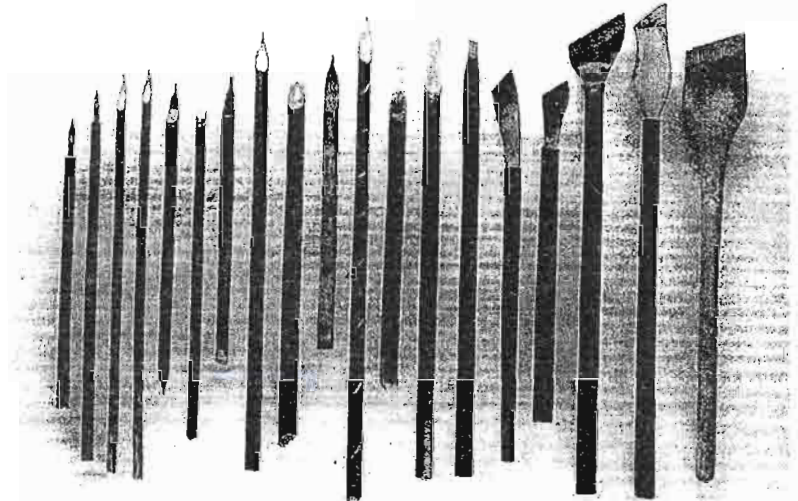
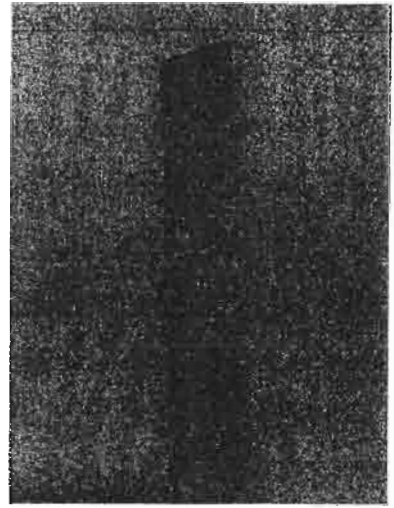
پرداز

ملا محمد حسین تبریزی به هنگام وفات این قطعه را برای میرعماد
بروده و او آن را نوشته است:

قلم باشد این نکته	بهین وارثی مرد را
را گوش دار	یادگار
قلم گر نبودی نبودی	جهان از قلم یافت
جهان	نام و نشان
مدانش به نزد خرد	کسی کو نگشت از
ارجمند	قلم بهره‌مند
قلم‌زن شناسد قلم را	قلم را چه دانند
و بس	هر بوالهوس

و سلطانعلی مشهدی در انتخاب قلم خوب و مناسب گفته است:

بشنو این حرف از زبان	اولاً می‌کنم بیان
نه به سختی چون سنگ	که قلم سرخ رنگ
یاد گیر ای جوان ز روی	نی سیاه و نه کوتاه
و اندرونش سفید، نی	معتدل، نی سطر و
ملک خط راست، نیک	نی در او پیچ و نی
دست را زین و آن	گر قلم سخت باشد



انواع قلم نی خوشنویسی در

قلم پارویی

دانگهای مختلف از غبار تا کتیبه‌نویسی

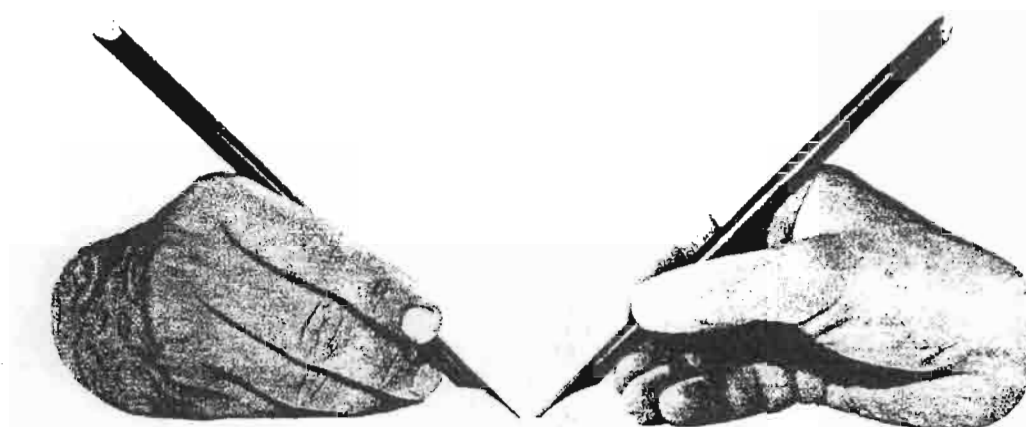
طریقه به دست گرفتن قلم - استادان خط معتقدند که صحیح به دست گرفتن قلم و قلم‌رانی از اهمیت خاصی برخوردار است و صفای جوهر خط در حرکات و گردش قلم ظاهر می‌شود، چون خط تابع قلم است. مهارت در به کار بردن قلم و استفاده از وحشی قلم^{۱۲}، انسی قلم^{۱۳}، یک چهارم قلم، یک سوم قلم، یک دوم قلم، سه چهارم قلم و تمام پهنای قلم در زیبا نوشتن خط مؤثر است. قلم بایستی با سه انگشت وسطی، سبابه و شست گرفته شود (وسطی زیر قلم و سبابه و شست روی آن قرار گیرد)، که هر سه به فرمان تمام دست در حرکات و گردش قلم تأثیر دارند. تکیه قلم بر انگشت وسطی به دو انگشت کوچکتر است و تکیه انگشت کوچکتر بر صفحه کاغذ. در گرفتن قلم حد

۱- وحشی: جانب راست از هر چیزی، وحشی قلم: جانب راست قط قلم.

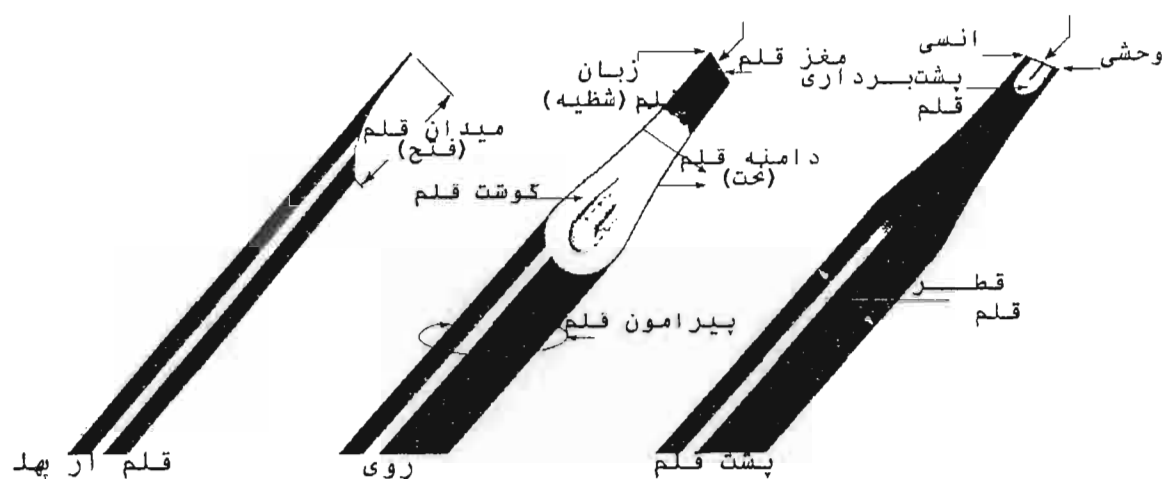
۲- انسی: ضد وحشی، جانب چپ از هر چیز. به اصطلاح خطاطان انسی قلم: جانب چپ قط قلم.

خاقانی گوید: زد کاتب صنعت از پی ایجاد رقم را این جهان انسی و وحشی است قلم را

اعتدال پسندیده است، نه سخت و محکم و نه سست، لازم به ذکر است که قلم رانیدن بر صفحه کاغذ باید بدون فشار باشد.



طریقه بدست گرفتن قلم



اجزای قلم، طراحی از علی اصغر مقیلمانی (مؤلف)

دوات (محبیره) - ظرفی است فلزی از جنس نقره یا برنز که لایقه و مرکب را در آن جای دهند، و در قدیم به آن محبره می‌گفتند. اکنون از شیشه‌های کوچک دهانه گشاد و کم عمق برای دوات استفاده می‌کنند. کم عمق بودن دوات از این روست که هنگام مرکب برداری بتوان سر قلم را دید و به اندازه مرکب برداشت. باید در دوات لایقه قرار داد و بهتر است پس از فراغت از کتابت در دوات را ببندند تا از خشک شدن و ورود گرد و غبار و فاسد شدن مرکب جلوگیری به عمل آید. کلیم کاشانی می‌گوید:

دوات از بس ز خشکی مایه دار است
رقم از هر قلم خط غبار است

و میرزا اسدالله دوات را به ناف آهوی ختن تشبیه کرده است:

هم سوادِ صفحه مشك سوده خواهد بيختن

هم دواتم ناف آهوي ختن خواهد شدن

صائب تبریزی هم چنین سروده:

خضر کلکم چون ز ظلمات دوات آید

از صفحه

فیض قدومش سنبلستانی کند

مركب - ابن‌الندیم می‌گوید: «چینیان مدادی^{۶۴} دارند که آن را از

موادِ شبیه روغن چینی می‌سازند. من مقداری از آن را دیدم که

مانند لوحی بود و نقش صورت پادشاه را داشت و یک تکه از آن برای

مدت زیادی که دائماً بنویسد کفایت می‌کرد.»^{۶۵} همچنین نوعی دیگر از

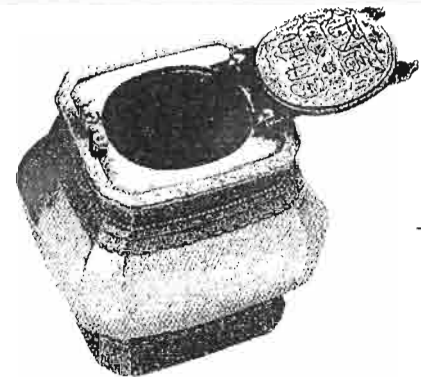
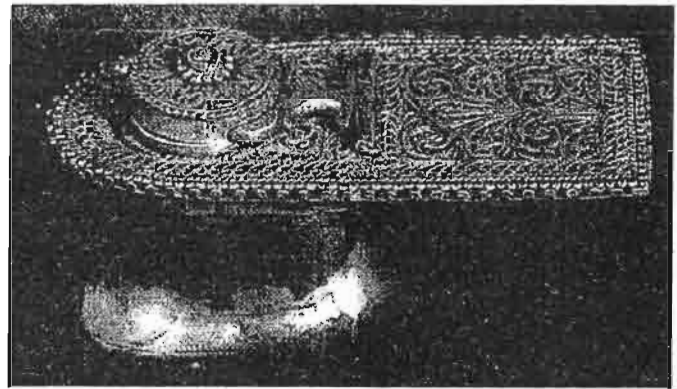
مركب وجود داشت که آن را «چیر» می‌نامیدند. حافظ شیرین سخن چه

زیبا سروده است:

نقطه خال تو بر لوح بصر نتوان زد

از مگر

مردمک دیده مدادی طلبیم

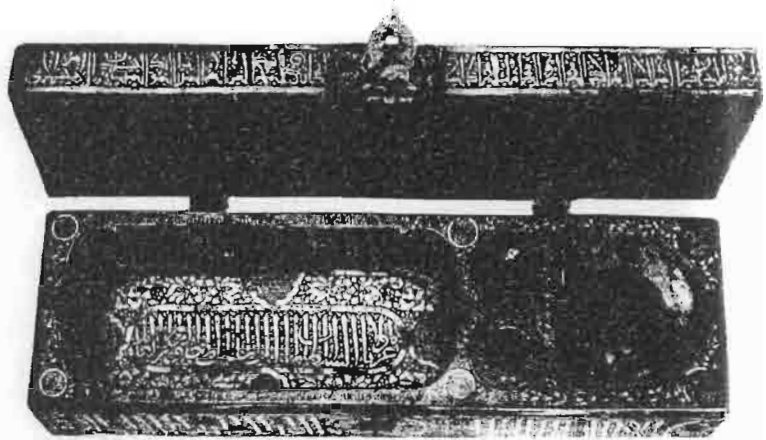
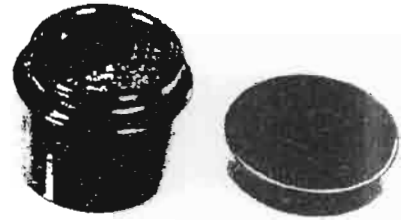


دوات نقره‌ای مشبک، اندازه ۶ سانتی‌متر، موزه هنرهای تزئینی
دوات نقره‌ای با کنده‌کاری خط ثلث

(مرقع رنگین، ج ۱)

بر در و اطراف آن (حروف عربیه، ش ۱)

۶۴- مداد نوعی از مرکب است که خوشنویسان با آن می‌نویسند (صبح‌الاعشی، جزء ۲، ص ۶) و در روایت آمده است که: مدادُ العُلَماءِ أَفْضَلُ مِنْ دِماءِ الشُّهَداءِ.
۶۵- الفهرست، ص ۲۹.



قلمدان برنجی با دوات

دوات شیشه‌ای
مرصع یافته با طلا و نقره و خطوط

کوفی و ثلث، قرن ۸ هـ. ق.

مصر (خوشنویسی اسلامی)

مواد تشکیل دهنده مرکب خوشنویسی عبارت‌اند از: دوده، صمغ^{۶۶}، زاج، مازو^{۶۷}، صبر، نیل، زعفران، اف تیمون^{۶۸} و پوست گردکان سبز^{۶۹} که نوع خشک آن را با آب محلول می‌کنند و پس از ساخته شدن با آن می‌نویسند. بهترین مرکب آن است که سیاه و کم‌برق بوده و کاملاً جریان داشته، و ناخالصی در آن وجود نداشته باشد، تا یکنواخت و روان بر کاغذ بنشیند. همچنین کشش مرکب باید خوب و راحت باشد، و در مدات و جاهایی که قلم نیاز به حرکت مداوم دارد به همراه قلم بیاید. مرکب باید طبیعی باشد و به تفصیلی که گفته خواهد شد، ساخته شود و از مرکب‌های رسم و مرکب‌های شیمیایی نباید استفاده کرد، و از مرکب‌های رنگی (مانند جوهر گردو،

۱- مایع کم و بیش لزج و چسبناکی است که از برخی درختان به خارج ترشح می‌شود و در مجاورت هوا منجمد شده و سختی مخصوصی پیدا می‌کند و در صنعت از آن استفاده می‌کنند (فرمنگ معین).

۲- برجستگی‌های کروی شکلی که در اثر گزش حشره مخصوصی به نام سی نیپس گالا تینکتوریا *Cynips galla tinctoriae* بر روی جوانه‌های درخت بلوط ایجاد می‌شود. حشره مذکور برای تخم گذاری، پوست درخت بلوط را سوراخ می‌کند و بر اثر این عمل مقدار زیادی از شیره گیاهی درخت مذکور متوجه نقطه مزبور می‌شود و تدریجاً به صورت برجستگی در می‌آید که به نام مازو موسوم است. در صنعت از مازو جهت تهیه مرکب سیاه، رنگ کردن پارچه و نیز در جرم سازی از آن استفاده می‌کنند (فرمنگ معین).

۳- دوايي است معروف و آن شکوفه گیاهی باشد که به سعتر (گیاهی بیابانی دارای برگ‌های ریز) می‌ماند و سر شاخ‌های آن باریک است، بعضی گویند زیره رومی است و آن سرخ رنگ و تیز طعم می‌باشد (برهان قاطع).
۶۹- گردو.

مرکب‌های تهیه شده از رنگ‌های گیاهی و... چنانچه طبیعی و روان باشد، می‌توان استفاده نمود.

طریقه ساخت مرکب: «مواد لازم: ۵۰ گرم دوده چربی گرفته، ۲۰۰ گرم صمغ عربی، ۲۰۰ گرم زاج سیاه، ۴۰۰ گرم مازو، دو و نیم گرم زعفران، دودانگ صبر، ده گرم اف تیمون، ۵۰ گرم پوست گردکان سبز و ده گرم نیل.

۲۰۰ گرم صمغ در آب حل نموده تا چون عسل شهد شود، آن‌گاه دوده را در ظرف ریخته و چهار دانگ از صمغ را به ظرف دوده اضافه کرده آن مقدار کف بمالند که آن دوده کشته شود؛ سپس دو دانگ دیگر صمغ را یک برابر آب اضافه کرده تا روان‌تر شود، و آن را در ظرف ریزند و با آن دوده ترکیب کنند چنان‌که بتوان آن را در شیشه ریخت (مقداری از شیشه باید خالی باشد)، سر آن را محکم بسته و آنقدر آن را تکان دهند تا کاملاً آمیخته شود، هر چه بیشتر تکان داده شود، صلایه بیشتر خواهد یافت (حداقل ده روز باید آن را تکان داد). سپس ۲۰۰ گرم زاج سیاه را در آب حل کرده تا گداخته شود و صاف کنند، و بعد ۴۰۰ گرم مازو را خرد کرده و با دو و نیم گرم زعفران و دو دانگ صبر و ده گرم اف تیمون و ۵۰ گرم پوست گردکان سبز و ده گرم نیل در یک و نیم لیتر آب جوشانده تا نصف شود، و آن را صاف کنند و از آن آب زاج اندک اندک بر او بیفزایند و به قلم تجربه کنند تا به اعتدال درآید و رنگ آن مناسب شود، و این را نیز اگر مقداری صمغ بر آن اضافه کنند، مرکبی فریسه خواهد بود، و باید دانست که زاج زیاد نباشد که مرکب را می‌سوزاند، و نیز صمغ و دوده خیلی غلیظ نباشد که اگر این‌چنین باشد قبول نت نکند، و هر چه تکان دهند صلایه نخواهد یافت. این نوع مرکب ساختن نسبت به مرکب‌هایی که در هاون ساییده می‌شوند، فواید زیادی دارد، یکی آنکه از گرد و خاک محفوظ است (چون درون شیشه است)، دیگر آنکه همه مرکب به یک نوع صلایه می‌یابد، برخلاف هاون که بعضی صلایه می‌یابد.»^{۷۰}

میرعلی هروی در مورد ساختن مرکب در رساله مداد الخطوط آورده است:

۷۰- نقل از رساله آداب‌المشق باباشاه اصفهانی و آداب‌المشق میرعماد.

همسنگ دوده زاج است، همسنگ هر سه صمغ است،
و میرعلی تبریزی گفته است:
دوده شش کن هر یکی صمغ و زعفران يك جزو کن، زنگار
جمله را حل کن به آب مورد گر همی خواهی مطوس ساختن،